



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: کتب قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار سیاسی - انتصابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۲۲۷۱

شنبه ۱۱ آذر ماه ۱۳۳۱

سال هشتم

شماره مسلسل ۴۱

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۴۱

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۳ شنبه
چهارم آذرماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- تقدیم سؤال از طرف آقای عبدالرحمن فرامرزی
- ۳- تقدیم تقاضای طرح لایحه تکمیل قانون آموزش و پرورش بقید يك فوریت
- ۴- طرح سؤال آقای کریمی از وزارت دفاع ملی راجع بشهادت ۳۰ تنییر کرمانشاه وجواب آقای معاون وزارت دفاع ملی
- ۵- طرح سؤال آقای قنات آبادی راجع بامتحان دبیرستان دارائی وجواب آقای معاون وزارت فرهنگ
- ۶- اعلام وصول نامه از طرف یکی از بازماندگان شهدای ۳۰ تیر وارجاج آن بکمیته تحقیق
- ۷- تقدیم تقاضای طرح لایحه راجع بزندانیان بوسیله آقای کریمی
- ۸- تقدیم لایحه يك دوازدهم آبان بوسیله آقای وزیر دارائی
- ۹- سؤال آقای وکیل پور راجع بلغو جیره بندی قندوشکر از وزارت دارائی وجواب آقای وزیر دارائی
- ۱۰- طرح سؤالات آقای دکتر بقائی از وزارت دفاع ملی و وزارت دادگستری راجع بتعقب متهمین واقعه ۳۰ تیر
- ۱۱- بیانات آقای وکیل پور طبق ماده ۹۰ وجواب آقای وزیر دارائی
- ۱۲- جواب آقای معاون وزارت دادگستری بسؤالات آقای دکتر بقائی
- ۱۳- معرفی آقای شهشانی بمعاونت وزارت کشور بوسیله آقای وزیر کشور
- ۱۴- تعیین موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت ده و پنج دقیقه صبح بریاست آقای محمد ذوالفقاری

(نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس
نایب رئیس - جلسه رسمی است می شود

(اسامی غائبین بشرح زیر بوسیله آقای ناظرزاده قرائت شد)

غائبین با اجازه آقایان: مکی - اورنگ - دکتر شایگان - مهندس رضوی - دکتر فلسفی - منصف - مشار - دکتر سنجابی - میلانی - بهادری - دکتر کیان - غائبین بی اجازه: آقایان: دکتر امامی - فتحعلی افشار - دادور - معتمد دماوندی - محمد حسین قشقائی - شاپوری - راشد - دکتر مصباحزاده - مجتهدی - دیر آمده با اجازه: آقای دکتر بقائی

دیر آمدگان بی اجازه: آقایان: امیر افشار - شهاب خسروانی - توایب - غائبین در رأی: آقایان: امیرافشار شهبستری

نایب رئیس - آقای نریمان نیست بصورت جلسه اعتراض دارید؟ (نریمان - بلی) بفرمائید نریمان - در جلسه گذشته راجع به ماده ۹ بنده پیشنهادی کردم که پیشنهاد من با پیشنهاد آقای مهندس زیرکزاده در صفحه هشت صورت مجلس نوشته شده است نریمان - پیشنهاد بنده مخالف پیشنهاد آقای زیرکزاده میشود این (میشود) باید بشود (نیست)

نایب رئیس - بسیار خوب اصلاح میشود. آقای جلیلی
جلیلی آقای شاپوری مرخصی گرفته اند و مرخصیشان هم تصویب شده ایشان را بدون اجازه نوشته اند استدعا میکنم اصلاح شود.

نایب رئیس - اصلاح میشود. آقای وکیل پور
وکیل پور - در عرایض مختصری که بنده در جلسه گذشته کردم یکی دوتا اشتباه مختصری شده که تصحیح میکنم و

تقدیم می کنم

نایب رئیس - آقای قنات آبادی

قنات آبادی - در عرایض من در جلسه گذشته يك غلطهای عبارتی است که تصحیح میکنم و میبدم بپند نویسی ضمناً از موقع استفاده می کنم و يك تلگرافاتی از شیراز رسیده است که شکایت کرده اند از حزب برادران متعلق با آقای آقا سید نورالدین که ریختند منزل آقای (دکتر معینی) اثاث منزلش را غارت کرده و عده ای را هم آنجا مجروح کرده اند (دکتر شایگان - صحیح است) (خسرو قشقائی - صحیح است) (فرامرزی - صحیح نیست) يك شکایتی هم از کارگرهای انبارهای فندرسیده که قرار بوده که ۲۸ نفر را جزء کارگرها استخدام بکنند بعد تبعیض کرده و ۱۵ نفر را استخدام کردند اینرا تقدیم می کنم

(فرامرزی - آقای قنات آبادی این تلگرافی که فرمودید صحیح نیست من شیرازی هستم)

(قنات آبادی - آقای دکتر شایگان شیرازی هستند شما نیستید)

نایب رئیس - آقای فرامرزی استدعا میکنم بفرمائید

آقای مهندس غروی
مهندس غروی - يك نامه ای از طرف کارمندان ذی نفع دارائی استان اول رسیده است که تقدیم میکنم و علاوه يك عرایض زیادی از طرف وجوه اهالی از تمام طبقات رسیده استدعا میکنم از مقام ریاست که در تکمیل عضو کمیسیون عرایض اقدام بفرمائید تا ما بتوانیم اقدام بکنیم

نایب رئیس - آقای فرامرزی بفرمائید

نایب رئیس - نسبت به صورت جلسه اعتراضی نیست (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد

۲- تقدیم سوال از طرف آقای عبدالرحمن فرامرزی

نایب رئیس - آقای فرامرزی عبدالرحمن فرامرزی - این سوالات راجع بوزارت کشور است که تقدیم میکنم

۳- تقدیم تقاضای طرح لایحه تکمیل قانون آموزش و پرورش بقیدیک فوریت

نایب رئیس - تقاضائی از طرف آقایان نمایندگان رسیده است که فراتر از حد (شرح زیر فرمات شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی امضاء کنندگان ذیل تقاضا داریم لایحه مربوط باصلاح و تکمیل قانون آموزش و پرورش عمومی که در دوره شانزدهم بقید فوریت تقدیم شد و تا آخر دوره بلا تکلیف ماند بقید یک فوریت مطرح شده پس از طرح در کمیسیون های فرهنگ و

بودجه بتصویب مجلس شورای ملی برسد: ناظرزاده - مهندس حسینی - دکتر بقائی - مهندس زیرک زاده - دکتر شایگان - انکبئی - دکتر ملک - دکتر معظمی یارسا - حاج سید جوادی - شبستری - جلالی زهری - مجدزاده - ملک مدنی - کریمی - حمیدیه - نریمان - قنات آبادی - اخگر مهندس فروری - شهیدی - کهید - دکتر فاخر - نجفی - دکتر فقهی شیرازی - امامی امری - مصدقی - ربکی - ذکائی - اقبال و کیلی پور - موسوی - خسرو شفقائی

۴- سوال آقای کریمی از وزارت دفاع ملی راجع به شهدای ۳۰ تیر کرمانشاه و جواب آقای معاون وزارت دفاع ملی

نایب رئیس - سوالات مطرح است آقای نادعلی کریمی بفرمائید

نادعلی کریمی - در پشت یکصد و بیست و پنج روز از روز سی ام تیر میگذرد من یقین دارم که شما هنوز دوباره واقعه ۳۰ تیر متأسرید من اطمینان دارم که شما هنوز باله های جانسوز جگر پاره های این مردم را می شنوید (رنگ نایب رئیس)

نایب رئیس - آقای کریمی سوالات مطرح است راجع به سوالاتان توضیح بدهید

کریمی - بنده راجع به سی ام تیر سوال کرده ام مربوط به سوال است اگر آقایان حال شنیدن راجع به ۳۰ تیر را دارند بفرمائید که در این باره

نایب رئیس - سوالاتان را اول

بفرمائید مطرح بکنید بعد اگر توضیحی بخواهید بدهید بفرمائید

نادعلی کریمی - سوالی که بنده کرده ام از وزارت دفاع ملی از وزیر جنگ سوال کردم سوالم این است که یکمده از متهمین واقعه ۳۰ تیر کرمانشاه را وزارت جلیله جنگ یا وزارت دفاع ملی که همیشه استقلال دارد بدون مجوز قانونی از حوزه قضائی کرمانشاه بدون اجازه مدعی العموم کرمانه از آنجا فرار داده است معلوم نیست اینهارا بکجا برده جناب آقای کفیل وزارت دادگستری (بعضی از نمایندگان - معاونند) معاون دادگستری ببخشید اینهارا از آنجا فرار داده اند

امامی اهری - اخطار نظامنامه ای دارم

نایب رئیس - بفرمائید امامی اهری - طرحی که راجع به آموزش و پرورش باقید یک فوریت تقدیم شده است باید اول فوریت آن مطرح شود نایب رئیس - بایک فوریت است هر وقت ممکن است فوریت آن مطرح شود با دو فوریت نیست بفرمائید آقای کریمی

کریمی - عرض می کنم مردم کرمانشاه به آقای دکتر مصدق تلگراف کردند که آقا اینها متهمین بقتل هستند میبایستی مطابق مقررات در حوزه قضائی که هستند و پرونده شان جریان دارد در آنجا باید معاکه شوند کجا رفته اند؟ آقای دکتر مصدق جواب دادند که دستور داده شد آنها را برگردانند بعد معلوم شد که یکمده از تیمسارها نمایانم چرا بانظر آقای دکتر مصدق موافق نیستند و اینها را نفرستاده اند هنوز هم بنده نمایانم اینها کجا هستند این است که بنده از آقای وزیر جنگ سوال کرده ام و حال هم توضیحات زبر را عرض میکنم

نایب رئیس - آقای کریمی استدعا میکنم راجع به سوال خودتان بفرمائید نطق قبلاز دستور نیست

کریمی - این توضیح سوال است اگر نمیخواهید راجع به ۳۰ تیر صحبتی بشود بنده عرضی نمیکنم سوال هم ندارم این مطالب هم راجع به ۳۰ تیر است اگر آقایان نمیتوانند بشنوند بنده هم عرضی ندارم (فرامرزی) - بله باید شغله شود بچکس هم حرفی نزنند

قنات آبادی - آقای کریمی هر چه دلتان میخواهد بگوئید کسی کسی را خفه نمیکنم آقای فرامرزی اینجوری که نمی شود در علیه مجلس سند درست کنید اینجوری که نمیتواند مجلس راهو کند

فرامرزی - لعنت کسی که میخواهد مجلس را راهو کند (قنات آبادی) - سید هژار (بار) (رنگ رئیس) نایب رئیس - آقای کریمی بفرمائید

فرامرزی - من کسی نخواهد بود

کند خدا لعنتش کند (قنات آبادی) - صد هزار بار) خدا لعنتش کند هر کی خواست جلو نطق و کبل را بگیرد خدا لعنتش میکند

کریمی - من میدانم که شما خوب میدانید که این غنچه های نورسته و این گلهای شاداب بوستان کشور ما چگونه در بهار جوانی پژمرده شده و بخاک سیاه فرو ریخته اند از مادرانی که در مرک فرزندان خود بخون نشسته اند از خواهرانی که بمرک برادران خود سیاه پوشند از زنانی که شوهرانشان شهید شده اند از اطفالی که در فاجعه ۳۰ تیر یتیم شده اند همه آگاهید

من ایمان دارم که شما هم ای نمایندگان این مردم در غم و غصه و شدائد و مصائب این مردم ستم دیده شریک و سهیمید و خوب میدانید که شهادت و جان بازی کسانی که ارواح ملکوتی آنها اکنون بر فراز آسمان ها ناظر اعمال و افعال ماست تا چه اندازه در تثبیت این حکومت ملی مؤثر بود شما یقین دارید که اگر این نیروی عظیم ملت ایران نبود و در پیشاپیش این ملت این فرزندان برومند خلف که جان خود را برای ابقاء این نهضت مقدس ملی نثار کردند وجود نداشتند امروز این ایران عزیز و این مجلس و مظاهر ملت مادستخوش اجرای نقشه های پلید دشمنان ما شده بود پس ما در حد اعلاای انصاف و صفای خاطر باید اقرار کنیم که همه چیز ما زنده و ساخته و پرداخته حسن سیاست ملیون و فداکاری و جان بازی همان مقتولین معصوم و کشتگان بیگناه است

ما باید از صمیم قلب قبول کنیم که در مقابل این جانبازی و وطن پرستی ملت قهرمان ایران باید ارکان متشکله این حکومت ملی را بهتر حفظ کنیم یعنی باید جلو اقدامات آن عناصر ناصالحی که در زمان قوام علیه ملت ایران خائنانه قیام کردند و امروز بعنوان مختلفه با مخارج گوناگون و دادن آجیل و شیرینی راه موفقیت بعدی را برای خود باز میکنند بگیریم

یعنی باید متوجه باشیم که با این عناصر بوقلمون صفت که بقول خودشان ملیونها تومان دسترنج ملت فقیر ایران را برای پیش رفت منظور خویش کنار گذاشته و برای متزلزل کردن ارکان حکومت ملی زمینه سازی میکنند مبارزه کنیم یعنی باید مواظب باشیم تا آبادی خطرناک آنها را که ملت و مملکت و خون شهدای ما را با وسائلی که در دست دارند بشین بخسب میفرشند و هر روز برای اجرای نقشه شوم یکگانگان هزاران بیرون در کار کلبه شون و شقوق زندگانی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ما میزنند و هر قدر در صورت که تصور شود آنش اختلاف

و نفاق را بین ما برادران ایرانی دامن می زنند و همچنین دست کسانی که برای موفقیت و خمره این گرگهای درنده تسهیل و سائل میکنند از سرمایه ملت نجیب و فدا کار کوتاه کنیم

آقایان محترم تا آنجا که من اطلاع دارم شما نمایندگان ملی همواره در صدید که بتوانید منظور خود را در خدمت باین کشور که مهد نیاکان ما بوده است تأمین کنید چه خدمتی بهتر از اینکه نگذارید این پنجه های شوم و خون آلود دوباره بر حلقوم جمعی از برادران و فرزندان ما فشار آورد و چه انجام وظیفه ای نیکوتر از این که فرصت ندهید این عناصر ناصالح دوباره با قیافه های ظاهر الصلاح خویش در صدد تجدید این قبیل وقایع باشند و از این راه پایه های مظاهر ملت ما را که بر اساس کشتگان برادران ما استوار شده است متزلزل و نابود سازند

اینها این عناصر ناپاک با تشبثات خود تا کنون جان سلامت برده اند و اوای بر ما و روزگار ملت ما اگر اینها طبق مقررات و خواسته ملت ایران که شایسته بقای یک حکومت ملی است بکفر اعمال زشت و ناپسند خود نرسانیم من از این مکان مقدس بنام ملت ایران عموماً و همشهریان عزیزم که سهم بسزائی در این قیام ملی دارند خصوصاً از دولت جناب آقای مصدق که حکومت خود را چه زود تر بد کاران و هم دستار بیگانه پرست و عمال و مسیبن واقعه ۳۰ تیر را تعقیب و مقصرین آن را بکفر و مجازات برسانند زیرا هنوز کفن کشتگان ۳۰ تیر از خون نا بحق ریخته آنها خشک نشده و احساس مقتولین در انتهای قبرهایشان آرام نگرفته است که قائلین آنها دو باره برای افتاء ملت ایران بجنب و جوش افتاده و برای از بین بردن خون آنها و رخنه کردن در مجلس دست و پا هامیکنند و ما باید با ورود و رخنه کردن دوباره آنها ب مجلس بهر قیمتی که تمام شود مبارزه کنیم تا شاید یکی از صدها خدمتانی را که این ملت نجیب از ما انتظار دارد انجام داده باشیم ما از بازماندگان شهداء شرمساریم

درست ۴۲۵ روز از کشته شدن برادران و فرزندان عزیز ما میگذرد ملت ایران با احترام ارواح طیبه آنها هر يك بفرخورد و توسع خود ملت را برای وراثت شهدای ملی ما تقدیم نمود و مجلس شورای ملی اموال قوام را برای خوبیهای شهدا تعیین کرد ولی تا کنون که سرمای زمستان شروع شده است خبری از تقسیم و توزیع در میان نیست بنده تقاضای دارم هر کفیتی که متصدیان محترم صلاح میدانند در این موضوع رعایت فرموده و نتیجه را در عرض افکار ما بگذارند بنده از بجه مطالبی که بنده عرض کنم با احترام نظامنامه متر نظر میکنم و از جناب آقای معاون وزارت دفاع ملی استدعا می

کنم توضیح بدهند و بوجه مجوز قانونی این مأمورین را آورده اند و چرا برای - مجازات آنها را نفرستاده اند و آیا یک تیب فشنی که آنها دارند نمیتوانند سه نفر معبوس را نگاهداری بکنند موضوع چه بوده است

حاج سید جوادی - آن حرف یاد رفت آقای کریمی؟

نایب رئیس - آقای معاون وزارت دادگستری

معاون وزارت دادگستری - بطوریکه نمایندگان محترم کابینه واقف هستند و غرایب بنده را قاطعاً تصدیق خواهند فرمود دولت فعلی منتخب خود مردم است (مردم کاملاً حس میکنند که این دولت خدمت گذار آنهاست با این وضعیت امروز ملت و دولت باهم تفاوتی ندارد ملت و دولت ایران هر دو یکطرف دارند و یکطرف یک مقصود همایش میروند و همین امر است که نوید - آینه خوشی را بجهه مردم میدهد مجازات مسبین واقعه سی تیر رامنل سایر امور هم مردم هم نمایندگان محترم مردم و هم دولت میخواهد هر کس در هر مقامی که هست چه در وزارت دفاع ملی چه در وزارت دادگستری چه در سایر مقامات چه شغل آزاد داشته باشد میخواهد بداند چه دستهایی چه دست های مرموزی خون فرزندان ایران را که طالب دولت ملی خودشان بودند ریختند گمان نمیکنم هیچ فردی امروز در ایران باشد که غیر از این فکر کند و همه کس هم اطمینان دارد که مسبین این واقعه بالاخره بر مردم معرفی خواهد شد و مجازات هم خواهند رسید دولت هم بسیار خوشوقت است که موضوع تعقیب مسبین واقعه ۳۰ تیر همیشه مورد توجه نمایندگان محترم مخصوصاً مورد سؤال جناب آقای دکتر بقائی نماینده محترم و شجاع مجلس واقع شده (فنات آبادی - احسنت) پرونده - های واقعه ۳۰ تیر امروز تا تماماً بداد گستری اجازه شده الان در دادگستری است بنده اجازه میخواهم ضمناً نسبت بسؤالی که از وزارت دفاع ملی از طرف آقای دکتر بقائی شده (بعضی از نمایندگان - آقای کریمی سؤال کرده اند) سؤالی قبلاً آقای دکتر بقائی کرده بودند راجع بخدمتکاری وزارت دفاع ملی با کمیته تحقیق ضمن همان جواب سؤال آقای کریمی داده خواهد شد

نایب رئیس - آن سؤال حالا مطرح نیست شما جواب آقای کریمی را بفرمائید

معاون وزارت دادگستری - بطور خلاصه مقدمه با اجازه جناب آقای معاون وزارت دفاع ملی اولیاً بدان سؤال بنده پاسخ میدهم بعد راجع با اقداماتی که دادگستری برای تعقیب مسبین واقعه ۳۰ تیر کرده است عرض میکنم

نایب رئیس - آن مطرح نیست

کریمی - معاون وزارت دفاع ملی

جواب بنده را بدهد

معاون وزارت دادگستری - خود ایشان جواب جنابعالی را خواهند داد اما امروز دو سؤال شده بود بنده جواب خود را میبرم اگر آقایان نمایندگان میل دارند بدانند که دادگستری چه کرده برای تعقیب مسبین واقعه ۳۰ تیر

(زنک رئیس)

نایب رئیس - آن مطرح نیست آقای دکتر بقائی توضیحشان را که دادند شما جواب بدهید

معاون وزارت دادگستری - پس فعلاً بنده عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای معاون وزارت دفاع ملی

معاون وزارت دفاع ملی (سر لشکر مهنا) - جناب آقای نادعلی کریمی نماینده محترم مجلس شورای ملی یک سؤال معین و روشنی فرموده بودند که در چند جلسه قبل بنده آمادگی خود را برای دادن پاسخ بمرض رسانیدم ولی امروز بیاناتی فرمودند بعلاوه آن سؤال که امر

فوق العاده تأثر آور برای همه بود مسلم است که هر ایرانی حقیقی بی اندازه متأسف از این پیش آمد هست بنده فعلاً بطور مختصر جواب این سؤال صریح راعرض میکنم که مستحضر باشند که از طرف وزارت دفاع ملی هیچ عملی برخلاف قانون انجام نشده نظریه اینکه جریان واقعه ۳۰ تیر کرمانشاه در زمان فرمانداری نظامی و اتهامات منتسبه بدو افسر و یک درجه دار ارتش هم بسبب انجام مأموریت نظامی بوده طبق قوانین دادرسی رسیدگی بآن در صلاحیت دادرسی ارتش تشخیص داده شد ولی چون دادسرای کرمانشاه نیز خود را صالح میدانست اجباراً برای حل اختلاف موضوع بدیوان کشور ارجاع گردید ضمناً برای اینکه تا صدور رأی دیوان کشور از ایجاد هر گونه تشنجی در محل احتراز متهمین بهمراهم کراخام و بازداشت گردیده اند اینک هم که طبق رأی شعبه ۸ دیوان کشور رسیدگی موضوع با وضعیت فعلی پرونده در صلاحیت دادگستری تشخیص داده شده متهمین کماکان در بازداشت باقی خواهند بود و هستند البته تا تکلیف آنان از طرف دادگاه صلاحیت دار تعیین شود از طرفی چون بطور کلی پرونده سی ام تیر طبق قوانین موضوعه اخیر بوزارت دادگستری ارجاع شده این موضوع مثل بقیه پرونده کلاً بوزارت دادگستری ارجاع شده است فقط جناب آقای نادعلی کریمی ضمن بیاناتشان یکی دو نکته را فرمودند که بنده خودم را ناگزیر میدانم که بمرضشان برسانم اولاً فرمودند وزارت دفاع ملی و تیمسارانی که خود را مستقل میدانند این اشخاص را از کرمانشاه فرار داده اند این مطلب صحیح

نیست قربان اولاً تیمساری خودش راه مستقل نمیداند اگر منظور بنده و امثال بنده هستیم بنده منتخب از طرف جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر دولت ملی که جناب آقای دکتر ملک اسماعیلی فرمودند هستم و افتخار آن را دارم که منتخب ایشان هستم و هیچ وقت هم بنده و دیگرگری کوس استقلال نزدیم و آقای دکتر مصدق وزیر دفاع ملی هستند و هیچ عملی بدون اجازه ایشان انجام نمیشود در وزارت دفاع ملی و ما خود سرانه هیچ کاری نکرده ایم توجه آقایان محترم را جلب میکنم به اینکه نه فقط ما عملی برخلاف قانون نکرديم حتی عمل ما خیلی تطبیق میکرد با اصلاح برای اینکه با پیش آمد اختلاف نظریین دادرسی ارتش و دادسرای کرمانشاه مالا علاج بودیم که موضوع را به دیوان کشور احاله دهیم و اگر این متهمین در کرمانشاه میمانند ای بسا ممکن بود که در اثر اخلاص دستجاتی خدای نخواسته یک جریان بدتراز جریان اصلی رخ میداد دولت هم از طرف مجلس شورای ملی موظف است که در وهله اول امنیت مملکت را حفظ کند در اینجا عملی برخلاف قانون نشده تیمسارانی هم کوس استقلال نزدند هیچکاری هم برخلاف دستور جناب آقای وزیر دفاع ملی انجام ندادند صحیح است که جناب آقای وزیر دفاع ملی در یک موردی امر فرمودند که این متهمین برگردند بکرمانشاه ولی وقتی که موضوع به مرضشان رسید و توضیح داده شد اجازه فرمودند که کماکان در اینجا بمانند بنا بر این عملی برخلاف قانون نشده و بنده عرضی جز این نمیتوانم بکنم و تشخیص اینکه مجرمند و جانی هستند یا نیستند تصور میکنم نه بنده الان میتوانم عرض بکنم و نه هیچک از آقایان محترم بخودشان اجازه میدهند قبل از معا که این اشخاص یک همچو اظهاری بکنند بنده عرض دیگری ندارم (کریمی - ملت تشخیص داده است)

نایب رئیس - توضیحی دارید آقای کریمی؟

کریمی - بنده قانع نشدم ولی با احترام آقای دکتر مصدق بنده سکوت میکنم

نایب رئیس - آقای دکتر سنجابی (بعضی از نمایندگان - تشریف ندارند) آقای مهندس زیر گزارده سؤالی از دادگستری کرده بودند

مهندس زیر گزارده - چون یک اقداماتی از طرف آقایان شادلوها در جریان است فرار شد اینرا تحقیق میکنند تا اخذ نتیجه آن تحقیق بماند

نایب رئیس - آقای فنات آبادی

طرح سؤال آقای فنات آبادی راجع نامشعاع

دبیرستان دارائی و حوائج

آقای معاون وزارت فرهنگ

فنات آبادی - سؤالی که از وزارت

فرهنگ شده برای اطلاع آقایان نمایندگان محترم عرض میکنم سؤال این بوده است «علت قبول داوطلب امتحان نهائی از عده ای بنام دبیرستان دارائی با وجود انحلال آن دبیرستان چه بوده و علت اینکه در دستور جواز امتحان تبعیض گردیده است چمی باشد؟» البته آقایان نمایندگان اطلاع دارند که چند سال قبل دبیرستان دارائی که یک دبیرستان پسرانه بود منحل شد بعد از انحلال دبیرستان دارائی تحت یک عنوانهای خاصی یکمده ای را بنام باقیمانده از سالهای قبل یا بنام مردود و یا بنام اینکه اینها در آن سال در دانشان یا باطنشان میل داشتند که امتحان سال ششم را بدهند یا میل داشتند که داوطلب باشند از یکمده ای امتحان کرده سال گذشته هم شورای عالی فرهنگ بعد از اینکه یک مده ای رد شدند و یکمده ای هم گویا میل داشتند که یک راهی پیدا بکنند که دومرتبه سال ششم دبیرستان دارائی را امتحان بدهند جلسه ای گردند و شورای عالی فرهنگ تصویب کرد و این عین تصویب نامه شورای عالی فرهنگ است که داوطلبانیکه سال گذشته در موقع امتحان مریض بوده و بواسطه مرض نتوانستند در جلسه امتحان شرکت کنند با داشتن مدارک معتبر و تصدیق مدارس می توانند امسال در امتحان شرکت کنند با ستاد این تصویب نامه که از شورای عالی فرهنگ گذشته قریب ۵ ماه قبل وزارت فرهنگ اعلام کرد که کسانی که واجد این شرط هستند باین شرایط هستند باین نام نویسی کنند یک مده زیادی آمدند از مردود زن نام نویسی کردند البته عرض کردم که دبیرستان دارائی یک دبیرستان پسرانه بوده دبیرستان مختلط هم نبود پسرانه بود امتحان که شروع شد از یک عده ای که می گفتند سال گذشته اینها مردود شدند امتحان کردند اولاً یک نکته ای را که میخواهم اینجا توجه آقایان نمایندگان محترم را جلب کنم این است که مامی بینم هر سال نوبت این مملکت موقع امتحان که میشود یک چار و پنجالی بوجود می آید اجتماعاتی میشود نظراً هرانی میشود شاید در محوطه وزارت فرهنگ زود خورد هائی می شود شاید امسال اعتصابات و با اصطلاح تحصن هائی شد در وزارت فرهنگ نه در گذشته نه در حال وزارت فرهنگ نخواسته است توجه کند که چرا هر سال موقع امتحان در سرتا سر کشور باالخصوص در تهران این تشنجات بوجود می آید البته من تصدیق میکنم یک عده اشخاصی هستند

نایب رئیس - نامی بفرمائید اکثریت است (پس از چند لحظه اکثریت حاصل شد) بفرمائید

فنات آبادی - البته بعضی از این دستها در این موقع استفاده میکنند و یک اعلاماتی بر سر می آورند و اینها را در روز و روزی اداره کرده و می کنند و اینها

فرهنگ شده برای اطلاع آقایان نمایندگان محترم عرض میکنم سؤال این بوده است «علت قبول داوطلب امتحان نهائی از عده ای بنام دبیرستان دارائی با وجود انحلال آن دبیرستان چه بوده و علت اینکه در دستور جواز امتحان تبعیض گردیده است چمی باشد؟» البته آقایان نمایندگان اطلاع دارند که چند سال قبل دبیرستان دارائی که یک دبیرستان پسرانه بود منحل شد بعد از انحلال دبیرستان دارائی تحت یک عنوانهای خاصی یکمده ای را بنام باقیمانده از سالهای قبل یا بنام مردود و یا بنام اینکه اینها در آن سال در دانشان یا باطنشان میل داشتند که امتحان سال ششم را بدهند یا میل داشتند که داوطلب باشند از یکمده ای امتحان کرده سال گذشته هم شورای عالی فرهنگ بعد از اینکه یک مده ای رد شدند و یکمده ای هم گویا میل داشتند که یک راهی پیدا بکنند که دومرتبه سال ششم دبیرستان دارائی را امتحان بدهند جلسه ای گردند و شورای عالی فرهنگ تصویب کرد و این عین تصویب نامه شورای عالی فرهنگ است که داوطلبانیکه سال گذشته در موقع امتحان مریض بوده و بواسطه مرض نتوانستند در جلسه امتحان شرکت کنند با داشتن مدارک معتبر و تصدیق مدارس می توانند امسال در امتحان شرکت کنند با ستاد این تصویب نامه که از شورای عالی فرهنگ گذشته قریب ۵ ماه قبل وزارت فرهنگ اعلام کرد که کسانی که واجد این شرط هستند باین شرایط هستند باین نام نویسی کنند یک مده زیادی آمدند از مردود زن نام نویسی کردند البته عرض کردم که دبیرستان دارائی یک دبیرستان پسرانه بوده دبیرستان مختلط هم نبود پسرانه بود امتحان که شروع شد از یک عده ای که می گفتند سال گذشته اینها مردود شدند امتحان کردند اولاً یک نکته ای را که میخواهم اینجا توجه آقایان نمایندگان محترم را جلب کنم این است که مامی بینم هر سال نوبت این مملکت موقع امتحان که میشود یک چار و پنجالی بوجود می آید اجتماعاتی میشود نظراً هرانی میشود شاید در محوطه وزارت فرهنگ زود خورد هائی می شود شاید امسال اعتصابات و با اصطلاح تحصن هائی شد در وزارت فرهنگ نه در گذشته نه در حال وزارت فرهنگ نخواسته است توجه کند که چرا هر سال موقع امتحان در سرتا سر کشور باالخصوص در تهران این تشنجات بوجود می آید البته من تصدیق میکنم یک عده اشخاصی هستند

نایب رئیس - نامی بفرمائید اکثریت است (پس از چند لحظه اکثریت حاصل شد) بفرمائید

فنات آبادی - البته بعضی از این دستها در این موقع استفاده میکنند و یک اعلاماتی بر سر می آورند و اینها را در روز و روزی اداره کرده و می کنند و اینها

اینکه وزارت فرهنگ را اداره بکنند داشته و ندارند غالباً آنهایی که وزارت فرهنگ را اداره کرده و میکنند یک اشخاص غیر فرهنگی بوده اند چون مؤسسه فرهنگ یک مؤسسه ای است که اداره کردنش بسیار مشکل است اینها بعداً اطلاعی نداشته وارد نبوده اند ممکن هست که آدم های بسیار خوبی باشند ممکن است که آدم خیلی خوبی باشند و آدم های خیلی علاقمند و وطن پرستی هم باشند و علاقه بوطن خود هم داشته باشند خیلی اشخاص توی این مجلس ما داریم که اینها مثلا از کار برق سر رشته ندارند مثلا آقای دکتر معظمی نمی تواند مهندس برق بشود می شود که آقای دکتر معظمی را انتخاب کنند؟ یا مثلا آقای دکتر معظمی نمیتواند با اصطلاح یک عالم شیمی باشد (حاج سید جوادی - مختصری هست) مثلا فلان آدم نمی تواند نجاری بلد باشد این گناهی نیست که چرا فلان کس بلد نیست بنده میخواهم عرض کنم که این آقای دکتر آذر یک طیب بسیار خوبی است و اگر واقعا باین شغل شریف و پرافتخار فناعت میفرمودند و بیست وزارت فرهنگ را قبول میفرمودند یعنی این اظهار اعتمادی که جناب آقای دکتر تصدیق بایشان فرمودند خودشان صراحة عرض می کردند درست است من آدم صریحی هستم من آدم خوبی هستم من آدمی هستم که مبارزه هم کرده ام اما ابتکار از من ساخته نیست من نمیتوانم بروم وزارت فرهنگ را اداره بکنم من نمی توانم بروم جلوی این تشنجات و دسته بندی ها را بگیرم و با آنها مبارزه کنم مطلب حل میشد یک کسی که نسبت بایشان وارد تر بودی آمد و فوراً اداره میگردام اما مسافانه من نمیدانم که توی مملکت این چه دردی است که هر کس خود را مستعد برای همه کار و اداره همه اموری میداند جناب آقای دکتر آذر که یک پزشک خیلی خوبی هستند چون می دانستند که مطلب خودشان را می توانند خوب اداره بکنند خیال کردند که وزارت فرهنگ را هم خوب می توانند اداره بکنند و من می شنوم که یک مقامی گفته بوده است که آقای دکتر آذر خوب اداره میکنند وزارت فرهنگ را و از موقعی که آقای دکتر آذر آمدند و وزیر فرهنگ شدند از آن موقع هیچ تشنجی نشده است گویا این مطلب اساسا مورد تکیه است از آن وقتی که ایشان وزیر فرهنگ شده اند همه این کارها شده و علاوه یک کار دیگر ایشان کرده اند امسال که فلاباید نمیگردند و آن این بود که هر کس آمد و گفت ما دایلم می خواهم یک اداره در بیمه بشود و از آن دیگر تشنجی ندارد عرض کنید که هزار نفر آمدند و مدعی شدند و گفتند ما هم میتوانیم این کار را بدیم و گفتند که ما هم میخواهیم این کار را بدیم و گفتند که ما هم میخواهیم این کار را بدیم و گفتند که ما هم میخواهیم این کار را بدیم و گفتند که ما هم میخواهیم این کار را بدیم

روی نداده علاوه آقای دکتر آذر باید تشریف ببرند و ما بجان لایحه امنیت اجتماعی بکنند این لایحه بود که نگهداشت از کسی سروصدائی بلند نشود اگر این لایحه نبود خیلی بیش از اینها سروصدا بلند میشد عرض موضوعی که میخواستم عرض آقایان برسانم و توجه آقای دکتر نصیری معاون وزارت فرهنگ را جلب کنم این است که آقای شما آمدید اعلام کردید که هر کس داوطلب است و شرایطی هم خودتان برایش معین کرده و گفتید بسم الله بیابید و مطابق این شرایط امتحان بدهید این شرایطی که خودتان معین کردید یعنی وزارت فرهنگ باستاناد تصویب نامه شورای عالی فرهنگ چند چیز گفته بود یکی اینکه هر کس که تصدیق بهداری داشته باشد دیگر اینکه سال گذشته داوطلب باشد چون این تصویب نامه شورای عالی فرهنگ است داوطلبانی که سال گذشته مریض بوده اند البته تصدیق میفرمائید که معنای داوطلب این است که انسان میروند مطابق اصول و قاعده مدارکش را میدهند و موقع امتحان ناخوش میشوند پس یکی باید برود مطابق قاعده اسم بنویسد و اگر مریض شد مدرک معتبر داشته باشد و بهداری آموزشگاهها تصدیق کرده باشد بنده می خواهم عرض کنم که با همه این قرارها در چند مورد تخلف شده یکی در مورد همین کلمه داوطلب است الان در همین ایستگی که شما امسال امتحان کردید یک عده ای هستند که سال گذشته داوطلب نبوده اند البته وزارت فرهنگ هم نمی تواند ادعا کند که معلم غیب داریم و از باطن اشخاص خبر داریم آن چیزی که ما را قانع میکند همان آمار و دلائل است وزارت فرهنگ می تواند این چیز را اساس قرار دهد و این عملی که وزارت فرهنگ کرده است مثل این است که این عده سال گذشته در دانشان پیش خودشان داوطلب بوده اند بنا بر این چون اینها در نفس الامر و واقع داوطلب بوده اند ما اسم آنها را ثبت کردیم که اینها هم بیابند و امسال امتحان بدهند و اگر چنین چیزی باشد وزارت فرهنگ بگوید که ما از پشت پرده و از غیب اطلاع داریم این عده سال گذشته داوطلب بودند پیش خودشان و ما هم بزرگ کردیم ما از شما سوال می کنیم که چه دلیلی دارد یک عده دیگر را شما رد میکنید و میگردید شما سال گذشته داوطلب نبوده اید و حال آنکه آن عده ای را شما رد کرده اید چون سال گذشته داوطلب بوده اید اما البته همان طور که شورای عالی فرهنگ تصویب کرده امسال وزارت فرهنگ حق داشته بکسانی اجازه بدهد امتحان بدهند که سال گذشته داوطلب بودند و مدارک علمی دارند این آقای حسین طاهرزاده مدرک طب دار پرونده اش وجود ندارد حتی در پرونده ای که مدارک طب هم هست هر چه جستجو کردیم پرونده این شخص را پیدا نکردیم بنا بر این این هم قسمت دوم تخلف وزارت فرهنگ از تصویب نامه شورای عالی فرهنگ که یک کسی اجازه داده که در امتحان شرکت بکند و مراعات تصویب نامه شورای عالی فرهنگ را نگرفته اند یکی از این کسانی که امسال امتحان کردند آن شخص است که خدیجه بیگماری است این آقای امیر اصلاحتی در

مدارس که آقای دکتر نصیری طرفدارش هستند که باید بهداری مدارس تصدیق بکنند گواهی بیماری این آقای رحیمی را که الان در پرونده موجود است فقط امضای آقای دکتر شافعی را تصدیق کرده است اگر نظرتان باشد امروز که در وزارت فرهنگ بنده بودم و آقای دکتر سنجابی هم بودند وقتی که صحبت می کردیم ایشان می فرمودند که باید بهداری مدارس خود مندرجات را تصدیق بکنند تصدیق امضاء و تصدیق مندرجات کفایت نمی کند و حال اینکه این حرفی است که نمی شود برایش اساس قائل شد این مطلب رسم است توی این مملکت که یک کسی دیگری سند می دهد پول میدهد یک تمهیدی می کند میروند در محضر آن مقام رسمی فقط آن امضای که پای آن مندرجات است تصدیق می کند آن دیگری می تواند مندرجات را تصدیق کند که خودش هم کاملا علم و اطلاع داشته باشد که این آدم مریض بوده است اگر این مریض بوده است و شاگرد مدرسه هم نبوده لزوم ندارد که بهداری مدارس مراجعه کند و طیب بهداری مدارس اطلاع پیدا کند که این آقای مریض بوده بنا بر این میروند و از اطبای معروف آن اطبایی که خود وزارت فرهنگ با آنها تصدیق نموده که شما پزشک شما دکترید شما طیبید شما دارای یک شخصیتی هستید از نظر بهداشت و طب اینها که خود وزارت فرهنگ باینها اجازه داده است طیب باشند خود اینها تصدیق می کنند که فلان آدم بیمار است و بهداری مدارس شما امضای او را تصدیق می کند معدک کله یک عده زیادی را به همین بهانه که خود مندرجات تصدیق نشده بیرون ریخته و نگذاشته امتحان بدهند و حال آنکه بعضی از اینها را شما قبول کرده اید که اینها فقط تصدیق امضاء شده در پرونده شان موجود است منجمله از اینها همین محمد رحیمی است یکی دیگر از اینها حسین طاهرزاده که آقای بهرامی رئیس اداره امتحانات می نویسند که ایشان سال گذشته داوطلب بوده اند اما البته همان طور که شورای عالی فرهنگ تصویب کرده امسال وزارت فرهنگ حق داشته بکسانی اجازه بدهد امتحان بدهند که سال گذشته داوطلب بودند و مدارک علمی دارند این آقای حسین طاهرزاده مدرک طب دار پرونده اش وجود ندارد حتی در پرونده ای که مدارک طب هم هست هر چه جستجو کردیم پرونده این شخص را پیدا نکردیم بنا بر این این هم قسمت دوم تخلف وزارت فرهنگ از تصویب نامه شورای عالی فرهنگ که یک کسی اجازه داده که در امتحان شرکت بکند و مراعات تصویب نامه شورای عالی فرهنگ را نگرفته اند یکی از این کسانی که امسال امتحان کردند آن شخص است که خدیجه بیگماری است این آقای امیر اصلاحتی در

بای گواهی این خانم نوشته است که چون رئیس درمانگاه شماره یک وزارت بهداشت آقای هدایت گواهی کرده است که این شخص سال گذشته مریض بوده وزارت بهداشت هم بوظیفه خطیر خودش آگاه است که این هیچوقت نمی آید که یک گواهی و شهادت دروغ بدهد بنا بر این گواهی بیماری این خانم هم مورد تصدیق است البته آقای دکتر نصیری اعتراض فرمائید که من چرا به جزئیات می پردازم کلی گفتن که ما بگوئیم وزارت فرهنگ خراب است دبیرستانها الانا کثرا معلم ندارند توی هر دبیرستانی جارو و جنجال میشود این یک چیزهای کلی است و این یک چیز جزئی است شما شروع کنید از اصلاحات همین چیزها همین جزئیات خراب است که وزارت فرهنگ خراب تحویل مملکت می دهد و مملکت را میبرد یک بن بست که نه بچه های مانه برادر های ما بتوانند درس بخوانند و نه آن کسانی که حقیقه علاقمند به اصلاح فرهنگ هستند میتوانند کاری بکنند همین تبعیضات در وزارت فرهنگ می شود همین بالا بردن و قبول کردن هزینه های بلاجهت در وزارت فرهنگ و سایر وزارتخانه های مملکت میشود که همیشه توی این مملکت بگذسته ناراضی بوجود می آورد که اگر انسان صحبت بکند که برای اصلاحات و برای رفع اینهمه بلاها و گرفتاریها چه فکر کرده اید هزار دلیل جلو آدم می گذارند من از این عده ای که آمده بودند برای امتحان دبیرستان دارائی سوال کردم که آقایان شما ها بیکارید یا کار دارید چون من یک عقیده ای دارم و آقای وزیر فرهنگ هم عرض کرده ام و حالا هم خدمت آقایان نمایندگان محترم هم عرض می کنم که برای این مطلب یک فکر اساسی بکنند اساسا این قید بردارید این قید وبست و اینها را کنار بگذارید بروید در بی یک رویه عاقلانه و آن اینست که هر کس سواد دارد و می تواند یک موضوعی را امتحان بدهد و حق داشته باشد که امتحان بدهد حالا داوطلب دو هزار نفر میشوند یا شصت هزار نفر میشوند مابقی ندارد برای دانشکده طب یا دانشکده حقوق و سایر قسمتهای فرهنگی اشکالی ندارد این قید را برش دارید در مقابل هم این قیدی را که درست کرده اید که دولت موظف است که هر کس دیپلمه است یا لیسانس است استخدام بکند اینرا هم برش دارید مطلب تمام میشود دیگر کسی نمیتواند بگوید که تصدیق توی این مملکت درس خوانند این حرف دیگر تصویب نیست از دولت یا دانشگاه یا از مقامات مسئول دیگر بگفتند که ما اطلاع نداریم اینها را در پرونده ما نداریم و باید اطلاع را در پرونده ما بکنیم اینها

اینهمه هزاردات بیهوده توفیق این مملکت صرف هزار چیز بیهوده میشود اینها را بگذارد در اختیار دانشگاه یک خرده آقایان استادان بیشتر تکان بخورند یک خرده بیشتر کار نکنند شاید یک عده زیادی با سواد و تحصیل کرده بشوند در ضمن این قید را که اگر کسی دیلمه و لسانبسه شد دولت موظف است به آنها کار بدهد بردارید من از آقایان سوال کردم که شما ها کار دارید یا بیکارید گفتند که ما سر کار هستیم گفتم پس شما چه اصراری دارید که حتماً میخواهید امسال کلاس ششم داری را امتحان بدهید حالا که سر کار هستید و اینهم زیاد درس نوشتن شما تأثیری ندارد گفتند اولاً دیلمه داشتن در سرنوشت ما تأثیر دارد و در ثانی اگر این معامله را با همه میکردند ما حرفی نداشتیم یعنی یک عده ای آمده اند و شما از آنها امتحان کرده اید و اینها کسانی بودند که عین شرایط آنها را داشتند یعنی یک تصدیق بهداری داشتند تصدیق امضای آنها را بهداری کرده بود اگر میگویند سال گذشته نام نویسی نکرده آنها را دیگر هم نام نویسی نکرده بودند این تبعیضی که شده است ۲۰۰ - ۳۰۰ نفر را در این مملکت ناراضی کرده است اساساً هر کار خلاف تربیتی که میشود یک عده را ناراضی میکند من یقین دارم که سال آینده هم همین امتحان تجدید خواهد شد سه سال بیشتر چهار سال بیشتر میدانم چند سال است دبیرستان داری منحل شده ولی هر سال هم یک عده ای بنام سال ۶ دبیرستان داری امتحان میدهند آقای دکتر نصیری یک تصمیمی بگیرید تکلیف این عده ای که امسال سرگردان شده اند و ماه است معطلند تعیین کنید یا آنها را بیکه برخلاف فاعده و برخلاف تصویب نامه امتحان کرده اید آنها را هم بیرون کنید بقیه بنده جرم است که وزارت فرهنگ یک عده ای را قبول بکند و بعد بگوید که ما اشتباه کردیم اساساً اینها را بیرون کنید و در اینجا را ببندید و بگویند دبیرستان داری مرد اینها را ببوسید و بگذارید کنار که هر سال برای وزارت فرهنگ و برای یک عده ای این متعصب بوجود نیاید البته من اینجا اسامی متعددی را یادداشت کرده ام هم اسامی آن اشخاصی که وزارت فرهنگ امتحان کرده و هم از آن کسانی که امتحان نکرده مثلاً این آقای رضا صبغی پزشکش آقای دکتر بهزاد بوده و آقایان را بهداری آموزشگاه تصدیق کرده است این هم مثل محمود رحیمی است که گواهی آورده و امضای دکتر شافعی را هم بهداری تصدیق کرده باین گفته اند تو عیناً اینها را بیاور و آقای محمد رحیمی اجازه بدهد که امتحان بدهد یک کس دیگر همیشه آقای محمد رحیمی است که این آقای در سال ۱۳۴۱ تصدیق میکنند مگر گفته است تصدیق

کلاس ۹ گرفته که اصلاح می گویند که شورای عالی فرهنگ این تصویب نامه را برای این وجود نازنین گذرانده توی پرونده دیدم که روی جلد این پرونده یک عبارت عجیبی نوشته و آن نوشته اینست اداره کل ساختمان وزارت داری بوسیله تلفن کاخ با شماره ۱۸۹۵ با آقای امیر کاردار صحبت فرمائید من نفهمیدم چه مقامی بوده که پشت جلد پرونده نوشته است با این آقای امیر کاردار صحبت فرمائید این چه مقامی بوده است مقامات عالی وزارت فرهنگ چه کاری داشته اند با این امیر کاردار با او صحبت فرمائید غرض این مطالب هست خواه شما تکذیب بکنید خواه نکنید غرض اینست که توی این مملکت رسم بوده است هر کاری که کرده اند با صرف گفتن تکذیب میکنند بر طرفش میکنند ولی حالا فائده ندارد شما بگویند من تکذیب میکنم و چون در وزارت فرهنگ همه این مدارک موجود است اگر وقت شما وقت مجلس گرفته نمیشد بیکایک آن کسانی که شما امتحان نشان کردید مدارک تحصیلی شان را نشان می دادم و همچنین مدارک تحصیلی آن کسانی را هم که شما اجازه ندادید بیایند امتحان بدهند نشان می دادم که آقایان نمایندگان ببینند که این دوفرفی که یکیش معروف است و یکیش را برده اند امتحان کرده اند هیچ فرقی از نظر مدارک موجود نیست بنا بر این آقای دکتر نصیری بنده می خواهم از جنابعالی تقاضا کنم هر چند که من میدانم الان تشریف می آورید اینجا می فرمائید آن عده مدارک داشتند و این عده نداشتند اما واقعش اینطور نیست الان پرونده هایشان هست هر دو عده مدارک داشته اند منتهی مقامات عالی خواسته اند مدارک یک عده ای را قبول کنند و مدارک یک عده ای را قبول نکنند حالا چرا؟ دلیلش را خود آقایان بهتر می دانند که چرا یک عده ای را قبول میکنند حالا شما هر جوابی بسؤال ارادتمند می دهید بدهید ولی همانجا که نشسته اید یک فکری بکنید که این گرفتاری رفع شود و یک عده ای که بدون جهت محروم شده اند تکلیف اینها بعد از ۶ ماه معطلی معین شود

نایب رئیس محض اطلاع آقایان می خواستم عرض کنم موقعیکه سؤال مطرح می شود آقایان بیش از یک ربع وقت صحبت ندارند این را آقایان باید توجه فرمائید . آقای دکتر نصیری

معاون وزارت فرهنگ (دکتر نصیری) - در جواب سؤال جناب آقای شمس قنات آبادی نماینده محترم مجلس شورای ملی مراتب باستحضار مجلس شورای ملی میرسد

دبیرستان داری اصولاً برای تهیه کارمندان آشنا با امور معاشی برای وزارت داری و از طرف آن وزارت تأسیس شده بود پس از آنکه مقرر گردید دبیرستانهای اختصاصی وزارت فرهنگ منتقل شود دبیرستان داری نیز صمیمه وزارت فرهنگ گردید چون وزارت داری احتیاج فوری به دبیرستان

نداشت بطوریکه عموماً بوزارت فرهنگ برای استخدام بعنوان معلمی مراجعه مینمودند از سال ۲۸ شاگرد جدید گرفته نشد بطوری که دبیرستان داری در سال ۳۰ منحل گردید و شاگردانیکه در سال سوم بودند و داوطلبان متفرقه ای که در سال ۳۰ طبق مقررات ثبت نام نموده بودند در امتحانات شرکت کردند و عده ای قبول بوقتیه مردود شدند در اواخر سال ۳۰ عده ای از مردودین بوزارت فرهنگ مراجعه و اظهار نمودند که کلیه امتحانات نهایی داری دور حله است و کسانی که تجدیدی میشوند حق دارند یکبار دیگر در امتحانات شرکت نمایند و این حق از شرکت کنندگان در امتحانات دبیرستان داری سلب شده است شورای عالی فرهنگ با در نظر گرفتن تقاضای آنها و مقتضیات وقت مقرر داشت داوطلبانیکه در شهریورماه ۳۰ در امتحانات مذکور شرکت نموده ولی توفیق حاصل نکرده اند میتوانند یکبار دیگر در سال ۳۱ در امتحانات نهایی دوره مذکور شرکت نمایند پس از صدور رأی مذکور عده کثیری مراجعه و تقاضای شرکت در امتحانات نمودند که چون دبیرستان داری منحل شده بود با تقاضای آنها موافقت نشد و بطوریکه ملاحظه میفرمائید در اجرای این امر تبعیضی بعمل نیامده این ایرادی که فرمودید مربوط بیک ماده آئین نامه است کلیه کسانی که برای امتحانات نام نویسی میکنند و توفیق حاصل نمیکند اینها مردود شناخته میشوند حالا یا بواسطه کسالت حاضر نشده باشند یا حاضر شده باشند داوطلب کسی است که ثبت نام کرده باشد ثبت نام یکی از شرایط امتحانات است (شمس قنات آبادی - داوطلب را از کجا بفهمیم که داوطلب است) داوطلبانی که ثبت نام کرده و نتوانسته اند امتحان بدهند اینها جزو مردودین هستند (شمس قنات آبادی - جناب آقای دکتر نصیری بنده فقط یک سؤال دارم) فرمائید (زنگ رئیس) کسانی که در امتحانات شرکت میکنند و قبول نمیشوند و یا بواسطه کسالت نتوانند امتحان بدهند مردود شناخته میشوند باین مردودین در مرحله اول بواسطه رأی شورای عالی فرهنگ اجازه تجدید امتحان یکمرتبه به آنها داده شد بنابراین اشخاص دیگری که داوطلب بوده اند و نتوانسته اند ثبت نام بکنند اینها جزو مردودین محسوب نمیشوند و میبایستی مجدداً برای آنها شوری عالی فرهنگ رأی بدهد و این رأی داده شد که کسانی که دارای تصدیق به بیماری خودشان داشته باشند و آن تصدیق هم بموقع بهداری آموزشگاهها برسد و مورد تأیید واقع شود حق دارند امتحان بدهند ممکن است این عده ای را که میفرمائید این اشخاص بیوقع نتوانستند قبل از امتحان مدارک خودشان را تصدیق بهداری آموزشگاهها برسانند همان شخصی را که فرمودید آقای رحیمی این دارای یک گواهی است که

از طرف یکی از بیمارستانهای ارتش گواهی شده است که این بیمار بستری بوده البته گواهی نامه هایی که از طرف بیمارستانها بهداری های دولتی گواهی شده باشد مورد تأیید بهداری آموزشگاهها واقع میشود و کسانی که گواهی بیماری صحیح داشته اند در امتحانات شرکت کرده اند و آن کسانی که نتوانسته اند در امتحانات شرکت کنند این مدارک معتبر را نتوانستند به بهداری آموزشگاهها ارائه بدهند بنده هم میگویم این موضوع در کمیسیون فرهنگ یا یکی دیگر از کمیسیونهای مجلس که معین میشود مطرح بشود تا در آنجا اسناد و مدارک ارائه داده شود و معلوم گردد که هیچگونه تبعیضی بعمل نیامده است

نایب رئیس - آقای قنات آبادی توضیحی دارید؟ (قنات آبادی - بلی) فرمائید

شمس قنات آبادی - یک نکته ای را جناب آقای حکمران نصیری با وجود اینکه بنده اینجا در پیرامونش خیلی صحبت کردم توضیحی فرمودند آن این بود که این داوطلب را شما بچه کسانی میگویند آیا داوطلب بفرز کسانی است که بروند آنجا اسم بنویسند و مدارک را هم در اختیار آن مقام بگذارند و در وقت امتحان بتوانند امتحان بدهند بکسان دیگر نمیتوانند داوطلب اطلاق بکنند؟ همه دلشان میخواهد بروند دیلم بگیرند همه دلشان میخواهد لسانبسه بگیرند ولی وزارت فرهنگ حق ندارد کسانی را که توی دلشان داوطلب بوده اند امتحان بکند بنده عرض میکنم آقا این اسامی اشخاصیکه اینجا نوشته شده اینها کسانی هستند که پارسال اسم ننوشته بودند شما از کجا تشخیص دادید که اینها داوطلب هستند بطوریکه میگویند که آقایان صدر امفغانی شمس جلالی و صرغری و امیر کاردار رحیمی بخارکش و بهری از کجا بچه دلیل و مدرک میگویند اینها پارسال داوطلب بوده اند و حال آنکه لیست کسانی که پارسال داوطلب بوده اند و یک عده ای مردود شده اند ما خواستیم وزارت فرهنگ برای ما بیاورد آقا اساساً اینها سال گذشته ثبت نام نکردند بنده از آنکه این تصویب نامه از شورای عالی فرهنگ گذشت که داوطلبانیکه سال گذشته مرخص بودند و نتوانسته اند ثبت نام کنند می توانند امتحان بدهند اینها آینه انیست داوطلب شده اند جنابعالی فرمودید که تبعیض نشده تبعیض یعنی چه؟ من عرض میکنم که بنده نمیخواهم وقت مجلس را بکدم و بگویم ما مدارک را بیاوریم و یکی یکی آنها را نشان بدهم و مقایسه بکنم از کسانی که یک بیمارستان گواهی کرده که این مرخص بوده است و امیر جوانی است گواهی رئیس بیمارستان داری برای مرخصی او که در سال گذشته معطل است و اینها را یادداشت کرده اند

است که وزارت فرهنگ امتحانش نکرده است و حال که شما می فرمایید پس فلان بیمارستان ارتش هم برقی هم کرده اینرا هم زاین بیمارستان نیروی هوایی سرهنگ دو شافع تصدیق کرده معدک باین اجازه دادید امتحان بدهد و وزارت فرهنگ اینرا قبول بکنند که در این مورد تبعیض نشده این راه بنا بعالی می فرماید معنی داوطلب در تمام دنیا معلوم است داوطلب بکسی میگوید که برو دست نام بکنه (و کتر معظمی - باشرایطش) البته باشرایطش و خیلی کسان در خیابان راه میروند همه داوطلب همه چیز هستند خیلی ها داوطلب وزارت هستند پس بگویی بیایند بگویند کسانی که فلان روز داوطلب وزارت بوده شرایطش را هم اگر نشان ندهند وزیرند هم ما می توانیم برویم و بگوئیم که ما داوطلب بودیم اینک نمی شود داوطلب یک آثاری دارد یکی از آنها اینست که باید بروی ثبت نام بکنند والا اگر ثبت نام نکرد داوطلب نیست یا زده دوازده نفر را امسال وزارت فرهنگ امتحان کرد و چون اینها سال گذشته نام نویسی نکرده اند نمیشد بآنها بگویند داوطلب

نایب رئیس - آقای معاون وزارت فرهنگ

یعنی شش ماه قبل بموقع نبود (بنده برای اینک وقت مجلس گرفته نشود همانطوریکه عرض کردم تقاضا دارم گنجینه سنی می شود نادر انجام مدارک و اسناد ارائه داده بشود تا معلوم بشود هیچگونه تبعیضی نشده است

۶- اعلام وصول نامه یکی از بازماندگان شهدای ۳۰ تیر
وارجاع به کمیته تحقیق نایب رئیس - یک نامه ای از آقای محمد علی عینکچی پدر یکی از شهدای ۳۰ تیر رسیده است که به کمیته تحقیق فرستاده میشود

۷- تقدیم تقاضای طرح لایحه زندانیان بوسیله آقای کریمی
نادعلی کریمی - یک تقاضائی است باه ۱ امضاء راجع به طرح لایحه زندانیان که در دوره ۱۶ مطرح بوده است تقدیم مقام ریاست میکنم

شمس قنات آبادی - تقاضا شده که لایحه تعلیق زندانیان مطرح بشود
نایب رئیس - آقای وزیر دارائی

۸- تقدیم لایحه بگدوازدهم آبان بوسیله آقای وزیر دارائی
وزیر دارائی (آقای کاظمی) - خاطر آقایان نمایندگان محترم در کمیسیون بودجه مستحضر است قسمت اول بودجه عایدات را در هفته گذشته بنا بر وعده ای که شده بود تقدیم کمیسیون کردم (حائری زاده - باید بوسیله مجلس بدهید) قسمت معارج را هم مشغول تنظیم هستم و امیدوارم که تا دوسه هفته دیگر بودجه کلی کشور را تقدیم نمایم ولی چون آبانماه تمام شده و حقوق کارمندان باید داده شود لایحه یک دوازدهم آبانماه را تقدیم میکنم

فرامرزی - تقاضای فوریت فرمائید
۹- سوال آقای وکیل پور راجع به لغو جیره بندی قند و شکر و جواب آقای وزیر دارائی

نایب رئیس - آقای وکیل پور
وکیل پور - عرض کنم که بنده دو سوال از آقای وزیر دارائی کردم که یکی مربوط است بقند و شکر و دیگری راجع بموضوع استخوانی است و چون جناب آقای رئیس می فرمایند که یکی یکی باید مطرح بشود لذا اول راجع بقند و شکر صحبت می کنم قبلاً مقدمه ای عرض کنم در نظریات جناب هر عملی بلک فرصتهائی پیش می آید که اگر از آن فرصتها بتعوی کمال و اتم استفاده نشود همین فاحشی نصیب ملت میشود (صحیح است) و یکی از فرصتهای تاریخی و بزرگ امروز نصیب ملت ایران شده است برای استفاده از این فرصت یک مردان کار آزموده لایق صالح لازم

است که دوزخهای کارها باشند و بتوانند کارها را انجام بدهند و قندهای بلدنی برای خرید و صلاح مردم بردارند من باینکه از طرفداران جدی دولت جناب آقای دکتر مصدق هستم و باینکه از عاقلان دارم این فرصت بزرگ تاریخی را شخص شخص کتر مصدق بوجود آورده است اگر تمام هم نهوده نقش مهمی در بوجود آوردن این فرصت داشته است ولی باید با کمال تأسف عرض کنم که وزارت دارائی یکی از آن دستگامهائی است که افراد صالح و مجرب در رأسش نیستند

نایب رئیس - آقای وکیل پور تامل فرمائید اکثریت نیست (پس از چند لحظه اکثریت غاضل شد) فرمائید
وکیل پور - وزارت دارائی در این مدت اختیارات ششماهه جناب آقای دکتر مصدق یا کاری نکرده است و بااگر کاری کرده است بضرر ملت بوده بنده فکر میکنم که وزارت دارائی فکر کرده است که این دوره اختیارات ششماهه جناب آقای دکتر مصدق دوره ای برای آزمایش افکار و عقاید ناپخته و غلط است و غافل بوده است از اینکه زند کی عمومی مردم را نشود بدین آزمایشهای غلط و ناپخته قرار داد آنهاست که مسئولیت اداره امور را دارند باید بدانند که هر تغییر وضعیتی متضمن اصلاح نیست و تغییر وضعی که میشود و بدون مطالعه وضع سابق را عوض میکنند نتیجه اش جز ایجاد تشنج جز ایجاد اضطراب جز نومی و ترس در بین مردم چیز دیگری نیست (در اینموقع چون آقای امامی اهری در جایگاه وزراء نشسته بودند آقای لریمان بشرح زیر اخطار نظامنامه ای نمودند)

لریمان - آقای رئیس اخطار نظامنامه ای دارم جایگاه وزراء برای وزراء تخصیص داده شده

نایب رئیس - آقای امامی اهری رعایت نظامنامه را فرمائید
وکیل پور

وکیل پور - دلایل زیادی برای اثبات این مدعی در دست است که یکی از آن موارد الغاء جیره بندی قند و شکر است همه آقایان محترم شاهد بودند که در این اواخر وضع جیره بندی قند و شکر بصورت مطلوب و منظمی در آمده بود و کسی شکایتی نداشت و اگر هم شکایتی میشد از این باب بود که چرا قرصاً سهمیه یک شهرستانی مساوی با سهمیه شهرستان دیگری نیست و فقط از لحاظ تبعیض بود ولی بعد از آنکه در نتیجه کار دارائی و حسن تدبیر وزارت جنابه دارائی دیدیم که این جیره بندی لغو شده آقایان شاهد بودند که در همین شهر تهران برای گرفتن قند و شکر چه نوعائی برپا شد البته فکر میکنم که این عمل وزارت دارائی را جز برای ایجاد تشنج جز برای ایجاد اضطراب چیزی دیگری عمل نمیشود

گروه من حتی خوشبینترین افراد را هم که هیچ عملی را عمل بر شوهر نیست نمیکند دیدم که از اظهار و این از تأسف نسبت باین عمل خودداری نمیکردند دلایل غلبه بر این اثبات این نظریه موجود است دلیل اول اینکه موقعیکه ملت ایران در شدید ترین وضعیت مضیق ارزی است به چوچه صحیح نبود که جیره بندی که در حقیقت کنترل فولت را نسبت بواردات قند و شکر تشدید میکرد از میان بردارند شما ملاحظه کنید از یک طرف یک دستگاه اقتصادی دولت یعنی وزارت مایه موجبات افزایش مصرف قند و شکر را فراهم میکنند و از طرف دیگر دستگاه وزارت اقتصاد برای تقلیل واردات و تعیین سهمیه وارداتی کوشش میکند که از میزان واردات کسر شود یعنی اینرا باید در حقیقت گفت سیاست هماهنگی دستگاه اقتصادی دولت قند و شکر را اگر بملت ایران بطور تساهلی می دادند من یقین داشتم که اگر این ملت نجیبی که بطور کلی بیدار هستند بهش میگفتند که با ۸۰ هزار تن محصول داخلی خودش بسازد و از ۱۲۰ هزار تن محصول خارجی صرف نظر کند بلاشک خود ملت ایران زیر این بار میرفت و با چنین گشاده اینکار را استقبال میکرد و این خزانه تهی را از تصرف مبالغ گزافی ارز و فرستادن بخارج بی نیازی کرد میخواهم عرض کنم که اینکاری که وزارت دارائی فقط و فقط برای ضرر زدن بخزانه دولت و برای ایجاد عدم رضایت فراهم کرد اما یک نفع داشت آنهم برای یک طبقه آن طبقه محتکر و آن طبقه سود پرست که با کمال بی تابی و بصیرت می دید که ذخیره کافی از قند و شکر در دستگاه دولت وجود ندارد با کمال بصیرت و بی تابی می دید که ملت ایران در تنگنای ارز قرار گرفته و هر چه بیازار قند و شکر می فرستادند خرید و احتکار میکرد و هیچ اینستکه آقای وزیر دارائی در چند روز پیش میگویند که الحمد لله غائله قند و شکر مرتفع شده است یعنی غوغایست ولی من از چند روزنامه های چند شب پیش قسمت را استخراج کرده ام که همه اینها در شهرستانها داد میزنند قند و شکر احتکار می شود و البته دلیل قطعی هست که باید این باشد آنهایی که الفبای اقتصاد را خوانده اند می دانند که وقتی ضرورت دارد که جیره بندی لغو شود که در حقیقت میزان عرضه بر میزان تقاضا فزونی داشته باشد ولی شما که میبینید عرضه تان کم است چرا با تمیل دست میزنید من صد در صد اعتماد دارم که اینکار فقط فقط از زیات اینک چند نفر محتکر استفاده کنند کردید و لا غیر و شما در همان تاریخ که جیره بندی قند و شکر لغو شد من یک هفته معطل بودم تا تمام شهر را با دست می روم که از میزان تقاضای قند و شکر که در روز

دم خروس را باید باور کرد. پانلیفات ظاهری وزارت دارائی راهلی ای حال من در این قسمت بیشتر از این توضیح نمی دهم و مو کول میکنم باینکه آقای وزیر دارائی هم توضیحات خودشان را بدهند.

نایب رئیس - آقای وزیر دارائی

وزیر دارائی (آقای کاظمی) - بطوری که آقایان نمایندگان معترم استحضار دارند جیره بندی يك کالا که در مواقع ضروری انجام می شود برای این است که مصرف کنندگان آن کالا مقدار محدودی را که برای هر کس تعیین میشود بهسولت بقیمتی که مقرر شده بدست آورند و اداام که جیره بندی جریان دارد بازار سیاهی برای آن کالا موجود نباشد و مقصود اصلی از جیره بندی وقتی حاصل میشود که طبق آمار صحیح جمعیت از روی دقت کارت توزیع شود در جیره بندی که چند ماه قبل برای قند و شکر برقرار شده بود تعداد حقیقی افراد رعایت نشده بود و چون همه روز عده زیادی مردم از خارج بمرکز شهرستان آمده و مطالبه کارت جیره بندی مینمودند و از طرف دیگر کارت اشخاصی که دارای کارت بودند در موقع مسافرت بخارج از مرکز بلامتکلیف میماند و معلوم نبود جنس مربوط بچه ترتیب توزیع و بچه اشخاص و بچه قیمت فروخته میشود و با اینکه دولت برای قند و شکر که برای فروش بمصرف کنندگان بتاملین سابق تعویل می داد نرخ ثابتی معین نموده بود و دو نرخ دیگر نیز برای قند و شکر موجود بود که تفاوت کلی با نرخ دولتی داشت یکی نرخی که خریداران قند و شکر از شرکت کارخانجات قند سازمان برنامه خریداری مینمودند دیگر نرخی که بازرگانان ر وارد کنندگان قند و شکر از خارج از کشور برای فروش کالای خود منظور می داشتند و این ترتیب قند و شکر بنرخهای مختلف در بازار آزاد فروخته میشد و غالباً مصرف کنندگان نمیتوانستند سهمیه محدود و مختصر خودشان را تمام و کمال بقیمت دولتی از حاملین سابق بدست آورند و ناچار بودند بقیه یا تمام احتیاجات ضروری خودشان را بنرخهای بازار آزاد خریداری نمایند و شکی نیست که این وضعیت برخلاف مصلحت مردم بود و این نوع جیره بندی نتیجه ای جز محرومیت اکثر مردم مخصوصاً اهالی قصبات و دهات از خرید نیازمندیهای خود بقیمت مناسب نداشت و لازم بود که برای رفاه عامه اقدام برفع محدودیتهای مربوط در نتیجه اجرای جیره بندی میشود از اینرو دولت بموجب تصویب نامه جیره بندی قند و شکر را لغو و موضوع حاملیت و سهمیه را که در نتیجه محدودیت و مانع توزیع آزاد قند و شکر در سراسر این کالا بدست مردم مصرف کنندگان و بهسولت آنها است احتیاج آن را بقیمت ثابت بود از بازار برد

و برای کسانی که قند و شکر را بمنظور فروش بمصرف کنندگان تعویل میکنند سود عادلانه تعیین شد که عموم فروشندگان به قیمت ثابت دولتی بارعایت سود مزبور بفروشند

ثانیاً - وضع فعلی توزیع قند و شکر ناحدی رضایت بخش میباشد والبته توجه باین نکته ضرورت دارد که در يك چنین امر مهمی که عده ای اشخاص استفادہ جو برای ادامه استفاده خود سعی دارند ایجاد اشکالاتی نمایند و باهم با آنها مبارزه شود مشکلاتی ایجاد میشود که باید باحسن تدبیر در رفع آن اقدام نمود و خوش بختانه جریان کار توزیع در مرکز طوری است که عموم مصرف کنندگان میتوانند قند و شکر را بمقداری که احتیاج دارند به قیمت مناسب بدست آورند زیرا احتیاجات کارمندان وزارت خانه ها و موسسات و بنگاه های دولتی وغیره بوسیله ادارات حسابداری آن ها بمان فیمت دولتی حتی بدون هزینه حمل و نقل داده میشود و برای سایر مصرف کنندگان نیز با اجرای توزیع آزاد علاوه بر سقط فروشان و مغازه داران که سابقاً هم قند و شکر را برای فروش بمصرف کنندگان تعویل میکردند به عده زیادی از خواربار فروش ها نیز که در نقاط مختلف شهر مشغول کسب هستند مقدار کافی قند و شکر داده شده و این فروشندگان شکر را از قرار کیلوئی ۱۷ ریال و قند را کیلوئی ۲۲ ریال به عموم مصرف کنندگان میفروشند و تعداد مراکز فروش آن ها روز بروز در تریاید میباشد و همه روزه مراقبت میشود که کلبه فروشندگان جنس را بآخذ مقرر و بدون تقلیل بمصرف کنندگان بفروشند . اصناف مختلف از قبیل قنادواب نبات ریز و بستنی فروش وغیره نیز در حدود مقداری که احتیاج دارند جنس بقیمت دولتی تعویل میکنند و چون قیمت مزبور با آنچه قبل از الغای جیره بندی در بازار آزاد خریداری می نمودند تفاوت دارد به آن ها تذکر داده شده که قیمت محصولات خودشان را تنزل بدهند و مراقبت خواهد شد که این منظور انجام شود کلبه اشخاصی که قند و شکر خریداری کرده اند برای فروش بمصرف کنندگان بوده است و بطوریکه در لایحه قانونی منع احتکار قند و شکر مقرر شده اشخاصی که احتکار نمایند جنس مورد احتکار آن ها بلاعوض ضبط میشود وضع توزیع قند و شکر شهرستان ها نیز رو بخوبی می رود و اگر در چند نقطه کلبه های ترتیبی پیدا شود برای رفع آن اقدام فوری بعمل میاید و بطور کلی سیاست ترتیبی که در نظر گرفته شده کار توزیع قند و شکر در کلبه شهرستان ها بزودی به صورت صحیح جریان یافته کلبه طبقات مصرف کنندگان احتیاجات خودشان را به

سهولت بدست خواهند آورد ثالثاً - قبل از الغای جیره بندی وزارت دارائی مقدار کافی قند و شکر در انبارهای خود موجود داشت (و کیل پور - آقاچقدر بود؟) و بموجب تصویب نامه الغای جیره بندی موجودی مربوط به بهره برداری سابق کارخانجات قند ایران و تمام محصول بهره برداری امسال کارخانجات مزبور بوزارت دارائی منتقل شده و شرکت کارخانجات قند ایران هیچگونه دخالتی در فروش محصول کارخانجات مزبور ندارند و وزارت دارائی قیمت محصول را بسازمان برنامه میبرد در حال حاضر وزارت دارائی قند و شکر بمقدار کافی در اختیار دارد و علاوه بر موجودیهای سابق و موجودی سازمان برنامه را تعویل گرفته و محصول امسال کارخانجات قند را نیز بتدریج تعویل میکند و طبق پیمانهای که منعقد شده و میشود از امریکا و کشورهای دیگر مقادیر مهمی قند و شکر بزودی در اختیار خواهد داشت و جای هیچگونه نگرانی نیست رابعاً - بطوریکه در قسمت دوم توضیح داده شد چون عاملین سابق غالباً جنس را بنرخ مقرر در دسترس مصرف کنندگان نمیکنداشتند (نبوی - صحیح است) و بنای کار بعد از الغای جیره بندی بر آزادی توزیع قند و شکر قرار گرفت برای رفاه مصرف کنندگان به عده زیادی از خواربار فروش جنس داده شد و این اشخاص جنس را مرتباً بمصرف کنندگان میفروشند و عمل آنها مورد رسیدگی قرار میگیرد خامساً - دستور مربوط بفروش قند و شکر در حدود سهمیه ورعایت موجودی که پس از الغای جیره بندی با ادارات دارائی شهرستانها صادر شده برای این منظور بوده که ادارات مزبور متوجه باشند فقط در حدود میزان احتیاجات واقعی هر محل که قبلاً تعیین و سهمیه آن برای هر ماه معین شده بود بفروشند و موجودی هائی را که باید بتدریج در ماههای بعد بفروشند یکجا مصرف نمایند صدور این دستور ضروری بوده و اگر چنین اقدامی نمیشد ممکن بود در مدت قلیلی موجودیهای قند و شکر در شهرستانها فروخته شود و محتاج بتوضیح نیست که اگر این جریان پیش می آمد بحرانی در کار توزیع قند و شکر پیدا شده و وزارت دارائی از ناظر موجودی دچار مضیقه میگردد . باتوضیحاتی که بیان شد آقایان نمایندگان ملاحظه میفرمایند که اقدام در الغای جیره بندی قند و شکر کار مفید و نافیی بوده و این عمل متضمن رفاه و آسایش مردم در سراسر کشور بوده و در نتیجه اجرای آن نرخ قند و شکر که تقریباً قبل از الغای جیره بندی در هر کیلو دو برابر نرخ دولتی بوده امروز در همه کشور برابر

دولتی در هر کیلو فقط دو یا سه ریال تفاوت دارد یعنی شکر که بازار آزاد آن سابقاً هر کیلو ۳۰ ریال بود فعلاً ۱۹ ریال و ۲۰ ریال و قند که هر کیلو آن سابقاً ۳۸ و ۳۵ ریال بود فعلاً ۲۳ ریال است و البته این مختصر تفاوت نیز بتدریج از بین می رود و در هر حال میتوان مطمئن بود که در نتیجه این اقدام مهم عموم مصرف کنندگان بتوانند تمام قند و شکر مورد احتیاج خود را بدون هیچگونه محدودیت بنرخ مناسب دولتی خریداری نمایند و اشاره فرمودند که بنده مجبورم و نظریات خاصی در لغو جیره بندی و فروش بعهده قلبلی بمنظور انتفاع شخصی آن ها و از این قبیل فرموده اند هیچیک خوشبختانه صحت ندارند نماینده معترم در ضمن صحبتشان بدو نکته اشاره فرمودند که بنده مجبورم در جواب ایشان مختصری عرض بکنم یکی اینکه فرمودند وزارت دارائی برای ایجاد تشنج و ناراحتی همچو کاری را کرده یکی دیگر هم اینکه فرمودند که مقصود از این کار این بوده است که معتکربین سود ببرند بنده تعجب میکنم از ایشان که اینطور اظهار کردند که هیچیک از آنها درست نیست نه مقصود این بوده که تشنج تولید شود و نه مقصود این بود که بدست معتکربین کمک بشود تمام سعی برای این بوده است که توده مردم وعامه طبقات مردم بتوانند استفاده بکنند و این کار هم خوشبختانه شده است این همه زحمتی که در این دوسه ماهه کشیده شد نتیجه اش اینستکه امروز نرخ پائین آمده است بطوریکه عرض کردم نرخ قند از ۳۸ ریال به ۲۲ ریال و ۲۰ ریال رسیده است چه نتیجه ای بالاتر از اینکار بوده که حاصل شده قبلاً در بازار سه نرخ وجود داشت یکی نرخی بود که تجار هرچه دلشان می خواست می فروختند کیلوئی ۳۸ ریال و یک نرخ دیگر بود که سازمان برنامه میفروخت و یکی هم نرخ دولت بود ولی خوشبختانه حالا يك نرخ بیشتر موجود نیست و این تفاوت مختصری که بین نرخ حاملین و بازار هست از بین خواهد رفت و اینکه اشکله فرمودند موضوع جیره بندی تابع هر چه تقاضا است کاملاً صحیح است و این که فرمودند بازم از خارج وارد می کنند سیر سوئی جای نگرانی نیست و ایشان هر طور که میل دارند تصور بکنند ولی خیال می کنم انجام اینکار يك کاری است که تمام آقایان تقدیر و تمجید میفرمایند **نایب رئیس - آقای کیل پور** توضیحی دارید میفرمایند **وکیل پور -** در مثل مناقشه نسبت ولی جوابی که جناب آقای وزیر دارائی مرحوم فرمودند مرا یاد يك مثل انداخته است که بکنند بکوتی شخصی بکنند بکوتی یکی از کالای دادگستری مراعات کرد

و گفت چکار کنیم که این پول را ندمم
گفت هر وقت قاضی ترا احضار کرد هر چه
گفت این پول را بده بگو منکرم گفت
همین يك كلمه؟ گفت بلی بگو منکرم کافی
است این شخص را قاضی احضار کرد
گفت این پول را چرا نمی پردازی؟ گفت
منکرم گفت این سند دارد درست است
گفت بلی گفت بخط خودت هست؟ گفت
بلی، گفت سه ماه پیش صد تومان را از
گرفتی بانه؟ گفت بلی، گفت پس چه می
گویی؟ گفت باز هم منکرم جوابی که آقای
کاظمی فرمودند عیناً همینجور بود و اصلاً
جواب آن مطالبی که بنده عرض کردم نبود
و فقط يك كلمه بود که بنده عرض کردم و
ایشانهم تصدیق کردند گفتم آقا مسئله
اقتصادی لغو جیره بندی قند و شکر در
صورتی لازم بود که عرضه بر تقاضا فزونی
داشت و این فزونی داشتن عرضه بر تقاضا
لازمه ایش این بود که ایشان موجودیشان
را نشان بدهند در سؤال بنده هم این مطلب
نوشته شده بود که خواهش میکنم آن
موقعی که شما جیره بندی را لغو کردید
بفرمائید چقدر موجودی داشتید بعلاوه
شما بفرمائید این بخشنامه را که من مدعی
هستم که بهرستانها کردید که زاید بر
سهجته توزیع نکنید درست است یا درست
نیست؟ اگر این درست است دیگر آن
چیزها نمیتواند درست باشد خلاصه کلام
اینکه همانطور که جناب آقای شمس قنات
آبادی فرمودند وقتیکه سؤال میکنند آقایان
بدون اینکه توجه کنند بآن مطالبی که در
سؤال مندرج است بدون توجه بمطالب و
استدلالاتی که خود وکیل در مجلس می
گوید يك مطالبی را نوشته و حاضر کرده اند
که مطلقاً مربوط بآن موضوع نیست فرض
بنده جناب آقای وزیر دارائی این بود که
در يك موقعی که ملت ایران دچار مضیق
(شمس قنات آبادی - بنده راجع بایشان
عرض نکردم) بنده بطور کلی عرض کردم
(خیبر و شقایق) - سؤال شما راجع باقای
وزیر دارائی است یا راجع بشخص دیگری
است؟ (بنده عرض کردم که اولاً مملکت
در مضیق ریزی است و عرضه بر تقاضا
نچرییده است) (وزیر دارائی - مطالبی که
گفته شد جواب سؤالات سرکار بود) تخییر
بنده عرض کردم موقعیکه دولت در مضیق
ارزی است اصلاح بپوشد شما منو جبات
افزایش مصرف قند و شکر را فراهم کنید
شاید لازم باشد که مملکت ایران در يك همچون
موقعی که کمالات مبارزه با يك دولت بزرگی
است بگوید که به ۸۰ هزار تن محصول
داخلی اکتفا کند و این موقع لازم است
که جیره بندی شود با هر کس سهمیه يك
گنجره می شود داد دولت اگر چه
و آقایان که در این سؤالات

بنده نبود و من قانع نمیشوم
**وزیر دارائی - اجازه می
فرمائید؟**
نایب رئیس - بفرمائید
وزیر دارائی - تصور میکنم بعد از
توضیحاتی که عرض کردم مطلبی مبهم و تاریک
نیباشد که آقا اظهار میکنند ولی ایشان همین همان
مطالب سابق را تکرار کردند بدون اینکه
متذکر باشند که من چه جوابی دادم این
قند و شکر يك چیزی است که مورد احتیاج
عموم مردم ایران است و هر کس در این
مملکت قند و شکر مصرف میکنند بنده عقیده
دارم که قند و شکر از گندم بیشتر مورد احتیاج
است بجهت اینکه یکدسته از مردم ایران گندم
مبخورند و يك دسته ای برنج میخورند ولی
تمام مردم ایران قند و شکر استعمال میکنند
(شمس قنات آبادی - مصرف می کنند)
بنابراین اگر گفته شود که قند و شکر قوت
غالب مردم ایران است هیچ مبالغه نشده است
و این وظیفه دولت است که آنرا از آن وضع
خاص در بیورد آن بازار سیاه را از بین
برد و بدست مردم برساند چه وظیفه ای برای
دولت بالاتر از تأمین رفاه و آسایش مردم
است؟ (وکیل پور - پس از جیره بندی
و خیلی خیلی شد بدتر شد این صفحات
روزنامه شاهداست) ممکن است که يك چند
روزی بود ولی حالا اینطور نیست والان که
بنده اینجا خدمت آقایان عرض میکنم در
شهر تهران ۳۷۴۰ محل برای فروش جزئی
قند و شکر برای مردم وجود دارد و دائماً
مأمورین دولت مراقبت می کنند که اینها از
آن قیمتی که معین شده است تخلف نکنند
و ازیت نکنند مردم را و هر کس هم که
تخلف کرد تعقیب میشود مستخدمین دولت
و ادارات و کارخانجات هم بنرخ دولتی
دریافت می کنند

بنابراین چه اشکالی دارد و چه محظوری
برای کسی باقی هست؟ البته ۲۲۰۰ نفر
عامل بودند که خون مردم را بشیشه میکنند
اینها ناراضی هستند و تمام تحریکاتی هم که
میکردند از اینجهت بود و یکمده از تجار
هم هستند که شاید يك خسارتی بآنها متوجه
شده باشد آنرا هم دولت متوجه بود و در
نظر گرفت که بآنها هم يك ارفاقهایی بشود
و از انبار داری وغیره بآنها يك تخفیفاتی
داده بشود که آنها هم جنس خود را در
بیابورند و بفروشند اما در سرتاسر مملکت
بنده عرض نمی کنم که بشکل مطلوب خودش
در آمده است شاید در يكجا هست و در يك
جا نیست در يكجا کم است و گوی اشکالات
کار را هم در نظر بگیرد رسانیدن جنس
بجایهای مختلف وغیره را در نظر بگیرد و
ملاحظه بفرمائید که از صد صد صدی هشتاد
انجام شده است حالا شما قانع شدید تا
قانع نشدید خیلی زیاد اهمیت ندارد (وکیل
پور بنده بوجه ماده ۹۰ احتیاج دارم)

**۱۰. طرح سؤالات آقای
دکتر بقائی از وزارت
دفاع ملی و وزارت
دادگستری**

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی
جناب عالی دو سؤال فرموده بودید یکی از
وزارت دفاع ملی و یکی از وزارت دادگستری
و چون آقای معاون وزارت دادگستری
برای جواب هر دوی آنها حاضر ندید یکی
مطرح بفرمائید

دکتر بقائی - عرض کنم قبل از
طرح سؤالات اگر آقایان محترم اجازه
بفرمایند گزارش عملیات چهار ماهه این
کمیسیون تحقیق را بعنوان رئیس کمیته
تحقیق بعرض آقایان نماینده گان محترم
برسانم بعد سؤالات را مطرح کنند تا موضوع
روشن بشود و جناب آقای رئیس توجه خواهند فرمود

که موضوع گزارش کمیته تحقیق مشمول آن
ربع ساعت نمی تواند باشد (وکیل پور - آقا بنده
ماده نودم محفوظ است) پس از جریان نهضت سی ام
تیر ماه که بوسیله آقایان نماینده گان محترم
نهضت ملی شناخته شد در فراکسیون طرفدار
ادامه نهضت ملی يك کمیته ای انتخاب شد
برای رسیدگی بوضع معلولین و مجروحین
و مفقودین - مفقودین البته بعداً شد و راجع
بشناسائی مسبین و محرکین این نهضت
(شمس قنات آبادی - کشتار) معذرت می -
خواهم کشتار این کمیته شروع بکار کرد
و بعداً طی تبصره ۸ ماده واحده قانون
مصادره اموال قوام از طرف مجلس شورای
ملی برسمیت شناخته شد. این کمیته دو نوع
کار کاملاً مجزا داشت. یکنوع کار رسیدگی
بوضع مقتولین و بازمانده گان آنها رسیدگی
بوضع مجروحین و رسیدگی بمفقودین یعنی
کسانی که در روز سی ام تیر ماه بجانه هایشان
برنگشته بودند ولی در عین حال جزو صورت
شهادت هم اسمشان ثبت نشده بود کار دوم
این کمیته رسیدگی بجریان سی ام تیر ماه
در روزهای قبل از آن و کشف مسبین و
محرکین این جنایت فجیع که در تهران و
شهرستانها اتفاق افتاده بود. کمیته شروع
بکار کرد و بموازات کمیته از همان روز ۲۹
تیر یکمده از بازار گانان محترم و اصناف
خیر تهران يك هیئتی تشکیل داده بودند
برای رسیدگی بهمین وضع مجروحین و
مقتولین و يك پولهائی هم جمع آوری کرده
بودند و بامتیهای فداکاری و صمیمیت و یکانه ای
هم عمل کردند و بنده اینجا بطور بقیه حضور
آقایان محترم عرض میکنم که اگر صرف وقت
و صرف مالی که از طرف کمیته بازار گانان
محتوم شد نبود اقلان نصف مجروحین سی ام
تیر ماه در بیمارستانها از بی دوائی و بی عیانتی
مردم بودند (مصحح است) و اینها با محتفای
فداکاران این وظیفه همتی خودشان را انجام
دادند البته اینجا مجال نیست که توضیح بدهم

که در مقابل این فداکاری و خدمت که اینها
میکردند تا چند اسباب دل سردی و یا اس بر ایشان
فراهم شده این يك مطلب حل نشده است که
در موقع خودش عرض خواهم کرد. برای
رسیدگی بوضع مقتولین و مجروحین و همچنین
کشف وضعیت مفقودین ما احتیاج زیادی
بکمک دستگاههای دولتی داشتیم یکمده ای
بعنوان مفقود صورت داده شده بود و در حدود
۱۲۰ نفر که از این عده در اثر اعلاناتی
که در روزنامهها و رادیو شد در حدود ۱۵۰
نفر ۱۶ نفرشان پیدا شد و يك عده ای هم
بطوریکه ما خودمان حدس میزنیم جزو شهدای
سی ام تیر ماه نیستند اشخاصی هستند که بطور
عادی در هر روز در شهر بزرگی مثل تهران
مفقود میشوند ممکن هم هست که يك چند
نفری بقصد سوءاستفاده اسم بکنند از بستگان
خودشان را باسم مفقود داده باشند
و باسم شهید قلمداد کرده باشند که اینها
سه فقره اش را تشخیص دادیم و دستور تعقیبش
را هم دادیم ولی قدر مسلم این است که از این
هشتاد و چند نفری که بعنوان مفقود باقی
مانده و هنوز وضعیتشان روشن نشده اقلان نصف
این عده هم در آنروز شهید شده اند ولی در
اتر اینکه يك مقداری از انشها را مأمورین
دولتی بوسیله چند کامیون همان روز از شهر
خارج کردند و ما متأسفانه نتوانستیم آثار
آنها را بدست بیاوریم ولی این را محقق می
دانیم بر اثر اینکه همین الساعه کسانی که
شهادتشان برای کمیته محرزشده است عده شان
پیش از آن نعلن هائی است که محل دفنشان
معلوم است و در صورتهای رسمی آمده
است البته در جسر پان
کار کمیته خود بنده که لغتخار ریاست
کمیته را از طرف آقایان اعضای کمیته
بمن داده بودند مریض شدم و مدت یکماه و
نیم در بیمارستان بستری بودم در مدت
کسالت بنده تمام کار کمیته و زحمتش دوی
دوش جناب آقای تریمان بود که نایب
رئیس کمیته بودند و انصافاً در آن گریه ای
تابستان که اکثر آقایان با استفاده از تعطیل
مجلس بیلاق تشریف برده بودند ایشان
تمام روزها در کمیته انجام وظیفه کردند و
بنده بنام بکفر آبرائی در اینجا از ایشان تشکر
میکنم ولی متأسف هستم که این تشکر را
نمی توانم از تمام همکاران کمیته بکنم
چون بعضی از آقایان معترضی که اشخاص شده
بودند بصوت کمیته آنطوریکه لازم بود
تشریفات خاصی نکردند بعضیها هم البته کمیته
هائی کردند (تربیان بنده وظیفه امر انجام
داوم ۴۰ نفر که پیش از این کسالت کردند
یکی آقای حاج محمد طوایب و دیگری
آقای کریمی نماینده کرمانشاه بودند برای
بقیه آقایان در کمیته منتهی عیالی و همچنین
(حاج سعید خاوری که متشکرم) (تربیان
جناب عالی سوختنهم اخبار میکنند بنده
استفاده از این سؤالات را تمام کرد آن

نوشتم) مدیریت می خواهم جناب آقای خلغالی بعد از اینکه کمیته نسبت پیدا کرد بعد از یکی ۲ جلسه استفاده دادند از عضویت کمیته مبدع طور که جناب آقای زریمان هم بعد استعفا دادند (خلغالی - بنده می دانستم که باین شکل نتیجه نمیرسد) ولی بایستی یک دستگاهی کار کند تا ثابت بشود که نتیجه نمیرسد (خلغالی - شما تشریف داشتید) در جریان کار ما مواجبه با جریان واقعی اداری مملکت خودمان شدیم یعنی الان در حدود متجاوز از هشتصد نامه از طرف کمیته بدستگاههای مختلف نوشته شده که اگر روی این اقدام شده بود مسلماً اندیکاتور کمیته شماره اش از ۸۰ تا تجاوز نمیکرد برای اینکه دائماً جواب در جریان است یا نوشت برای اطلاع وزارت فلان ایفاد میگردد رونوشت برای اطلاع کمیته تحقیق ایفاد میگردد این نتیجه ای بود که ما بدست آوردیم ما از تمام مقامات انتظامی و مقاماتی که مشغول مملکت بودند از دوزی سی ام تیر گزارش کارهایشان را خواستیم و پرونده های مربوط بآن روز را خواستیم که بدانیم حقیقتاً تقصیر با کیست یک دوتا پرونده از فرمانداری نظامی برای ما فرستادند پرونده محرمانه که این پرونده ها فقط رونوشت یک گزارش هائی هست و رونوشت یک دستورهائی که گذشته از اینکه این پرونده ها کاملاً ناقص است یعنی بسیاری از مدارکی که لازم بوده است در پرونده باشد و در پرونده اصلی هم هست و رونوشتش را برای ما فرستاده اند من جمله رونوشت آن صورت جلسه کذائی که در حضور قوام السلطنه تشکیل شده بود رئیس شهربانی و رئیس ژاندارمری و فرماندار نظامی و شاید رئیس ستاد هم گمان میکنم شرکت داشته این صورت جلسه ای که طبق آن دستور گرفتند یا تصمیم گرفتند که این هنوز برای ما معلوم نیست که مردم بیچاره زابکشند این صورت جلسه را هنوز برای ما فرستاده اند و گذشته از این که اینها را برای ما فرستاده اند خود این گزارشهایی را هم که برای ما فرستاده اند ما نویسنده جعل کشف کردیم یعنی باستناد گزارش که این توهنت وقتی تطبیق می کنم با گزارشات دیگر چون آدمهای جانی و بد کار را خدا نمیکند ازاد که همیشه اینقدر حواسشان جمع باشد که بتوانند تمام اطراف و جوانب جنایت خودشان را بسنجند یا بشنود همیشه یک بز که هائی باقی می بگذارد و سابقی که گزارشهای مختلف را با هم مقایسه میکنیم همیشه یک تطبیق یک گزارش رسمی امضاء دار نوشته اند که هرگز در آن در آن ساعت در جبهه دولت ممبران بوده است و این پرونده هائی که برای ما فرستاده اند هم فرستاده شده اند که این اصلاح در صورتی که این معلوم است که

این پرونده ریگپرونده معمول نقلی است از وقتی که این پرونده را برای ما فرستادند یعنی از ۱۰ ۲۱ ۳۱ تا امروز که سوم آذر ماه ۲۱ است (یک نفر از نمایندگان - چهارم است) یعنی ۳ ماه و نیم متجاوز ما آنچه مکاتبه کردیم با مقامات انتظامی ...

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی تأمل بفرمائید عده کافی نیست (پس از چند لحظه عده کافی شد) بفرمائید.

دکتر بقائی - ۰۰۰ آن چه که مکاتبه کردیم با مقامات مسئول که مسئول و تنظیم کننده این پرونده را برای ما معلوم کنند و نواقص این پرونده را تکمیل کنند چون آنکسی که قلب کرده و جعل کرده مسلماً یکی از همدستان جنایتکار سی ام تیر ماه بوده است بهیچ نتیجه نرسیدیم بنده فقط یک نمونه اش را خدمت آقایان معترم عرض میکنم و بیشتر مصدع نمی شوم در تاریخ ۲۸ نوشتیم بفرمانداری نظامی قبل از هم نوشته بودیم این را برای نمونه عرض میکنم البته ما اولین تاریخ کاغذمان بتاریخ ۱۸-۵ بوده است این چند تا را بعنوان نمونه خدمت آقایان عرض میکنم فرمانداری نظامی خواهشمند است که دستور بفرمائید همانطور که در نامه شماره ۳۸۶ مورخ ۶-۶-۳۱ کمیته تحقیق مجلس شورای ملی اشاره شده مسئول تنظیم و برداشتن رونوشت اوراق منضم بنامه شماره فلان متن این اوراق با پرونده کامل امر برای پاره ای توضیحات و بررسی اوراق مورد بحث در ساعت ۴ روز چهارشنبه ۳۰-۷-۳۱ بکمیته تحقیق مجلس شورای ملی ارسال دارند موجب سیاستگذاری است بفرمائید این در تاریخ ۲۸-۷ است که تمام مقامات مسئول نوشته اند مجدداً همین را در تاریخ ۱۰-۸ بفرمانداری نظامی تعقیب کردیم بستان ارتش نوشتیم بدادسرای ارتش نوشتیم بوزارت دفاع ملی نوشتیم بالاخره در تاریخ ۱۱-۸ فرماندار نظامی مینویسد ریاست کمیته تحقیق مجلس شورای ملی باتوجه بنامه های شماره ۵۹۰-۵۹۲-۵۹۴-۵۶۵-۵۶۷-۵۵۸ یعنی تمام این نامه هائی که عرض کردم لزوماً اشعار میدارد نظر باینکه پس از غایت و انحلال هر دو فرمانداری نظامی سوابق مربوطه بوزارت دفاع ملی و اداره دادرسی ارتش تحویل می گردد و این فرمانداری از تاریخ ۲۹-۵-۳۱ برقرار گردیده لذا هیچگونه سوابق و مدارگی از دوران قبل در اختیار این فرمانداری نمی باشد بنابراین با عاده ۹ شماره نامه کمیته تحقیق خواهش میکنم است قدغن فرمائید برای اخذ سوابق پرونده هائی که مورد لزوم است بدارد دادسرای ارتش مزاجه فرمائید البته یک مرجع لازم است و بعد مراجعه کردیم بفرمانداری که باید می دادند در صورتی که حکایت

آن دهاتی است که آمده بود بشهر هیرمش را بفروشد حکایت معروفی است که ۵۰ تومان می بایست باو بدهد دوازده هزار و دهشاهی باو داد و بقیه اش را حساب چید حکایت مشهوری است مکاتبه زیاد شد و جواب هم ما دادند ولی در مقابل ما چه داریم هیچ در تاریخ ۲۵-۵ بوزارت دفاع ملی نامه ای نوشتیم که چند نفر از افسرانیکه لازم بود از آنها تحقیق بکنیم نمیکویم متهم بودند یا چیزی فقط میخواستیم تحقیق بکنیم چون اسمشان در این گزارشها بود و می بایستی از اینها یک تحقیقاتی بشود تقاضا کردیم که اینکار را بکنیم در ۳-۶ جواب میدهند که چون نامه کمیته تحقیق دیر رسیده تجدید وقت بکنید تجدید وقت شد یکدفعه دیگر نیامدند مجدداً تجدید وقت کردیم در ۲۸-۷ باز اینها را خواستیم در ۳-۸ جواب می دهند راجع یکی از اینها که چند روز هم تعقیب شده بود آقای سرگرد صیرفی که ایشان چون رفته اند باموریت آذربایجان در دسترس نیست بنده سؤال میکنم وقتی که یک کمیته ای که دارای رسمیت است یک افسری را خواسته برای ادای تحقیقات ما افسر کم داشتیم که فقط همین یکدانه متخصص بود و می بایست برود بآذربایجان (پارسا - اکثر مأمورینی که میروند بآذربایجان از همین تیب هستند) (زریمان - ونوشته بودیم که اینها را تغییر مأموریت ندهند) این بچه مناسبت رفته است بآذربایجان در صورتی که جناب آقای زریمان هم یاد آوری فرمودند نوشته بودیم این کسانی که ما خواهش میکنیم بفرستید از آنها تحقیقات بکنیم تا خانه تحقیقات از تهران بیرون نفرستید چرا این را فرستادند آقایان برای اینکه بنده گزارش عرض کردم و باز هم عرض میکنم دستگاه رزم آرا هنوز بر این مملکت حکومت می کند این آقایانی که دل خودشان را خوش کردند و بعنوان کابینه دکتر مصدق اینجا نشسته اند دستگاه همان دستگاه است که حکومت میکند همان دستگاه هست که بهیچوجه میل ندارد که کوچکترین عملی بشود فحیح ترین عملی که در سی ام تیرماه انجام گرفت و شاید یکی از فحیح ترین جنایات تاریخ کشتار بیرجمانه ای بود که در اهواز شد در اهواز بعد از آنکه حکومت قوام ساقط شد آقایان خاطرشان هست که حکومت قوام ساعت ۵ بعد از ظهر ساقط شد چون این جنایتکارهایی که آنجا بودند آن فرماندار نظامی اهواز و آن فرمانده لشکری که میخواستند یک عده ای را بکشند و در جریان چند روزه تیرماه موفق نشده بودند در موقعی که مردم اهواز ساعت ۷ بعد از ظهر خودشان را میخواستند بکشند که برای هودت حکومت دکتر مصدق جشن بکنند تا یک دوامند روی مردم (کروبی - در

کرمانشاه هم ساعت هفت شب همین کار را کردند) در کرمانشاه هم همین کار را کردند ولی در اهواز مدارکی من دارم و اطلاعاتم جامعتر است و جنایتی که در اهواز شد فحیح تر از تمام این جنایتهاست میخواستیم بدانیم چکار کردند ما فریاد زدیم نوشتیم رفتیم گفتیم هیئت فرستادند برای بازرسی این هیئتی که فرستادند چکار کردند اولاً بطوریکه آقای کریمی میفرمایند آنکسی که در کرمانشاه خودش همین کارها را کرده بود او را فرستادند بفرماندهی اهواز و فرمانده لشکر را عوض کردند کدامیک از اینها را کاری کردند جز اینکه فرماندار نظامی یک اعلامیه داد که یکدانه اخلاکگر میخواستند آشوب بکنند من نمیدانم این اخلاکگرها اگر میخواستند آشوب بکنند صبح سی ام تیر چرا آشوب نکردند بعد از ظهر سی ام تیر چرا آشوب نکردند چرا اینها بعد از آنکه حکومت قوام ساقط شد و حکومت مصدق روی کار آمد بفرکر اخلاک افتادند مردم در این مبارزه هیچ اقدامی نکردند برای اینکه بتقاضای نمایندگان طرفدار ادامه نهضت ملی در تمام ولایات تعطیل شد تظاهرات شد ولی با رعایت سکوت و متانت کامل همین تهران آقایان خودتان تهران بودید اگر کسی سراغ دارد که در تهران یکدسته ای حمله کرده باشند بامورین نظامی بگوید اینها جز این نبود که یکدانه مردم بدبخت بی سلاح فقط فریاد میزدند مرده باد قوام زنده باد مصدق آنوقت گزارشهایی که برای اینها مینویسند و روی این گزارشها متأسفانه از طرف دولت یکسخت کلیات تا حال تحویل شده و بعد از این هم تحویل خواهد شد این یک گزارشی است مال یکی از فرماندهان آنروز راجع ب مردم نوشته راجع باینها که تظاهر میکردند ... اغلب میخواستند در موقع درگیری تفنگ را از دست سرباز بگیرند که در نتیجه منجر بزخمی شدن سینه و دست و پا و بازوی آنها بوسیله سرباز میشد (خلغالی - اینها همانهایی هستند که شریک جرمنند) تمام اینها شریک جرمنند عرض کنم یک گزارشی هست که متأسفانه ما این گزارش را ندانیم در پرونده های شهربانی خواندم گزارش مفصلی هست راجع بحریان سی ام تیر از مجموع این گزارش انتظار برمی آید که یک هفته برای انتظامی استاده بودند در معاینه و یک صبح مردم شروز حمله کردند و خواستند اسلحه های آنها را بگیرند سربازها چون اسلحه ها را نداشتند بطولاً اسلحه کشیدند سرباز و فرد و افراد تنها و تنهایی شیدند و اسلحه ها را تحویل دادند که در آن وقت تمام اسلحه ها را تحویل دادند و اسلحه ها را تحویل دادند

و گفت چکار کنیم که این پول را ندهم
گفت هر وقت قاضی ترا احضار کرد هر چه
گفت این پول را بده بگو منکرم گفت
همین يك كلمه؟ گفت بله بگو منکرم کافی
است این شخص را قاضی احضار کرد
گفت این پول را چرا نمی پردازی؟ گفت
منکرم گفت این سند دارد درست است
گفت بلی گفت بخط خودت هست؟ گفت
بلی، گفت سه ماه پیش صد تومان را از
گرفتی بانه؟ گفت بلی، گفت پس چه می
گویی؟ گفت باز هم منکرم جوابی که آقای
کاظمی فرمودند عیناً همینجور بود و اصلاً
جواب آن مطالبی که بنده عرض کردم نبود
و فقط يك كلمه بود که بنده عرض کردم و
ایشانم تصدیق کردند گفتم آقا مسئله
اقتصادی انو جیره بندی قند و شکر در
صورتی لازم بود که عرضه بر تقاضا فزونی
داشت و این فزونی داشتن عرضه بر تقاضا
لازمه اش این بود که ایشان موجودیشان
را نشان بدهند در سؤال بنده هم اینمطلب
نوشته شده بود که خواهش میکنم آن
موقعی که شما جیره بندی را انو کردید
بفرمائید چقدر موجودی داشتید بعلاوه
شما بفرمائید این بخشنامه را که من مدعی
هستم که شهرستانها کردید که زاید بر
سهیمه توزیع نکنید درست است یا درست
نیست؟ اگر این درست است دیگر آن
چیزها نمیتواند درست باشد خلاصه کلام
اینکه همانطور که جناب آقای شمس قنات
آبادی فرمودند وقتیکه سؤال میکنند آقایان
بدون اینکه توجه کنند بآن مطالبی که در
سؤال مندرج است وبدون توجه بمطالب و
استدلالاتی که خود وکیل در مجلس می
گوید يك مطالبی را نوشته و حاضر کرده اند
که مطلقاً مربوط بآن موضوع نیست فرض
بنده جناب آقای وزیر دارائی این بود که
در يك موقعی که ملت ایران دچار مضيقه
(شمس قنات آبادی - بنده راجع با ایشان
عرض نکردم) بنده بطور کلی عرض کردم
(خبر و غشقاتی - سؤال شما راجع با آقای
وزیر دارائی است یا راجع بشخص دیگری
است؟) بنده عرض کردم که اولاً مملکت
در مضيقه لرزی است و عرضه بر تقاضا
نچربیده است (وزیر دارائی - مطالبی که
گفته شد جواب سؤالات سرکار بود) تغیر
بنده عرض کردم موقعیکه دولت در مضيقه
ارزی است اصلاح نیست شما موجودیات
افزایش مصرف قند و شکر را فراهم کنید
شاید لازم باشد که ملت ایران در يك همچون
موقعی که گزافاً نیاز را ببلند دولت بزرگی
است بگوید که به ۸۰ هزار تن محصول
داخلی است و این موضوع لازم است
که جیره بندی شود و با هر کس سهمیه يك
کلو گرامی شود داد دولت بزرگ داد
و ایشان که در این وقت سؤالات

بنده نبود و من قانع نمیشوم
**وزیر دارائی - اجازه می
فرمائید؟**
نایب رئیس - بفرمائید
وزیر دارائی - تصور میکردم بعد از
توضیحاتی که عرض کردم مطلبی مبهم و تاریک
نباشد که آقا اظهار بکنند ولی ایشان عین همان
مطالب سابق را تکرار کردند بدون اینکه
متذکر باشند که من چه جوابی دادم این
قند و شکر يك چیزی است که مورد احتیاج
عموم مردم ایران است و هر کس در این
مملکت قند و شکر مصرف میکند و بنده عقیده
دارم که قند و شکر از گندم بیشتر مورد احتیاج
است بجهت اینکه یکدسته از مردم ایران گندم
میخورند و يك دسته ای برنج میخورند ولی
تمام مردم ایران قند و شکر استعمال میکنند
(شمس قنات آبادی - مصرف می کنند)
بنابراین اگر گفته شود که قند و شکر قوت
غالب مردم ایران هست هیچ مبالغه نشده است
و این وظیفه دولت است که آنرا از آن وضع
خاص در بیاورد آن بازار سیاه را از بین
ببرد و بدست مردم برساند چه وظیفه ای برای
دولت بالاتر از تأمین رفاه و آسایش مردم
است؟ (وکیل یور - پس از جیره بندی
و خیلی خیلی شد بدتر شد این صفحات
روزنامه شاهداست) ممکن است که يك چند
روزی بود ولی حالا اینطور نیست و الان که
بنده اینجا خدمت آقایان عرض میکنم در
شهر تهران ۳۷۴۰ مجل برای فروش جزئی
قند و شکر برای مردم وجود دارد و دائماً
مأمورین دولت مراقبت می کنند که اینها از
آن قیمتی که معین شده است تخلف نکنند
و ازیت نکنند مردم را و هر کس هم که
تخلف کرد تعقیب میشود مستخدمین دولت
و ادارات و کارخانجات هم بنرخ دولتی
دریافت می کنند

بنابراین چه اشکالی دارد و چه محظوری
برای کسی باقی هست؟ البته ۲۲۰۰ نفر
عامل بودند که خون مردم را بشیشه میکردند
اینها ناراضی هستند و تمام تحریکاتی هم که
میکردند از اینجهت بود و یکجمله از تجار
هم هستند که شاید يك خسارتی بآنها متوجه
شده باشد آنرا هم دولت متوجه بود و در
نظر گرفت که بآنها هم يك ارفاقهایی شود
و از انبار داری وغیره بآنها يك تخفیفاتی
داده بشود که آنها هم جنس خود را در
بیاورند و بفروشند اما در سرتاسر مملکت
بنده عرض نمی کنم که بشکل مطلوب خودش
در آمده است شاید در يكجا هست و در يك
جا نیست در يكجا کم است ولی اشکالات
کار را هم در نظر بگیرید رسانیدن جنس
بجایهای مختلف وغیره را در نظر بگیرید و
ملاحظه فرمائید که از صد صد صدی هستند
انعام شده است حالا شما قانع شدید یا
قانع نشدید خیلی زیاد اهمیت ندارد (وکیل
یور - بنده بموجب ماده ۲۰۰ اظهار دارم)

**۱۰ - طرح سؤالات آقای
دکتر بقائی از وزارت
دفاع ملی و وزارت
دادگستری**

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی
جنابعالی دو سؤال فرموده بودید یکی از
وزارت دفاع ملی و یکی از وزارت دادگستری
و چون آقای معاون وزارت دادگستری
برای جواب هر دوی آنها حاضرند یکی یکی
مطرح بفرمائید
دکتر بقائی - عرض کنم قبل از
طرح سؤالات اگر آقایان محترم اجازه
بفرمایند گزارش عملیات چهار ماهه این
کمیسیون تحقیق را بعنوان رئیس کمیته
تحقیق بعرض آقایان نماینده کان محترم
برسانم بعد سؤالات را مطرح کنند تا موضوع
روشن بشود و جناب آقای رئیس توجه خواهند فرمود
که موضوع گزارش کمیته تحقیق مشمول آن
ربع ساعت نمی تواند باشد (وکیل یور - آقا بنده
ماده نودم محفوظ است) پس از جریان نهضت سی ام
تیر ماه که بوسیله آقایان نماینده کان محترم
نهضت ملی شناخته شد در فراکسیون طرفدار
ادامه نهضت ملی يك کمیته ای انتخاب شد
برای رسیدگی بوضع معلولین و مجروحین
و مفقودین - مفقودین البته بعداً شد و راجع
بشناسائی مسبین و محرکین این نهضت
(شمس قنات آبادی - کشتار) معذرت می -
خواهم کشتار این کمیته شروع بکار کرد
و بعداً طی تبصره ۸ ماده واحده قانون
مصادره اموال از طرف مجلس شورای
ملی برسمیت شناخته شد. این کمیته دو نوع
کار کاملاً مجزا داشت. یکنوع کار رسیدگی
بوضع مقتولین و بازماندگان آنها رسیدگی
بوضع مجروحین و رسیدگی بمفقودین یعنی
کسانی که در روزی ام تیرماه بخانه ایشان
برنگشته بودند ولی در عین حال جزو صورت
شهادت هم اسمشان ثبت نشده بود کار دوم
این کمیته رسیدگی بجریان سی ام تیر ماه
در روزهای قبل از آن و کشف مسببین و
محرکین این جنایت فجیع که در تهران و
شهرستانها اتفاق افتاده بود. کمیته شروع
بکار کرد و بموازات کمیته از همان روز ۲۱
تیر یکجمله از بازرگانان محترم و اصناف
خبر تهران يك هیئتی تشکیل داده بودند
برای رسیدگی بهمین وضع مجروحین و
مقتولین و يك یولهایی هم جمع آوری کرده
بودند و باینتهای فداکاری و صمیمیت و یکگانگی
هم عمل کردند و بنده اینجا بطور بقیه حضور
آقایان محترم عرض میکنم که اگر صرف وقت
و صرف مالی که از طرف کمیته بازرگانان
محترم شد نبود انقلاب نصف مجروحین سی ام
تیر ماه در بیمارستانها از بی دوائی و بییهالی
مردم بودند (صحیح است) و اینها با منتهای
فداکاری این وظیفه ملی خودشان را انجام
دادند البته اینجامعال نیست که بوضع بدیم

که در مقابل این فداکاری و خدمت که اینها
میکردند چقدر اسباب دل سردی و یأس برایشان
فراهم شده این يك مطلب علیحده است که
در موقع خودش عرض خواهم کرد. برای
رسیدگی بوضع مقتولین و مجروحین و همچنین
کشف وضعیت مفقودین ما احتیاج زیادی
بکمک دستگاههای دولتی داشتیم. یکجمله امی
بعنوان مفقود صورت داده شده بود و در حدود
۱۲۰ نفر که از این عده در اثر اعلاناتی
که در روزنامهها و رادیو شد در حدود ۱۵
نفر ۱۶ نفرشان پیدا شد و يك عده ای هم
بطوریکه ما خودمان حدس میزنیم جز و شهدای
سی ام تیر ماه نیستند اشخاصی هستند که بطور
عادی در هر روز در شهر بزرگی مثل تهران
مفقود میشوند ممکن هم هست که يك چند
نفری بقصد سوءاستفاده اسم بکنند از بستگان
خودشان را باسم مفقود داده باشند
و باسم شهید قلمداد کرده باشند که اینک دو
سه فقره اش را تشخیص دادیم و دستور تعقیبش
را هم دادیم ولی قدر مسلم این است که از این
هشتاد و چند نفری که بعنوان مفقود باقی
مانده هنوز وضعیتشان روشن نشده انقلاب نصف
این عده هم در آنروز شهید شده اند ولی در
اثر اینکه يك مقداری از نمشها را ما مورین
دولتی بوسیله چند کامیون همان روز از شهر
خارج کردند و ما متأسفانه نتوانستیم آثار
آنها را بدست بیاوریم ولی این را محقق می
دانیم بر اثر اینکه همین الساعه کسانی که
شهادتشان برای کمیته محرزشده است عده شان
بیش از آن نمشهایی است که محل دفنشان
معلوم است و در صورتهای رسمی آمده
است البته در جسرسان
کار کمیته خودبنده که بافتنار ریاست
کمیته را از طرف آقایان اعضای کمیته
بمن داده بودند مریض شدم و مدت یکماه و
نیم در بیمارستان بستری بودم در مدت
کسالت بنده تمام کار کمیته و نهضت روئی
دوش جناب آقای تریمان بود که نایب
رئیس کمیته بودند و انصافاً در آن گریزهای
تابستان که اکثر آقایان با استفاده از تعطیل
مجلس بیلاق تشریف برده بودند ایشان
تمام روزها در کمیته انجام وظیفه کردند و
بنده بنام یکفره ایرانی در اینجا از ایشان تشکر
میکتم ولی متأسف هستم که این تشکر را
نمی توانم از تمام همکاران کمیته بکنم
چون بعضی از آقایان محترمی که انتخاب شده
بودند بمقتویت کمیته آنطوریکه لازم بود
تشریف نداشتند نکردند بعضیها هم البته که
هائی کردند (تریمان - بنده وظیفه ام را انجام
دادم) ۲۴ نفر که پیش از همه کسالت کردند
یکی آقای مطایح جید بودادی و دیگری
آقای کریمی نماینده کرمانشاه بودند و
بقیه آقایان را در کمیته هم نشان و همچنین
(حاج سیدجوادی - متشکرم) (نمشیانی)
جناب عالی سوخته ام ایضا میکنید بنده
استغنا بدارم در این استغنا و ایضا

نوشتیم (میلدورت می خواهم جناب آقای خلخالی بعد از اینکه کمیته رسمیت پیدا کرد بعد از یکی ۲ جلسه استفاده دادند از عضویت کمیته هم بطوریکه جناب آقای نریمان هم بعد استعفا دادند (خلخالی - بنده می دانستم که باین شکل نتیجه نمیرسد) ولی بایستی یک دستگاهی کار کند تا ثابت بشود که نتیجه نمیرسد (خلخالی - شما تشریف داشتید) در جریان کار ما مواجبه با جریان واقعی اداری مملکت خودمان شدیم یعنی الان در حدود متجاوز از هشتصد نامه از طرف کمیته بدستگاههای مختلف نوشته شده که اگر روی این ها اقدام شده بود مسلماً اندیکاتور کمیته شماره اش از ۸۰ تا تجاوز نمیکرد برای اینکه دائماً جواب در جریان است یا رونوشت برای اطلاع وزارت فلان ایفاد میگردد رونوشت برای اطلاع کمیته تحقیق ایفاد میگردد این نتیجه ای بود که ما بدست آوردیم ما از تمام مقامات انتظامی و مقاماتی که مسئول مملکت بودند از روزی ام تیر گزارش کارهایشان را خواستیم و پرونده های مربوط بآن روز را خواستیم که بدانیم حقیقتاً تعبیر با کیست یک دوتا پرونده از فرمانداری نظامی برای ما فرستادند پرونده محرمانه که این پرونده ها فقط رونوشت یک گزارش هائی هست و رونوشت یک دستور هائی گذشته از اینکه این پرونده ها کاملاً ناقص است یعنی بسیاری از مدارکی که لازم بوده است در پرونده باشد و در پرونده اصلی هم هست و رونوشتش را برای ما فرستاده اند من جمله رونوشت آن صورت جلسه کدائی که در حضور قوام السلطنه تشکیل شده بود رئیس شهربانی و رئیس ژاندارمری و فرماندار نظامی و شاید رئیس ستاد هم گمان میکنم شرکت داشته این صورت جلسه ای که طبق آن دستور گرفتند یا تصمیم گرفتند که این هنوز برای ما معلوم نیست که مردم بیچاره را بکشند این صورت جلسه راهنوز برای ما فرستاده اند و گذشته از این که اینها را برای ما فرستاده اند خود این گزارش هائی را هم که برای ما فرستاده اند مانویش جعل کشف کردیم یعنی باستناد گزارشی که این توهنت وقتی تطبیق می کنیم با گزارشات دیگر چون آدمهای جانی و بند کار را خدا نمیکند ازاد که همیشه اینقدر حواسشان جمع باشد که بتوانند تمام اطراف و جوانب جنایت خودشان را بسنجند یا بجهت همیشه یک بز که مانویش باقی می گذارند مساوتی که گزارشهای مختلف را با هم مقایسه میکنیم نتیجه میشود که تطبیق یک گزارش رسمی امضاء دار نوشته اند که قضا سرگردان در آن سامان در چهار روز مغرب البتله بوده است و مانویش رونوشت هائی که برای ما فرستاده اند فرض بر ما باید نوشته اند که این اصلاً در دست ما نیست خوب این معلوم است که

این پرونده یک پرونده معمول نقلی است از وقتی که این پرونده را برای ما فرستادند یعنی از ۱۰ اردیبهشت تا امروز که سوم آذر ماه است (یک نفر از نمایندگان - چهارم است) یعنی ۳ ماه و نیم متجاوز ما آنچه مکاتبه کردیم با مقامات انتظامی...
فایده رئیس - آقای دکتر بقائی تأمل فرمائید عده کافی نیست (پس از چند لحظه عده کافی شد) فرمائید.
دکتر بقائی - ۰۰۰ آن چه که مکاتبه کردیم یا مقامات مسئول که مسئول و تنظیم کننده این پرونده را برای ما معلوم کنند و نواقص این پرونده را تکمیل کنند چون آن کسی که تقبل کرده و جعل کرده مسلماً یکی از همدمستان جنایتکار سی ام تیر ماه بوده است بهیچ نتیجه نرسیدیم بنده فقط یک نمونه اش را خدمت آقایان محترم عرض میکنم و بیشتر مصدع نفسی شوم در تاریخ ۲۸ نوشتیم فرمانداری نظامی، قبلاً هم نوشته بودیم این را برای نمونه عرض میکنم البته ما اولین تاریخ کاغذمان بتاریخ ۱۸-۵ بوده است این چند تا را بعنوان نمونه خدمت آقایان عرض میکنم فرمانداری نظامی خواهشمند است که دستور فرمائید همانطور که در نامه شماره ۳۸۶ مورخ ۶-۶-۳۱ کمیته تحقیق مجلس شورای ملی اشاره شده مسئول تنظیم و برداشتن رونوشت اوراق منضم بنامه شماره فلان متن این اوراق با پرونده کامل امر برای پاره ای توضیحات و بررسی اوراق مورد بحث در ساعت ۴ روز چهارشنبه ۳۰-۷-۳۱ بکمیته تحقیق مجلس شورای ملی ارسال دارند موجب سپاسگذاری است فرمائید این در تاریخ ۲۸-۷ است که تمام مقامات مسئول نوشته اند مجدداً همین را در تاریخ ۱۰-۸ فرمانداری نظامی تعقیب کردیم؛ ستاد ارتش نوشتیم؛ بداد سرای ارتش نوشتیم؛ وزارت دفاع ملی نوشتیم بالاخره در تاریخ ۱۱-۸ فرماندار نظامی مینویسد ریاست کمیته تحقیق مجلس شورای ملی باتوجه بنامه های شماره ۵۹۰-۵۹۲-۵۹۴-۵۶۵-۵۶۷-۵۵۸ یعنی تمام این نامه هائی که عرض کردم لزوماً اشعار مبدار نظر باینکه پس از خاتمه و انحلال هر دوره فرمانداری نظامی سوابق مربوطه بوزارت دفاع ملی و اداره دادرسی ارتش تحویل می گردد و این فرمانداری از تاریخ ۲۹-۵-۳۱ برقرار گردیده لذا هیچگونه سوابق و مدارکی از دوران قبل در اختیار این فرمانداری نمی باشد بنابراین باعاده ۹ شماره کمیته تحقیق خواهشمند است قدغن فرمائید برای اخذ سوابق پرونده هائی که مورد لزوم است بداره دادرسی ارتش مزاجه فرمائید البته یک مرجعی لازم است و ما مزاجه کردیم خواهش می کنم که بیاموزد در دست مثل حکایت

آن دهاتی است که آمده بود بشهر هیزمش را بفروشد حکایت معروفی است که ۵۰ تومان می بایست باو بدهد دوازده هزار و دهشاهی باو داد و بقیه اش را حساب چید، حکایت مشهوری است، مکاتبه زیاد شد و جواب هم ما دادند ولی در مقابل ما چه داریم هیچ در تاریخ ۲۵-۵ وزارت دفاع ملی نامه ای نوشتیم که چند نفر از افسرانیکه لازم بود از آنها تحقیق بکنیم، نمیگویم متهم بودند یا چیزی، فقط میخواستیم تحقیق بکنیم چون اسمشان در این گزارشها بودو می بایستی از اینها یک تحقیقاتی بشود تقاضا کردیم که اینکار را بکنیم در ۳-۶- جواب میدهند که چون نامه کمیته تحقیق دیر رسیده تجدید وقت بکنید، تجدید وقت شد یکدفعه دیگر نیامدند مجدداً تجدید وقت کردیم در ۲۸-۷ باز اینها را خواستیم در ۳-۸ جواب می دهند راجع یکی از اینها که چند روز هم تعقیب شده بود، آقای سرگرد صیرفی، که ایشان چون رفته اند بمأموریت آذربایجان در دسترس نیست بنده سؤال میکنم وقتی که یک کمیته ای که دارای رسمیت است یک افسری را خواسته برای ادای تحقیقات، ما افسر کم داشتیم که فقط همین یکدانه متخصص بود و می بایست برود بآذربایجان؟ (پارسا - اکثر مأمورینی که میروند بآذربایجان از همین تیب هستند) (نریمان - نوشته بودیم که اینها را تغییر مأموریت ندهند) این بچه مناسب رفته است بآذربایجان در صورتی که جناب آقای نریمان هم با آوری فرمودند نوشته بودیم این کسانی که ما خواهش میکنیم بفرستید از آنها تحقیقات بکنیم تا خاتمه تحقیقات از تهران بیرون نفرستید چرا این را فرستادند آقا برای اینکه بنده گزارش عرض کردم و باز هم عرض میکنم دستگاه رزم آرا هنوز بر این مملکت حکومت می کند این آقایانی که دل خودشان را خوش کردند و بعنوان کابینه دکتر مصدق اینجا نشسته اند دستگاه همان دستگاه است که حکومت میکند همان دستگاه هست که بهیچوجه میل ندارد که کوچکترین عملی بشود فحیح ترین عملی که در سی ام تیرماه انجام گرفت و شاید یکی از فحیح ترین جنایات تاریخ کشتار بیرجمانه ای بود که در اهواز شد در اهواز بعد از آنکه حکومت قوام ساقط شد آقایان خاطرشان هست که حکومت قوام جنایتکار هائی که آنجا بودند آن فرماندار نظامی اهواز و آن فرمانده لشکری که آنجا بود میخواستند، من ثابت میکنم، میخواستند یک عده ای را بکشند و در جریان چند روز تیرماه موفق نشده بودند در موقعی که مردم اهواز ساعت ۷-۷ بعد از ظهر بخودشان را میبردند میگردیدند که برای وقت حکومت که کفر مصدق چنین میگردد تا یک دوامند لاری مردم (کریسی) در

کرمانشاه هم ساعت هفت شب همین کار را کردند) در کرمانشاه هم همین کار را کردند ولی در اهواز مدارکی من دارم و اطلاعاتم جامعتر است و جنایتی که در اهواز شد فحیح تر از تمام این جنایتهاست میخواهم بدانم چکار کردند؟ ما فریاد زدیم، نوشتیم رفتیم، گفتیم، هیئت فرستادند برای بازرسی این هیئتی که فرستادند چکار کردند؟ اولاً بطوریکه آقای کریمی میفرمایند آن کسی که در کرمانشاه خودش همین کارها را کرده بود او را فرستادند بفرماندهی اهواز و فرمانده لشکر را عوض کردند کدامیک از اینها را کاری کردند جز اینکه فرماندار نظامی یک اعلامیه داد که یکمده اخلاکگر میخواستند آشوب بکنند من نمیدانم این اخلاکگرها اگر میخواستند آشوب بکنند صبح سی ام تیر چرا آشوب نکردند، بعد از ظهر سی ام تیر چرا آشوب نکردند؟ چرا اینها بعد از آنکه حکومت قوام ساقط شد و حکومت مصدق روی کار آمد بفکر اخلاص افتادند مردم در این مبارزه هیچ اقدامی نکردند برای اینکه بتقاضای نمایندگان طرفدار ادامه نهضت ملی در تمام ولایات تعطیل شد، تظاهرات شد ولی با رعایت سکوت و متانت کامل همین تهران آقایان خودتان تهران بودید اگر کسی سراغ دارد که در تهران یکدسته ای حمله کرده باشند بمأمورین انتظامی، بگوید اینها جز این نبود که یکمده مردم بدیخت بی سلاح فقط فریاد میزدند مرده باد قوام زنده باد مصدق آنوقت گزارش هائی که برای اینها مینویسند روی این گزارشها متأسفانه از طرف دولت یکمشت کلیات تا حال تحویل شده و بعد از این هم تحویل خواهد شد این یک گزارشی است مال یکی از فرماندهان آنروز راجع ب مردم نوشته، راجع باینها که تظاهر میکردند... اغلب میخواستند در موقع درگیری تفنگ را از دست سرباز بگیرند که در نتیجه منجر بزخمی شدن سینه و دست و پا و بازوی آنها بوشله سربزه میشد (خلخالی - اینها همانها هستند که شریک جرمنند) تمام اینها شریک جرمنند عرض کنم یک گزارشی هست که متأسفانه ما این گزارش را نداریم در پرونده های شهربانی خواندم، گزارش مصدق هست راجع بجریان سی ام تیر از مجموع این گزارش اینطور برمی آید که یک هفته برای انتظامی استاده بودند در معابر و یک عده مردم شروع حمله کردند و خواستند اعلامیه های آنها را بگیرند سربازها چون اعلامیه ها را ندادند بطحاً اسلحه کشیدند و سرباز و فرد و افراد آنها را کشتند و آنوقت طبق این گزارشها که آدم می خوانند من ببینم در تهران هیچ گزارشی نیست تمام این اقرا که کشیدند از اطراف و شهربانی اینها تمام دستگاهها را کشتار کردند و بعد طبق این گزارشها که می خوانم در

تیر هوایی در یکی از نقاط تهران خالی شده که آنهم مثل اینکه فقط یکدسته ای اینکار را کرده اند و آنهم تیر هوایی بوده اگر يك کسی این گزارش را بخواند می بیند که در سیام تیر ماه هیچ اتفاقی نیفتاده و عده ای که خواسته اند تفنگ را از دست سربازها بگیرند کشمکش کرده اند یا خودشانرا دستی مالیده اند بسرنیزه و زخمی کرده اند خودشانرا دیگر هیچ اتفاقی نیفتاده است خاطر مبارک آسوده باشد کسی هم گفته نشده این نتیجه تحقیقاتی است جناب آقای دکتر ملک اسمعیلی که اگر ما بخواهیم این جور تحقیق بکنیم باین نتیجه خواهیم رسید طبق این گزارشهای رسمی که چیزی نشده خبری نشده و بر طبق ماده ۲ قانون امنیت اجتماعی هم کسانی که ادعا کنند که پدرشان پسرشان برادرشان کشته شده و چون قصد تحریک دارند باید اینها را بگیرد حبسشان کنند تبعیدشان کنند آقا باین وضع نمی شود قضیه سیام تیرماه را ماست مالی کرد تنها اقدامی که شده است در این مدت این را هم بنده باید عرض کنم يك پولهایی در حساب اداره تبلیغات جمع آوری شده بود که جناب آقای نخست وزیر دستور دادند يك کمبسونی از دو نفر از اعضای کمیته تحقیق دوفرا از بازرگانان و آقای وزیر کشور این کمیته باید ترتیب تقسیم این پول را بورنه مقولین بدهد و يك طرحی پیشنهاد کند برای اینکار. این تنها اقدامی بوده که شده است الان اگر سؤال بکنم راجع باموال قوام و دارائی قوام چه اقدامی شده قطعاً جواب خواهند داد که در جریان است و مامشوق اقدام هستیم راجع بان ماده واحده آن ماده واحده يك داستان مفصلي دارد که روزی برای اینکه تاریخ این مملکت روشن بشود آن داستان ماده واحده را خواهم گفت هنوز صبر می کنم بامید آنکه دولت يك کاری بکنند اگر برای ما جواب در جریان است بیاورند آنوقت من خواهم گفت و ثابت خواهم کرد که آن ماده واحده تعقیب قوام که در حقیقت می خواستند ناقض آن ماده واحده محکومیت قوام باشد و ما نگذاشتیم خواهم گفت که آن ماده واحده پاسو نیت تنظیم شده است حالا صبر می کنم تا تمام دلایل را جمع آوری کنم و تمام این در جریان است ما را بیایند اینجا بگویند من می خواهم بدانم این اشخاصی که روزی سیام تیرماه کشته شدند طبق کدام موازین قانونی کشته شدند طبق کدام ماده جریان طول کشید ما چندین دفعه از پستارستانهای ارتش راجع بکسانی که آنجا بستری بودند سؤال کردیم البته اصحاب ارتش بجای خودش مسئول است کاملاً هم محترم است بیا جواب دادند که ما حق مشکلی مستقیم نداریم و از طرف ستاد اما سکات کنید از طریق ستاد سکات کردیم که مستقیم مجروحین

که البته کشته شدند ببینید که این تیراز کجایش خورده بچه صورتی بوده چه وضعی داشته و چطور کشته شده این را خواستیم آنها برای ما ندادند و دلیل هم دارد آنها جواب ندادند در جریان است و رونوشت ایفاد می گردد فرستادند ولی جواب ندادند علتش را ما می دانیم برای اینکه بیشتر کسانی که در روز سیام تیرماه کشته شدند اینها یا تیر بسینه شان خورده و یا بیشترشان خورده یا مردمی بودند ایستاده بودند تظاهر می کردند آنها را زده اند یا مردمی بودند که داشتند میرفتند و برای اینکه بعضی از این جنایتکاران آن حس قساوت حیوانی خودشان را ارضاء کنند اینها را زده اند کشته اند . من خواهش میکنم از آقایان محترمی که فرصت دارند ، امروز که میخواهند تشریف ببرند از خیابان وزارت فرهنگ تشریف ببرند . در آنجا مقابل حزب ما هنوز خون يك جوان بیچاره ای که همانجا گلوله بمغزش خورد و افتاد خونش بدیوار هست که با انگشت بسرخودش زد و نوشت این خون زحمتکشان ملت ایران است ، هنوز آنجا هست . یکقدری هم پائین تر تشریف ببرید آنجائی که می رود بطرف شرکت تلفن يك صندوق چوبی است که این صندوق چوبی متعلق بيك بیخ فروش است ، این بدبخت وقتی می بیند شلوغ شد و نظامی و تانک می آید و ممکن است افشاش بشود فکر می کند لابد که اگر در برود این صندوقش تمام سرمایه اش این بجهائی بوده که خریده بود و میخواست بفروشد و ممکن است اینها را چپو کنند ، آنجا هم بماند که . . .

دکتر بقائی - فکر می کند که اگر هم آنجا بماند ممکن است نفله بشود و تیر بخورد برای اینکه احتیاطاً رعایت کرده باشد و سرمایه اش را حفظ کرده باشد می رود توی صندوق بیخ و آن تخته را می اندازد و پیش این ماجرا جو بوده می خواسته بخهار امنجر کند ، ستوان فاطمی این موضوعی است که بنده با اطمینان کامل عرض می کنم برای اینکه بتواتر رسیده از آنجا رد می شود ، دست می اندازد این تخته را بلند میکند و این را توی همان صندوق می کشد . حالا راجع باین ستوان فاطمی چکار کردند ؟ حالا بنده عرض میکنم که چکار کردند ، بعد از تمام این مکاتباتی که ما کردیم و مرتب نوشتیم و خواستیم از تمام مقامات رئیس دادرسی ارتش در تاریخ ۲۱ ۸۲۱ می نویسد البته نمی خواهم اصرار را در دیوارم چون جریانش مثل همه جریانهای مملکت ماست فعلاً جریان رسیدگی بر روی منتهی با ایجاد اختلاف در صلاحیت بین آقای بازرسی شعبه ۲ دادرسی تهران و شعبه ۴ بازرسی اداره دادرسی ارتش شده که پرونده ها

هیئتاً برای رفع اختلاف بدیوان کشور ارسال خواهد شد . پس از رفع اختلاف چنانچه دادگاههای نظامی صالح برای رسیدگی شناخته شدند با زیرس باخذ مدارک لازم از مراجع دیگر اقدامات قانونی و سریع نسبت بتمقیب متهمین بعمل خواهد آورد . البته وقتی هم که این نامه را ما شین می کردند ، این جریانش هم هفت ، هشت از این تیر و پونونها دارد « جریسان » حالا هم که دیوان کشور منحل شده بعد از تشکیل هم وقتی می آیند رسیدگی کنند يك جای دیگرش خراب می شود و بعد هم می افتد بجریان تاه ۱ سال دیگر طول میکشد این خلاصه ای بود از گزارش کمیته تحقیق اما راجع بسؤالانی که عرض کرده بودم ، دو سؤال کرده بودم یکی از جناب آقای وزیر دادگستری که در خصوص تعقیب مسئولین و مسببین فاجعه سیام تیرماه و تعقیب جنایتکاران چه اقدامی از طرف دادگستری بعمل آمده است یکی هم از وزارت دفاع ملی که بچه علت ستاد ارتش ، فرمانداری نظامی و دادرسی ارتش بیهانه فرمانداری نظامی و دادرسی ارتش بیهانه های مختلف از همکاری با کمیته تحقیق خودداری کرده اند ؟ این سؤالات بنده از چند لحاظ تقدیم شده ، یکی از لحاظ اینکه بعنوان يك فرد ایرانی بنده وظیفه خود میدانم که مسببین این فاجعه بمجازات برسند . یکی دیگر از لحاظ يك مسئولیتی که در مقابل مردم تهران پذیرفته و بی اندازه از این مسئولیت ناراحتی دارم با تقدیم معذرت از آقایان محترم ، از اینکه باعث خستگیشان می شوم مجبورم چند کلمه یاد آوری بکنم . در عصر سیام تیرماه ساعت ۸ بعد از ظهر بنده بعد از آنکه رفتم خدمت آقای دکتر مصدق و مراجعت کردم بحزب در آنجا يك عده خیلی زیادی جمع شده بودند و بطوریکه بعد گفتند علاوه ذر تمام خیابان اکباتان دو هزار جمعیت بود تا اوائل خیابان شاه آباد و تا حدود گل کاری میدان بهارستان جمعیت ایستاده بود این جمعیت بیشتر کسانی بودند که در این نهضت شرکت کرده بودند و فداکاری کرده بودند و قربانی داده بودند بنده برای آنها صحبت کردم البته يك جمعیتی بود بایک روحیه مخصوص در حال هیجان و اشتعال جمعیتی بود که هر عملی ممکن بود ازش سر بزند در صورتی که يك رهبری صحیح نداشته و بنده اطلاع داشتم که نقشه کمونیست های ایران این بود که این شب انقلاب بکنند و البته با استفاده از هیجان و احساسات يك جمعیتی که با دست خالی و شکم گرسنه رفته جلوی تانک و مسلسل و سرنیزه کاملاً این موضوع عملی بود میبایستی این جمعیت را بنده کاملاً آرام کنم این وظیفه را داشتم برای این جمعیت صحبت کردم تمهید کردم در مقابل جمعیت همانطوریکه يك بار دیگر هم در مجلس عرض کردم که چهار ماه برای دولت مملکت فائز شدیم که رسیدگی کنند بنایان را و محسبیتین را بمجازات برسانند و بگویم بعد از چهار ماه من در اختیار شما خواهم بود که اگر

گفت هنوز صبر می کنم بامید آنکه دولت يك کاری بکنند اگر برای ما جواب در جریان است بیاورند آنوقت من خواهم گفت و ثابت خواهم کرد که آن ماده واحده تعقیب قوام که در حقیقت می خواستند ناقض آن ماده واحده محکومیت قوام باشد و ما نگذاشتیم خواهم گفت که آن ماده واحده پاسو نیت تنظیم شده است حالا صبر می کنم تا تمام دلایل را جمع آوری کنم و تمام این در جریان است ما را بیایند اینجا بگویند من می خواهم بدانم این اشخاصی که روزی سیام تیرماه کشته شدند طبق کدام موازین قانونی کشته شدند طبق کدام ماده جریان طول کشید ما چندین دفعه از پستارستانهای ارتش راجع بکسانی که آنجا بستری بودند سؤال کردیم البته اصحاب ارتش بجای خودش مسئول است کاملاً هم محترم است بیا جواب دادند که ما حق مشکلی مستقیم نداریم و از طرف ستاد اما سکات کنید از طریق ستاد سکات کردیم که مستقیم مجروحین

دولت کاری ننکرده هر جور صلاح دانستید این مسببین را بمجازات برسانید البته در آن موقمی که این تمهید را میکردم هر فرضی را میکردم چون معلوم نبود فردا که ۳۱ تیر ماه بود چه اتفاق میافتد هریش بینی را بنده میکردم جز يك پیش بینی را پیش بینی اینکه دولتی که ماروی کار آوردیم دولتی که در اثر کشته شدن شهدای ۳۰ تیر روی کار آوردیم دولتی که در اثر کشته شدن شهدای ۳۰ تیر روی کار آمده است دولتی که مظهر نهضت ملی ایران است در تعقیب مسببین و مسئولین مسامحه کند بنده تمام پیش بینی ها را کردم پیش بینی اینکه حکیم الملک سرکار بیاید ساعد سرکار بیاید با آنها مبارزه کنیم تمام این پیش بینی ها را کرده بودم ولی با کمال تأسف هیچ پیش بینی نمی کردم که دولتی که که وزیرایش کسانی باشند که ما آنها را آوردیم سر کار دستگاهن آنقدر خراب باشد که برای ماهه اش در جریان است درست بکنند و متأسفانه تنها چیزی که پیش بینی نکرده بودم واقع شد بنده از وزارت دادگستری وزارت دفاع ملی جواب کلیات نمی خواهم که بگویند بله تعقیب مسببین جنایت ۳۰ تیرماه موردخواست همه است ما اقدام می کنیم اقدامات مهم بعمل می آید میخواهیم ببینیم چکار کرده در این مدت جز اینکه بعد از ۴ ماه می نویسند بین بازرسی شعبه ۲ و ۳ اختلاف نظر حاصل شده است این مسخره است آقا این اختلاف نظر رامی خواستند روز ۳۰ تیر حاصل بکنند و مردم رانکشند این مردم را کشته اند الان آنها يك عده شان نزدیک است از خانه هاشان اخراج بشوند برای اینکه کرایه خانه هاشان را نمی توانند بپردازند آقایان بنده نمی خواهم این جارو بنه بخوانم و بگویم چه وضعیت رقت باری ما هر روز در این کمیته تحقیق داریم خواهش می کنم این آقای عطاری چی که از کار متدان صدیق مجلس است از ابتدای تشکیل شدن کمیته تحقیق با کمال فداکاری صرف وقت کرده صبح و ظهر و شب آنجا زحمت کشیده و اغلب آقایان ایشان را میشناسند از او بپرسید آنجا چه میکنند این بچه های بیتم می آیند این خانواده هائی که نان کوزشان از بین رفته می آیند و ما جز اینکه خجالت بکشیم جز اینکه توی سر خودمان بزنیم بیا هم می جواب بدهند در جریان است چاره ای نداریم این مسخره است من حاضر نخواهم بود يك چنین جوابهایی بدهند بچه مناسبت ما که نوشتیم سر گردن صبری را بفرستید برای ادای توضیحات و نوشته ایم از تهران خارج نشوند بچه علت بیهانه اینکه آنرا بیا بیا رفته است مستند فلانی بیسیم با این مسئولین کشتار اهوال چکار کرده اند فلانانده اهوال الان چکاره است از دست رانکشند و در کوز کرد فلانانده نظامی اهوال الان توی مجلس است با فرموده در داد

چه کردید؟ اینها دارند راست راست می-
گویند و دائماً اینها را میفرستند باموریت
آقایك در دهانی ناگفتنی هست در این مملکت
و من حقیقتاً نمی دانم چه باید بکنم بنده
شخصاً از پشت این تریبون بملت ایران اعلام
میکنم که من الان وظیفه خود را نمی دانم
در این جا چند موضوع هست برای اینکه
دولتی که آرزوی همه ما بوده است و زحمت
کشیدیم آوردیم سر کار و این دولتی که
می بایستی انتظار تعقیب از او داشته باشیم
عمل نکرده می دانم نه جناب آقای کاظمی
نه جناب آقای دکتر مصدق و نه جناب آقای
وزیر دادگستری هیچکدام دستور عدم تعقیب
صادر نکردند یعنی نگفته اند آنها را تعقیب
نکنند ولی خیال کردند ملت ایران فاجعه
سی ام تیر را فراموش میکند بنده تا آنجا
که وظیفه داشتم چهار ماه از مردم تهران
مهلت خواستم برای اینکه دولت بتواند در
يك محیط آرام و بدون تشنج تعقیب بکند
ولی متأسفم از اینکه می بینم این چهار ماه
سیری شد و الان هم این گرفتاری برای
بنده هست که این دولتی که خودمان پشتیبانش
هستیم (نریمان - همان شهدا آوردنش)
شهدا آوردند ولی دولت آن شهدا فراموش
کرد باینجهت بنده سؤالات خود را تکرار
میکنم که در خصوص تعقیب مسئولین و مسببین
فاجعه سی ام تیر ماه و تعقیب جنایتکاران
چه اقدامی از طرف دادگستری بعمل آمده
است يك اقدام بنده می دانم بعمل آمده و
آن بود که قوام فراری بود قوام مثل هر
جنایتکار دیگری توی سوراخها مخفی می
شد غیر از دستگاه دولتی و يك عده دیگری
البته خیلی ها نمی دانستند قوام کجا است
در آن مدت دستگیرش نکردند بعد آمدند
کارهایی کردند البته پول هم خرج میشود
برای اینکه این روزنامه به رهومی راه نمی افتد
آمدند کم کم شروع کردند اخباری راجع
باینکه آقای قوام السلطنه حالش خراب
است آقای قوام السلطنه در جایی که مخفی
است نمی تواند اشخاص را بشناسد منتشر
کردند چند روز گذشت عکس او را چاپ
کردند که آقای قوام السلطنه میخواهد
بر گردد بخانه اش دیدند خبر نشد بعد ایشان
برگشتند بخانه شان ولی تمام اینها حقه بازی
بود بدلیل همان عکس هایی که در روزنامه ها
چاپ شده است در روزنامه های نویسنده که
سه روز است از شناسائی افتاده است عکسش
را که شب چاپ میکنند شما می بینید که
دپشش را همین امروز تراشیده آخر آدمی
که سه روز است آنقدر حالش بد است که
نمی تواند کسی را بشناسد ریشش را نمیتراشد
بعد متوجه این قضیه شدند و در عکس های
(خبریه ریش برای ایشان گذاشتند) خنده
نمایند گویا و بنده از این می ترسم که با همین
تعلیقات که ما پیش میخندیم فردا هم يك
اجازه ای از دولت بگیرند که آقای قوام -
السلطنه برای معالجه بروند یا رویا بدن نمی

دائم چه میشود آقایان برای اینکه آنچه
تا بحال از عمل دستگاه دولتی دیدم
اگر يك همچو چیزی
شود برای بنده تعجب آور نخواهد بود
راجع باجساد مفقودین در اینکه یکمده ای
کشته شده اند و اجساد آنها بدست قوای
انتظامی مخفی شده بنده هیچ تردیدی ندارم
(صحیح است) و تمام کسانی که در این رسیدگی
ها شریک بودند و این سه ماهه دادند اند
هیچ تردیدی ندارند و این دزدی نعلها
بوسیله قوای نظامی شده یا بوسیله قوای
شهربانی البته قوای حکومت قوام میبایستی
اینکار را بکنند ولی دولت آقای دکتر مصدق
چرا نعلها را پیدا نمیکند در هر صورت
من منتظر هستم ببینم که وزارت دادگستری
چه اقدامی کرده وزارت دفاع ملی بعنوان
مختلف چرا آنطوری که لازم است باما
همکاری کند نکرده چرا مسئولین این
پرونده ها را بامعرفی نکردند که ما بشناسیم
کبست و چرا این پرونده های تقلبی را برای
ما فرستاده است و بنده این مطلب را از این
لحاظ با فشاری میکنم که فردا دیوانه ای
کشور و دادگستری برای همین پرونده ها
حکم برات صادر خواهند کرد و آنوقت
خواهیم دید که روز ۳۰ تیر هیچ اتفاقی
نیفتاده ولی يك موضوعی را تذکر میدهم
مخصوصاً خدمت جناب آقای دکتر ملک
اسمعیلی این موضوع را تذکر میدهم که طبق
رأیی که مجلس شورای ملی ایران داده قیام
۳۰ تیر را قیام ملی شناخته و کسانی که
بر خلاف این قیام عمل کرده اند اینها محکوم
هستند و باینکه بگویند در جریان است
کار تمام نخواهد شد و این يك موضوعی نیست
که بنده و یکمده از کسانی که در این جریان
بودند و در این روزها فجایمی را که اتفاق
افتاد دیدند این جریان ها را فراموش نکنیم
البته فراموش نخواهیم کرد و اجازه نخواهیم
داد که پرونده های مربوط بآن کم کم برود
به بایگانی و مثل خیلی چیزها که بایگانی شده
مدتی دیگر فراموش شود (صحیح است -
احسنت)

۱۱ - بیانات آقای وکیل پور
طبق ماده ۹۰ و جواب
آقای وزیر دارائی
نایب رئیس - آقای وکیل پور طبق
ماده ۹۰ مطلبی دارید بفرمائید
وکیل پور - من خیلی بعید نمیدانم
يك وزیر در خانه ملت بفرستاده ملت توهین
کند برای اینکه اگر ما و کلائی بودیم که
از حقوق خود دفاع میکردیم و حقوق
خودمان را خوب اعمال میکردیم بکار این جا
نمی کشید که يك وزیر دارائی بگوید من
اهمیت نمیدهم که وکیل قانع باشد یا نباشد
اگر آن روزی که جناب عالی در پشت وزارت
امور خارجه چهل نفر از متقاعدین را که جمعی از
آنها از خویشان خودتان بودند بخدمت دعوت

کردید و بهیست هائی فرستادید آنروز بشما
اعتراض میکردند یعنی همان کسیکه میگویید
صد هزار نفر مستخدم دولت در دستگاه دولت زیادی
است بشما آنروز اعتراض میکردند امروز
دیگر نمی گفتید وکیل راضی باشد یا نباشد
اهمیت ندارد اگر بشما اعتراض میکردند
که چرا در ظرف یکسال و نیم عزالدین
کاظمی فرزند عزیز خودتان را در چند مسیون
خارجی فرستادید و روزی ۳۰ دلار باو دادید
آنوقت شما این حرف را نمیزدید شمار
این مسیون جامعه ملل باز آقای عزالدین
کاظمی را ماموریت دادید و حتی شنیدم برای
اینکه ایشان را ماموریت بدهند آنقدر
بودجه اینکار را نگاه داشتید تا انتظام قانع
شد (کاظمی - دزوغ است آقای دروغ است)
بالاخره رفته است و جزو این مسیون است
من میخواهم عرض کنم اگر شما آن روزی
که بدون اطلاع بدون اینکه درست بارقام
کارمندان دولت توجه کنید میگفتید صد
هزار نفر کارمند زیادی است و آنروز
میدانستید عمل شما نتیجه اش این است که
مستخدمین دولت نگران و مضطرب و نومید
باشوند آنروز بشما این اعتراض را میکردند
امروز نمی آمدید بگویند که وکیل قانع
بشود یا نشود اهمیت ندارد آقای کاظمی
من سؤال دیگری دارم آن روزی که شما
وزیر مختار سوئد بودید بابت گردش هائی
که در ایسلند و ممالک اسکاندیناوی و نروژ
و فنلاند و غیره کردید و جوی ثابت مطالبات
واهی دریافت کرده اید و اسنادش در روزنامه
ها منتشر شد و من اینرا از وزارت خارجه
سؤال کردم که روی چه مجوزی این را بشما
دادند من میخواهم عرض کنم اگر برای يك
وکیل برای يك فرستاده ملت که
این صندلی ها را اشغال کرده قدر و قیمت
قابل نیستید تقصیر شما نیست تقصیر وکیل است
که يك وزیر بیاید پشت تریبون
مجلس و زبیری که در حکومت لاهو کراسی
و مطابق روح دموکراسی مغلوب این مجلس
است بگوید آقای من بحرف نماینده اهمیت
نمیدهم (کاظمی - من همچو حرف نزدم همچو
عرضی نکردم سوئد تفاهم شده)

نایب رئیس - اگر همچو حرفی می
زدند بنده خودم تذکر میدادم بایشان
وکیل پور - این حرفی است که در
حضور تمام مردم گفته (ناظر زاده - آقای وکیل
پور کسی این حرف را نمی تواند بزند)
(کریمی - اگر من شنیده بودم اعتراض
شدید میکردم) پس باید بیایند پشت این
تریبون رسماً بگویند همچو حرفی زده اند
این هم سؤالی است از وزارت امور خارجه که تقدیم
مقام ریاست میکنم
نایب رئیس - آقای وزیر دارائی
وزیر دارائی - بنده خیلی متأسفم
که آقای وکیل پور يك رشته مسائلی راجع
بنده اینجا اظهار داشتند که تمامش برخلاف
واقع بود (وکیل پور - همه اش درست است)

و هیچکدام اینها را نمی توانم اینجا جواب
بدهم چون نه مطروح است و نه سؤالی بوده است
که جواب بدهم نه موضوعی هست که جواب
بدهم تمام آنچه ایشان گفتند برخلاف واقع
است بنده نه گردش کردم که در مقابلش
پولی بگیرم و نه اعمال نفوذی کرده ام که
پسر مرا بکاری بگذارم اگر پسر من يك
عضو وزارت خارجه است گناه او نیست که
پسر من است (پارسا - بسیار عضو خوبی است)
خود وزارت خارجه که عده ای را باموریت
فرستاده او را هم فرستاده است راجع بگردش
که فرمودند من مأمور دولت بودم در چندین
مملکت مرکز کار من در استکهلم بوده
البته برای انجام کارهای مأموریتم مسافرت
میکردم بممالک دیگر انتظار داشتید که خرج
مسافرت را دولت ندهد بنده برای گردش
بایسلاند نفتم رفتم که روابط سیاسی ایران
را برقرار کنم از این بیانات ایشان خیلی
متأسفم علاوه ایشان توهین بنده کردند
که من می خواستم آنوقت تذکر بدهم
یکی اینکه گفتند وزارت دارائی برای ایجاد
تشنج اینکارها را کرده این توهین بیست
يك وزیر؟ این توهین نیست بيك وزارت
خانه ای که توهین کنند و بگویند برای
اینکه بمحتکرین فایده برسانند اینکار را
کندند؟ نسبت بشخص بنده توهین نیست
که آقایان می دانند که چگونه کار می
کنم و چه رویه ای دارم؟ بنده نگفتم اهمیت
نمیدهم و بنده همچو حرف نزدم

۱۲) جواب آقای معاون
وزارت دادگستری بسؤالات
آقای دکتر بقائی
نایب رئیس - آقای معاون وزارت
دادگستری
معاون وزارت دادگستری -
عرض میشود بنده متوجه بودم که قبل از
طرح سؤالات آقای دکتر بقائی نباید
جواب بدهم بنده توجه دارم آقایان هم توجه
دازند گویا آقایان تصور فرمودند که
بنده می خواهم قبل از اینکه سؤال مطرح
بشود جواب عرض کنم ولی چون جناب
آقای نادعلی کریمی راجع بوقایع
کرمانشاه و وقایع ۳۰ تیر سؤالی فرموده
بودند بنده خواستم توجه بدهم آقایان را
که سؤالی راجع باین موضوع مطرح است
(احسنت) یکی مربوط بوزارت دفاع ملی
است که بجهت همکاری نکردن انجمن کبک متعین
سؤال دوم راجع باین است
که وزارت دادگستری راجع بتعقیب
مسببین واقعه سی ام تیر باحال چه اقدامی
کرده است سؤال سوم اینکه راجع به
واقعه ۳۰ تیر کرمانشاه چه اقدامی شده
بنده خواستم عرض کنم اگر آقایان اجازه
بفرمایند هر ۳ را بنده در یکتیرت جواب
عرض کنم از طرف وزارت دفاع ملی که
اجازه فرمودند (صحیح است) راجع به
آقای کریمی اظهار تامل کردند که

خود جناب آقای معاون وزارت دفاع ملی
 و اجماع بکرم پادشاه این جواب را بدهند
 اینکه بنده مقدمه شروع کردم راجع باین
 دو سوالی مرضی بکنم نخواستم جواب آن
 دو سوال را قبل از طرح سوال جناب آقای
 دکتر بقائی اظهار کنم خواستم بطور
 مقدمه عرض کنم که اینها همه بهم ارتباط
 دارد و مقدمه مریضی هم کرده باشم تا
 بکرم پادشاه برسیم حالا هم اشکالی ندارد
 هر طور آقایان بفرمایند فقط نخواستم دو
 مرتبه وقت آقایان را بگیرم متأسفانه مقدماتی
 که بنده چیده بودم هدر رفت (شمس قنات
 آبادی - نه هدر رفت از بعد از مقدمه بفرمائید)
 بنده اینجا حضور آقایان نمایندگان محترم
 عرض کردم که دولت فعلی منتخب خود مردم
 هست و هر کس در هر مقامی هست چه در
 وزارت دفاع ملی و چه در دادگستری علاوه
 بر هر چیز بکفر ایرانی است که مثل
 همه افراد مردم می خواهد بداند که کی
 واقعه سی تیر را در این مملکت بوجود آورد
 و بر مردمی که داد می کردند بامرک
 یا مصدق خون آنها ریخته شد بنده این مقدمه
 را عرض کردم عرض هم کردم که مجازات
 مسببین واقعه ۳۰ تیر را فقط یک دسته نمی
 خواهند بلکه مردم و آقایان نمایندگان
 و دولت همه می خواهند که واقعه ۳۰ تیر
 کشف بشود و به بینند واقعا کی این بساط
 راه انداخت اما تصدیق میفرمائید که یک
 واقعه ای که نظیرش در ایران نبوده کشف
 مسببین آن هم آسان نیست آقایان توجه
 دارید که از دجاجم و اختلاف عقاید و ریختن
 مردم بهم و گشته شدن یکمده و زخمی شدن
 مثل یک واقعه کوچک که یک کفر دیگری را
 زخمی بکند کشفش آسان نیست بنده
 عرض کردم که پرونده های ۳۰ تیر هم در
 اختیار دادگستری است و از وزارت دفاع
 ملی در اثر آرائی که از دیوان کشور صادر
 شده تمام آنها را فرستاده اند بوزارت دادگستری
 و در وزارت دفاع ملی الان پرونده ای موجود
 نیست بهمین جهت بنده از آقایان خواهش
 کردم اگر اجازه بدهند آنچه را که وزارت
 دفاع ملی کرده که ضمناً جواب سوال آقای
 دکتر بقائی است عرض کردم باشم که بطور
 آقایان گزارش داده اند و همکاری خودشان
 را اظهار کرده اند بطوریکه گزارش کرده اند
 بعد از واقعه سی ام تیر ۱۳۳۱ اساسی تشکیل
 پرونده واقعه سی ام تیر در دادسرای نظامی که
 الان وجود ندارد بوده است یک نامه از دست
 بشماره ۲۲۰ از کمیته تحقیق دیوان داد
 سرای نظامی (دکتر بقائی در مقدمه میخوانم
 یک کلمه سوال ندارم این دیوان کشور
 کی تشکیل شد و دوباره تشکیل شد خواهند
 گفت که مربوط بدیوان کشور سابق بوده
 است) اجازه بفرمائید بنده هنوز اینهم تمام
 نشده است ضمناً اشاره کرده ام که گزارشات
 و اعلام جرمهای را که کمیته تحقیق راجع
 در کمی از سال گذشته بدادسرای نظامی

آنها هم بموجب مدارکی که در پرونده است
 بیازیرس ارجاع کردند در آن دادسرای
 نظامی سابق که رسیدگی کردند بعد از
 آنکه فرمانداری نظامی سابق منحل شد
 و دیگر فرمانداری نظامی وجود نداشت
 بموجب قانون حکومت نظامی باید فوراً
 پرونده ها برود بدادگستری چون دیگر
 دادسرای نظامی وجود نداشت اما بموجب
 موادی که در قانون اصول محاکمات جزا
 هست وقتی که اداره دادرسی ارتش ایراد
 کرد که چون جرم از طرف نظامی هاست
 ما صالحیم پرونده را عوض فرستادن بداد-
 گستری به دادرسی ارتش یعنی محاکم
 ثابت نظامی فرستادند قبل از رسیدن پرونده
 بدادرسی ارتش ضمن نامه ۱۲۴۹ بکمیته
 تحقیق و هم چنین طی شماره ۱۲۵۲ بهیشت
 بازرسی که وزارت دادگستری تعیین کرده
 بود برای اینکار شرحی نوشته شد و
 بجناب آقای دکتر بقائی که ریاست کمیته تحقیق
 را دارند نامه ای نوشته شد که اگر اجازه
 بفرمائید بنده قرائت میکنم نوشته شده است
 « عطف بنامه شماره ۲۲۰ صادره
 بفرمانداری سابق نظامی تهران اشعار میدارد
 نظر باینکه باتوجه مواد ۱۹۱ و ۱۹۷ قانون
 دادرسی ارتش (که متأسفانه قانون است و
 ما مجبوریم اجرا کنیم) و رعایت ماده ۱۱۷
 آئین دادرسی پرونده مربوط بواقعه ۳۰
 تیر پس از اعلان حکومت نظامی بدادستانی
 ارتش احاله و جهت رسیدگی بشعبه ۳
 بازرسی اداره دادرسی ارجاع گردیده
 متمنی است از مدارکی که جهت تعقیب
 متخلفین در آن کمیته وجود دارد اصل یا
 رونوشت ارسال فرمائید که اقدام قانونی
 بعمل آید ضمناً منظور تسریع در امر رسیدگی
 مقرر فرمائید شاکیان و مطلعین و شهودی که
 بآن کمیته مراجعه میکنند بشعبه ۳ بازرسی
 اداره دادرسی ارتش نیز هدایت شوند «
 (نریمان - و پوستشاج را بکنند) یعنی علاوه
 بر اینکه آنها از شان تحقیقاتی شده بموجب
 وظیفه بازرسی ارتش هم از آنها سؤالات
 بکنند و چنانچه آن کمیته هم احتیاجی بمدارک
 و سوابق موجود در دادستانی ارتش داشته
 باشند اعلام فرمایند تا تشریک مساعی لازم
 بعمل آید این نامه ای است که تحت شماره
 ۲۲۰ جناب آقای دکتر بقائی رئیس
 کمیته تحقیق از دادستانی ارتش نوشته شده
 (نریمان - همان دادستانی که عقیده دارد
 کم آدم گشته شده) حالا اجازه بفرمائید
 من عرض کنم تمام بشود از تاریخ صدور این
 نامه کمیته تحقیق پاسخی نداده فقط طی
 نامه شماره ۴۷۸ که در تاریخ ۱۴-۶-۳۱
 صادر شده اعاده اوراق از سالی بفرمانداری
 نظامی را که بنده قبلاً توضیح دادم طی
 شماره ۱۴۹۰ خواسته اند و آنجا بر گردانده اند
 بکمیته تحقیق از طرف کمیته تحقیق ضمناً
 تقاضا شده بود که به لشکر ۱ و تیب کرم پادشاه
 و نیروی دریایی جنوب و فرمانداری نظامی

آبادان دستور دهند که مدارک موجود مورد
 احتیاج کمیته های تحقیق را یعنی در آبادان
 و کرم پادشاه و جنوب در اختیار کمیته تحقیق
 محلی بگذارند آن ها تلگراف کردند بشماره
 ۱۶۴۲ و ۱۶۴۰ و ۱۶۴۱ سه تلگراف
 کرده اند دستور داده اند و گفته اند بکمیته
 های تحقیق که شما چه کسی را معرفی
 میکنید بعد هم نامه ای نوشته اند برای کمیته
 تحقیق تهران که آقا اشخاصی خودشان
 را اعضاء کمیته تحقیق محلی معرفی میکنند
 خواهش میکنیم این اشخاص را بوزارت
 دفاع ملی معرفی کنید که بآنها بگوئیم
 اشخاص صلاحیتدار کی ها هستند و اگر
 کسانی بیجهت مراجعه میکنند بآن ها
 گوش ندهیم وزارت دفاع ملی بطوریکه
 گزارش داده از انجام تقاضاها و تشریک
 مساعی خود داری نکرده و مخصوصاً
 دادستان ارتش صریحاً تقاضا کرده که
 مدارک و سندی که مورد احتیاج کمیته تحقیق
 است از دادستان ارتش بخواهد (در این
 موقع مجلس از اکثریت افتاد و پس از
 چند لحظه مجدداً اکثریت حاصل شد)
 عرض کردم که از دادستانی ارتش تقاضا
 شده که هر مدارک و سابقه ای که مورد
 احتیاج کمیته است بخواهد واقعا مثل این
 که دادستانی ارتش همکاری را باینجا
 رسانیده و نامه ای نوشته که در تحت شماره
 ۶۰۱ یک نفر نماینده از کمیته تحقیق بشعبه ۳
 بازرسی ارتش اعزام دارید تا با کمک رئیس
 آن شعبه با هم تشریک مساعی کنند یعنی این
 نماینده رابط باشد بین کمیته تحقیق و
 دادستانی ارتش که مدارک را با کمک هم
 پیدا کنند ولی هیچگونه اقدامی از طرف
 کمیته تحقیق راجع با اعزام نماینده بعمل
 نیامده و نماینده ای نفرستاده اند بنا بر این
 بطوری که توجه دارید بنده خیال میکنم
 تا آنجائی که برای دادستانی ارتش مقدور
 بوده اقدام کرده منتهی چون در این جریانات
 همانطوریکه توجه فرمودید از نظر عدم
 صلاحیت بنده هم با جنابعالی هم مردم پرونده
 ها تشریفاتش طول کشیده که آیا در صلاحیت
 دادرسی ارتش است یا در صلاحیت عدلیه
 بالاخره پرونده ها را فرستاده اند بوزارت
 دادگستری که برود بدیوان کشور یعنی
 در خلال این احوال نظامی ها گفته اند ما
 صالحیم باز پرس عدلیه گفته خیر من صالحم
 و بموجب قانون چاره ای ما نداریم نمی
 توانند که با هم دعوا کنند نمی توانند که
 یکدیگر را بکشند قانون این ترتیب را
 معین کرده که اگر دو مقام قضائی مختلف
 با هم راجع بصلاحیت اختلاف پیدا کردند
 دیوان کشور که مرجع بالاست باید رسیدگی
 کند و بگوید که کدام صالح هستند (نریمان -
 از اختیارات استفاده کنید) اما اقداماتی که
 پس از رسیدن پرونده ها بوزارت داد-
 گستری شده اول تهران را بنده عرض می
 کنم راجع تهران بعد از واقعه ۳۰ تیر و

تشکیل دولت جبهه ملی در تاریخ ۳۱-۷-۹
 تحت شماره ۳۱۸۵ بدادستان وقت تهران
 نمایندگی بازرسی کل کشور اعطا میشود و
 دادستان علاوه بر مقام دادستانی که وظیفه
 داشته تعقیب کند بهش نمایندگی بازرسی کل
 کشور را میدهند که هر جا بخواهد تحقیق کند
 دو نفر از بازرسی های دادسرا هم مأمور می شوند
 که بروند تحقیقات کنند یکی از بازرسی ها را
 می فرستند برای مطالعه و جمع آوری مدارک
 در ارتش و دیگری را مأمور مطالعه و جمع
 آوری مدارک می کنند در شهر بانی و پس
 از تحقیق از همه مطلعین ، افسران فرمانداری
 نظامی ، رئیس کل شهر بانی و تهیه صورت
 تمام مقتولین و مجروحین و تهیه صورت تمام
 افسران و مأمورین زو زواقیه و گزارش واقعه
 و تمام مدارکی که توانسته اند بدست بیاورند
 البته نه خارج از قدرت بشری بلکه هر قدر
 که یک بازرسی می تواند انجام بدهد یک
 بازرسی عادی تمام اینها را جمع آوری کرده
 و داده اند بوزارت دادگستری برای
 تعقیب مسببین واقعه سی ام تیر و ما هم اینها
 را بناچار فرستادیم بدادسرای تهران که
 تعقیب کند شعبه ۲۵ بازرسی مأمور تعقیب
 شد و تمام مدارک موجود را که بر علیه
 افسران بود البته افسران مأمور روز ۳۰ تیر
 و همینطور مدارکی که بر علیه سرهنگ
 قربانی و ستوان فاطمی که الان بازداشتند
 تمام اینها را جمع آوری کرده و از بازرسی
 ارتش هم اسناد خواسته شد باز بررسی ارتش
 هم در آن موقع با جواب داد که برای تعقیب
 این افراد ما صالحیم شما مربوط نیست پس
 از مکاتباتی که بین هر دو شده بود باز پرس
 بما نوشت که خیر من صالحم و قرازم ضار
 کرد و اختلاف شد یعنی هر دو مخالفت
 کردند باز پرس طهران گفت نخیر من
 صالحم هر دو خودشان را صالح دانستند
 واقعه هم یک واقعه ای است عادی
 نیست و فوری نمیتوان تصمیم گرفت از
 هر قاضی دادگستری هم که بپرسد که
 آقا در صلاحیت کدام است میگوید بگذارید
 من مطالعه کنم ببینم که واقعا این در صلاحیت
 ارتش است یا دادگستری برای حل اختلاف
 ما فرستادیم بدیوان کشور و در شعبه ۸
 دیوان کشور مطرح شد خود جنابعالی هم
 توجه فرمودید که دیوان کشور هم منحل
 شد حالا هم دیوان کشور آمد یک رئیس
 شعبه تازه ای تعیین کرد اولین چیزی که من
 با ایشان گفتم این بود که آقا خواهش می-
 کنم که راجع باین حل اختلاف اول این
 پرونده را شروع کنید دیروز حتی بمن
 اطلاع دادند که پرونده را داریم میخواهیم
 و پرونده هم بطور است و یک وقت دو دو وقت
 نیست (دکتر بقائی - بنده چهار سال بطور
 متکشد) بنده بشما قول میدهم که هیچ طول
 نخواهد کشید باز بررسی تهران وظیفه اش
 الان نیست هیچ وظیفه ای ندارد باز پرس
 دادسرای نظامی در زمینه این نیست هیچ

وظیفه ای ندارد چرا؟ برای اینکه هیچکدام
 میدانند که صالح است یا صالح نیست
 (خلغالی - بالاخره معلوم خواهد شد که
 در صلاحیت ملت است) تقصیری متوجه
 هیچکدامشان نیست برای اینکه دیوان
 کشور باید بگوید که کدامشان صلاحیت
 دارند باز پرس ما معهدا ساکت نیست من
 باو گفتم فرض کنیم که دیوان کشور گفت
 تو صالح نیستی تو از نظر وظیفه انسانی
 و یک فرد ایرانی مدارک را جمع کن اگر
 گفتند دادرسی نظامی صالح است اینها
 را بفرستیم آنجا اگر گفتند دادرسی
 نه ان صالح است که یک کاری جلو
 انداخته ای همین کار را کرده متأسفانه یک
 مانعی پیش میآید اینجا که بنده نمیتوانم
 نام جزئیات را در حضور آقایان عرض
 کنم و آن ماده ۱۴۴ آیین دادرسی
 کبفری است که منع میکند مستنطق را
 با اصطلاح امروزه باز پرس را که جریان
 تحقیقات را علنی کند میگوید «استنطاق
 در هر موقع غیر علنی است» بنده اگر علنی
 کنم بلافاصله محکمه انتظامی بنده را معلق
 میکند میگوید آقا مگر ماده ۱۴۴ را
 نخوانده بودی و صلاحیت قضاوت نداری
 برای چه؟ استنطاق و باز پرسی بمنظور
 کشف متهمین است و بیم تبانی اگر برود
 نباید مطالب را گفت که اشخاص بروند و
 اثرات جرم را معو کنند بهم بگویند آقا
 فرار کن مرا گرفته اند فردا تو را هم خواهند
 گرفت ما نمی توانیم این مسائل را در مقابل
 مجلس افشاء کنیم و در روزنامه ها بنویسیم و مردم
 و تمام جنایتکاران با افشاء یک مطالبی که
 مخصوص تعقیب متهمی است فرار کنند نفس
 فرض میشود (ناظر زاده - حالا هم یک
 کمی متوجه شدند) چه چیز را متوجه
 شدند (دکتر بقائی - حالا بنده هم قابل
 تعقیب هستم چون میگویم صبر می رانند
 آذربایجان) خبر منظوری این نبود منظوری
 دلایل و عملیاتی بود که دادگستری برای
 تعقیب متهمین که شناخته نشده اند در دست
 دارد صبر می رانند و قربانی و فاطمی شناخته
 شده اند تحت تعقیب هم هستند دلایل را هم
 همه کس میداند منظور بنده متهمی بود که
 هنوز مادستگیر نکرده ایم دو تا دلیل داریم
 ولی کافی نیست یک دلیل دیگر را پیش می
 آوریم ده دفعه میرویم بیست دفعه میرویم
 پیدا نمیکنیم نمیتوانیم بگویم ما سه تا دلیل
 داریم برای حسن و میخواستیم دستگیرش
 کنیم تا گفتیم خود فرار میکنند مغبوبی
 شود لکن اینک یکی از باز پرس ها قدری
 برای احتیاطی میکنند بگویند آقا
 ملائکتس هم مثل اینک آنروز با وجود
 اگر چه در نبود او اقرار هم نمود ولی همین
 تطویل باز پرس با اقرار میشود که باز پرس
 اصل بگوید با اقرار اینها هر دو هم باز پرس
 بود و تو اگر نمیتوانی فرار کن با این واقعا

بی احتیاطی است چه بی احتیاطی از این
 بالاتر که بنده بیایم اینجا تمام جریانات را
 بگویم که ما ۱۵۳ دلیل بر علیه ۲۷۲ نفر
 پیدا کرده ایم آنها در میروند نه اینکه ما
 دلایلی جمع آوری نکرده ایم ولی آنچه
 که الان بیان است بنده عرض میکنم ولی
 باقی را بنده نمیتوانم اینجا عرض کنم
 قانون مرا منع کرده و من هم بخودم
 اجازه نمیدهم که در یک واقعه ای مثل
 واقعه سی تیر که عرض کردم مردم نمایندگان
 دولت چه در موقع تصدی و بموجب وظیفه
 چه از نظر یک فرد ایرانی وقتی بخانه شان
 میروند میخواهند بفهمند کی اینکارها را
 کرده من نمیتوانم اینجا بگویم که آنها
 فرار کنند و نقض فرض بشود و ما نمیتوانیم
 هیچکس را تا در مرحله باز پرس است دستگیر
 کنیم البته بعد از اینکه دلایل جمع آوری
 شد بمحکمه آمد علی الاصول محکمه علنی
 است و تمام مردم میتوانند در محکمه حاضر
 شوند مسبین را هم دستگیر میکنند البته
 بنده تصدیق میکنم جناب آقای دکتر بقائی
 این جریان طول کشیده اما چرا طول
 کشید برای اینکه رفت بدیوان کشور
 دیوان کشور هم باید صلاحیت را تشخیص
 بدهد وقتی تشخیص داد البته ما دو مرتبه
 دنبال کارمان را می گیریم ولی ساکت
 نشستیم الان هم دلایل را داریم جمع آوری
 میکنیم آقا یک چیزی پیش آمد و آن
 اینست که باز پرس در این اثناء شرحی به
 شماره ۱۰۶۷ بکمیته تحقیق نوشت و تقاضا
 کرد که اگر سوابق و مدرکی در کمیته
 تحقیق موجود است برای تشکیل دلایل و
 مدارک بفرستید کمیته تحقیق به تصور اینکه
 تا بحال اصلا کاری در دادگستری نشده
 نامه ای نوشت و اظهار تأسف کرد این که
 چرا شامتا بحال دوسه تشکیل ندادید در اج
 باین کار و حال آنکه باز پرس منظورش
 این نبود منظور باز پرس این بود که من
 وظیفه ام این است از هر جا و هر مقام هر اداره
 و هر محلی که گمان ببرم دلایلی است
 باید بموجب قانون و وظیفه ام بروم و تحقیق
 کنم و این نامه را نوشت آقایان خیال کردند
 که واقعا اصلا بیرونده ای نیست اظهار تأسف
 کردند حتی خیلی شدید آن نامه هم خیلی
 شدید است و نوشتش هم اینجا هست و
 باز پرس آمد و گفت خوب من آقا چکنم
 گفتم هیچ آنها خیال کرده اند که شما
 هیچ کاری نکرده اید و اگر دوری نکرده
 بودید باید توضیح می شدید و ملامت می شدید
 ولی آنها که اطلاع نداشتند که شما برای
 تکمیل آن دلایل را خواسته اید بنده پیشال
 میکنم که هیچ قصوری از طرف وزارت داد
 گستری نیست تعقیب و قیام طهران نشده
 چرا و شما را اینکه در قانون هیچ گفته نشده
 کسانی که تحت تعقیب هستند باید توقیف بشوند
 که خیلی قانون نوشته شده که متهم باید توقیف

باشد مافی گوئیم متهم نمیگوئیم مجرم اکثر
 ثابت شد که این آدم اینکار را کرد بموجب
 حکم محکمه بزرگان خواهد رفت متهم را
 فقط فقط باز پرس حق دارد که از آن تأمین
 بخواهد (شمس قنات آبادی - پس در زندان
 را باز کنید خیلی اشخاص هستند بصرف
 اتهام در زندان هستند بروند بیرون) همین
 کار هم کردیم ما ۳۵ نفر کسانی که بواسطه
 ندادن تأمین در زندان بودند ما دیروز آنها
 را مرخص کردیم اسمیشان هم هست (قنات
 آبادی - ۳۵ نفر دیگر هم هست) تأمین
 یعنی اطمینانی که دادگستری باید داشته باشد
 که هر وقت این اشخاص را خواست بیایند
 بدادگستری مانعی نمیتوانیم اشخاصی را
 قبل از اینکه محکمه بگوید توقیف کنیم آزادی
 رانی شود از کسی سلب کرد خدانکنند که
 اختیار بدهید باز پرس که تا هر کس گفت
 سی تومان این آقا از جیب من در آورده بکنندش
 بزرگان (دکتر بقائی - قانون امنیت اجتماعی
 همین است) اگر ما بعضیها را توقیف میکنیم
 آقایان متوجه باشند برای این است که تأمین نمی
 توانند بدهند یا خانه ندارند محل معینی ندارند
 و اطمینان نداریم که این آدم در مخفی که
 احضارش میکنیم بیاید از این جهت تأمین سنگین
 میگیریم و یا همانطور که انتظار جناب آقای
 دکتر بقائی است اگر یکجانی بالفطره
 است و واقعا آدم کشتی هست نباید آزاد باشد
 او را توقیف میکنیم ملاسرهنگ نادریان رئیس
 دژبان اصفهان که بنده خودم هم رفتم اصفهان
 وقایع اصفهان پس از اعلام جرم بداد سرای
 آنجا فرستادن آن شعبه باز پرس اول کاری که
 باز پرس کرد قرار بازداشت سرهنگ نادریان
 فرمانده دژبان اصفهان را صادر کرد چرا؟
 برای اینکه سرهنگ نادریان را شهادت دادند
 که شخصاً دیده اند آدم کشته اما اگر ۳۵ نفر
 ریختند سر یک نفر و آن مرد مرد این را ما اتهام
 قتل در اصطلاح قانون میگوئیم منازعه منجر
 بقتل میگوئیم مانعی نمیتوانیم اینها همه شان را باز
 داشت کنیم چرا یک وقت می توانیم بازداشت
 کنیم اگر لامکان باشند و اطمینان نداشته
 باشیم که آنها بیایند البته بازداشت خواهیم
 کرد ولی در مورد قتل باز پرس از نظر اهمیت
 جرم متهم را توقیف میکند همانکاری که
 باز پرس شعبه ۱۱ اصفهان کرد و سرهنگ
 نادریان را توقیف کرد ولی اینان از این
 نشد که فقط باز پرس شعبه ۱۰ اصفهان گفتا
 کند سرهنگ نادریان بیست نفر دیگر از ایشان
 تأمین گرفتند تأمینهای بسیار سنگین و الان
 هم تحت تعقیبند بدون اجازه مستنطق حق خروج
 از حوزه قضایی ندارند اگر بروند آنها را
 توقیف خواهند کرد معلوم که نادریان را
 دستگیر کردند تا وقت هیئت باز پرس که از
 طرف وزارت خانه های دادگستری و کشور
 و دفاع ملی برای واقعه اصفهان رفتند به
 اصفهان در ذیل گزارش خودشان اینطور
 مصلحت دیدند یعنی آن ۳۵ نفر را که از
 وزارت خانه وقت نوشتند اصطلاح می دانیم

که رسیدگی این پرونده اصفهان بیاید بتهران
 یعنی احاله بشود بطهران باز متأسفانه جناب
 آقای دکتر بقائی خواهند فرمود که باز تشریفات
 رای احاله بموجب قانون یعنی قانون آیین
 دادرسی کبفری هر وقت شما بخواهید دوسه ای
 را که محل وقوع جرم است محل دیکتری
 بشوید باید احاله کنند احاله با کیست؟ با
 دیوان کشور دوسه رفت بدیوان کشور که
 اجازه بدهند وقایع سی ام تیر اصفهان بیاید
 بطهران رسیدگی شود این اجازه را هم
 دادند و بنا بر این دوسه ای که مربوط به وقایع
 سی ام تیر اصفهان است احاله شد بطهران
 آنرا هم دادیم شعبه ۵ یعنی آن وقایع
 سی ام تیر اصفهان بموجب رای احاله دیوان
 کشور در طهران رسیدگی میشود حالا وقایع
 سی ام تیر اصفهان هم بهمین جا خاتمه پیدا
 نکرده است بین باز پرس آنجا و باز پرس
 نظامی همانطور که عرض کردم که این
 فکرازه ما ایجاد شد اختلاف در صلاحیت
 شد برای تشخیص صلاحیت باز رفته است
 بدیوان کشور که آقا باز پرس ارتش در تهران
 صلاحیت رسیدگی دارد یا باز پرس داد
 سرای تهران دو تا پرونده در دو تا شعبه
 دیوان کشور که باید بگویند که باز پرس
 صلاحیت دارد و ضمناً بطور توضیح اضافه
 میکنم که از رئیس شهربانی تحقیقاتی شد
 مدتی در زندان بود و طبیب قانونی نوشت
 این دارد میمیرد ازش تأمین سخت گرفتند که
 برود خودش را معالجه کند و بر گردن زندان
 افسران دیگر را هم تمام تحت تعقیب فرار
 داده اند همانطور که خدمتتان عرض کردم
 و باز هم تعجب کردید و میسخره گرفتید متهم
 است امانه بقتل غرض کردم سرهنگ نادریان
 را کسی نمیتواند آزاد بکند چون متهم
 بقتل است و دیده اند که آدم کشته ولی
 دیگران را گفته اند تحریک کرده اند و اذار
 کرده اند و تحریک کرده اند دستور داده اند
 (دکتر بقائی - اهوازا چکار کردید؟)
 اجازه بفرمائید اگر جناب عالی صبر و حوصله
 داشته باشید و بنده اجازه بدهد بنده تا
 باهوازا برای شما عرض خواهم کرد
 اینکه بنده عجله کردم در اول وقت نامه ای
 هم خدمت مقام ریاست عرض کردم که بنده
 کار دارم اگر اجازه بفرمائید که اول سؤال
 زاجع باین موضوع مطرح شود وقتی ایشان
 به بنده اجازه دادند بنده میخواستیم مقدمات
 طهران و اصفهان را عرض کنم که رابطه
 کامل با کرمانشاه دارد یعنی تمام این مقدمات
 برای این بود که بنده عرض کنم که کرمانشاه
 هم گرفتار همین سرنوشت شده یعنی چه؟
 یعنی پس از اعلام جرم بداد سرای محل و
 از جاج شبیه ۴۰۰۰ نفر باز پرس فرمانده دژبان و
 چند نفر از افسران ایشان بازداشت شدند که الان
 هم چند افسر و یک درجه دار در توقیف هستند
 و آنهم برای همان است که عرض کردم
 اتهام اینها گرفتار است و گرفتار شما

مردم یک شده اند باز پرس می کردند که اینها
 گروه که من صالحم و باز پرس اشکر اینجا
 گفت خیر من صالحم مجبور بودم دوسه را
 هم بفروشم بدیوان کشور برای حل اختلاف
 ممکن است که آقا بفروشد خوب دیوان
 کشور یکی از آنها را که میگفت از موارد
 دیگر هم همانطور عمل میکردند متأسفانه
 قانون این را هم اجازه نمیدهد در هر مورد
 که اختلاف شد باید دیوان کشور اظهار
 نظر بکند چون ممکن است واقعه کرمانشاه
 یک خصوصیتی داشته باشد که واقعه اصفهان
 این خصوصیت را نداشته باشد و در صلاحیت
 ارتش باشد ولی ایندفعه دیوان کشور هم باید
 یعنی پرونده اختلاف در صلاحیت بین
 باز پرس کرمانشاه و باز پرس نظامی کرمانشاه
 حل شود عقیده داده اند باینکه رسیدگی در صلاحیت
 دادگستری است حالا که در صلاحیت داده
 گستری کرمانشاه شد یک موضوع تازه
 پیش میاید که باید آنهم مثل سایر دوسه ها
 احاله بشود بطهران و احاله طهران هم همان
 طور که حضور جناب عالی عرض کردم اجازه
 میخواهد حالا باید برود به تمیز برای اینکه
 بالتبینه تمام دوسه های وقایع سی ام تیر
 بیاید بطهران (کریمی - آقا چرا متهمین
 را آوردند؟) الان خدمت جناب عالی عرض
 میکنم اما واقعه شب سی ام تیر شهرستان اهواز
 بطوریکه از آنجا با خبر دادند پس از استعفای
 آقای احمد قوام که مردم اهواز برای ابراز احساسات
 آمده بودند توی خیابانها در خیابان جمع
 شده بودند برای متفرق ساختن آنها تانک
 آورده بودند بغیابان و بر اثر تصادف با
 تانک بگداهی کشته شده اند در همان موقع
 یعنی روز بعد چون شب بود تحقیقات بجائی
 نرسید روز بعد اول وقت که حتی ذکر کرده
 اند ساعت ۷ یکساعت قبل از وقت کار از
 طرف دادسرای محل قضیه تعقیب میشود و
 باز پرس شعبه اول اهواز را بنده تانک را
 اول کاری که می کنید توقف میکنند برای
 اینکه بفهمد که راننده تانک بی احتیاطی
 کرده یا واقعا دستور گرفته فرمانده تانک
 را هم توقف می کنند هر دو را هم زندانی
 میکنند و باز پرس آنجا اخیراً نوشته است
 یعنی تلگراف کرده است که ماموسین دیگری
 پیدا کرده ایم که شرح آنرا با نامه و بارمز خواهم
 گفت و باز برای اینکه عرض کردم نمی
 شود اینجور چیزها افشاء کرد بطوری که
 آقا ملاحظه میفرمائید دادگستری با کمال
 حدیث و با اینکه اختلاف در صلاحیت شده
 و هنوز معلوم نیست که دیوان کشور بگیرد
 دادگستری تو صالحی ماداریم دلایل را جمع
 می کنیم بدون اینکه وقفای در کار رسیدگی
 متبیین واقعه سی ام تیر پیش آید همانطور
 که در مقطعه عرض کردم آهان فردا فرد
 ایرانی است و اینها در روز از آنها می داد
 کسی در مقامی نشسته اند اول آنرا هستند
 بعد از آن و بعد از آن در وزارت دفاع ملی این

ها واقعه تیر را واقعا خودی دانسته اند و کلاما
 تعقیب کرده اند آنچه متهم بقتل بوده باز
 داشت کرده اند آنچه متهم بوده بموجب
 قانون تأمین گرفته اند تحت تعقیب قرار
 گرفته اند و حدیث هم شده که بطوریکه
 شنیدید و شرحش را عرض کردم که پرونده
 یکجا در مرگ رسیدگی شود از نظر اینکه
 حفظ انتظام و برای حفظ بی طرفی پرونده
 ها همه بیایه در مرگ و نظارت بیشتری در
 مرگ قطعاً خواهد شد و اینهم یکی از
 اقدامات مفید بنظر اینجناب بوده ممکن
 است بعضی ها عقیده داشته باشند مثل جناب
 آقای کریمی که میفرمودند در خارج بهتر
 بود رسیدگی شود و بهتر بود که در کرمانشاه
 رسیدگی شود بنده عرض می کنم خیر برای
 اینکه نظارت اینجا شدیدتر است و متهمین
 را اینجا بهتر میشود تعقیب کرد همانطور
 هم که عرض کردم افشای جزئیات و تفصیلات
 اقدامات باز پرس و ریزه کاریها را بنده نمی
 توانم بموجب ماده ۱۴۴ اینجا ذکر کنم
 البته پس از تکمیل تحقیقات هم خواهند فهمید
 روزی که رسیدگی میشود و معاً خواهند
 شد بعرض بنده خواهد رسید که وزارت
 دادگستری کار خودش را کرده و مسببین را
 دستگیر کرده و مجازات هم خواهد کرد

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی

توضیحی دارید بفرمائید اما مختصر
دکتر بقائی - عرض کنم در ضمن
 بیانات بسیار شیوائی که آقای دکتر ملک
 اسماعیلی که بجای احسنت فروان داشت در
 ضمن این بیانات ایشان را می شنیدم متوجه
 یک نکته شدم آن نکته این است که دولت
 با ملت دو تا زبان مختلف حرف میزنند
 آن حکایتی که اشاره کردم مجبورم که
 تعریف کنم میگویند که یک دهانی آمد
 که پولش را بگیرد بار فروش گفت هفتاد
 تن هیزم دادی بگیر ۵۰ تن یک من دوریال
 قیمتش است من فروختم دو قران پولش می
 شود دو تومان حالا بگیر هشت تومان ناهار
 خوردی سه تا تخم مرغ داشتی
 دانه ای پانزده شاهی این را بگیر پنجهزار
 و ده شاهی چطور چطور برایش حساب
 کرد و گفت دیگر طلبی از هم نداریم این
 بیچاره آمده بود یک ناهار خورده بود و
 چندتا چایی هفتاد تن هیزم داد و برایش
 حساب پاک کرد این دهانی گفت که تمام
 این حساب هائی که تو کردی درست است
 ولی هیچ چیز کف دست من نیست ما هم می
 بینیم که بابت این سی ام تیر از این فرمایشات
 شما هیچ چیز کف دست ملت ایران نیست
 بنده فکر می کنم که چهل سال دیگر که
 انشاء الله آنوقت خود جناب عالی بخت وزیر
 باشید راجع جریان سی ام تیر ۱۳۲۱ که
 از آن سوال میکنند عیناً همین حرفها را می
 خواهید بزنید باز پرس اختلاف صلاحیت
 اختلاف سلیقه پیدا شده احاله بآنجا رجوع
 شده اینجا بطوریکه در نظر بد حالاً بعد از این

هم داستان دارد یکی را می فرستند یک
 شعبه ای و یکی را بشبه دیگری یک شعبه
 چیزی خواهد گفت و شعبه دیگر چیز دیگری
 و یک اختلاف دیگری است بعدیک انحلال
 دیگر دادگستری پیش میاید ولی آقایان
 در جریان سی ام تیر این حرفها را ملت
 ایران نمی شنود ملت ایران با آقای دکتر
 مصدق تمام اختیارات را داده بنده آدمی
 نیستم که هیچوقت نیایم درد را بگویم
 دواش را بگویم می بایستی همان روز اولی
 که آقای دکتر مصدق اختیارات را گرفتند
 می نشستند وزیرایشان را جمع میکردند و
 بگویند مجلس شورای ملی قیام سی ام تیر
 را یک نهضت ملی شناخت گمانی که در مقابل
 مردم ایستادگی کردند مخالف ملت بوده اند
 مجلس شورای ملی قوام السلطنه را مفسد
 فی الارض شناخته مفسد فی الارض هم مطابق
 شرع ما مهودالدم است یعنی اگر کسی
 همین الان برود این آدمی همه چیز را بگشود
 هیچ گناهی شرعاً ندارد این شخص مفسد
 فی الارض است اگر نمی دانید بنده این
 می بایست بگویند آقایان آقایان وزراء
 ما دارای تمام اختیارات هستیم تمام اختیارات
 را بما داده اند همانطور که برای کشتن
 این اشخاص آنجا اختلاف سلیقه پیدا شد
 دعوی صلاحیت پیدا نشد سرهنگ قربانی
 و اطلس اختلاف داشتند که با تانک
 بکشم یا با پارابلوم هیچ این حرفها را ندانند
 آقایان نمایندگان شما تسوی این مجلس
 بودید این صدای تیراندازی را می شنیدید
 این اشخاص که کشته شدند شما چند نفرشان
 را خودتان می شناختید این خونهایی که
 ریخته شده کدام شماست که ندیده اید آقا
 این مزخرفات چیست که میباید اینجا می
 گویند؟ بریزید دور این حرفها را شما
 اختیار دارید همه کار می توانید بکنید چرا
 با این چیزها می بندید دست و پای خودتان
 را چه چیزی مانع بود که بنشینید مطالعه
 کنید پنج تا ماده نظیر همان مواد قانون
 امنیت اجتماعی که برای زدن و کشتن مردم
 درست کردید بجای او تمامه درست کنید
 که اینها را درست تعقیب کنید بفرمود
 تعقیب کنید کی این جریان را نمی دانند
 تانک دوایند اند در اهواز روی مردم اینها
 رفته اند حالا هیئت رفته است شوهر تانک
 را آورده است و دهانش را بو کرده که آیا
 مست بوده یا مست نبوده این حرفها
 مزخرف است آقا ملت دیگر حوصله
 شنیدن این حرفها را ندارد بترسید از آن
 روزی که این ملت دادگستری و این قوانین
 شاهان را سرهمه ماها خراب کند این حرف
 ها چیست؟ بعد از پنج ماه این گفته در
 صلاحیت من است آن گفته در صلاحیت من
 نیست رفته بیویان کشور دیوانی کشور منحل
 شده حالا دوباره دوسه شده بعد سبکه
 انتظامی برده اند و دستاورد مراغه است

چیز است که مانعید انتم مگر ما این مسئولین را
 نمی شناسیم وقتی که مجلس شورای ملی
 رأی داد که قوام مفسد فی الارض است
 دیگر شما دنبال چه میگردید چی را می
 خواهید ثابت کنید مگر قوام مسئول اینمملکت
 نبود اینها بازی است مسخره بازی است مرد که را
 نشانته اند توی خانه اش روزنامه هم عکسش
 را چاپ میکنند پشرش را هم میگذارند
 پهلویش پدرش را دارد میبوسد که مردم رفت
 کنند مگر باین حرفها مردم فراموش
 نمی کنند واقعه سی ام تیر را بیاید کعبه
 تحقیق به بینید چه خبر است این حرفها را
 ملت از دولت نمی پذیرد که در جریان است
 ایراد بصلاحت مواد ۱۴۷ و ۱۴۴ پس از
 ۴ و ۵ ماه بیاید این حرفها را بزنید این
 مواد را چرا درسی ام تیر اجرا نکردید ملت
 ایران می خواهد که مقرراتی که لازم است
 شما وضع کنید شما هر چیزی را که آوردید
 بمجلس مجلس بهتان رأی داده شما اختیار
 دارید که هر جور قانون میخواهید وضع کنید
 کی جلوی تان را گرفته است؟ ما هیچ حاضر
 نیستیم که این مزخرفات را بشنویم تکرار
 می کنیم زرافاتر در جریان صلاحیت اینطور
 شده است ملت ایران این شهادت را نمیتواند
 فراموش کند و این حرفها هم او را اقتاع
 نخواهد کرد برای اینکه اگر بخواهد این
 حرفها را گوش کند چهل سال دیگر هم
 این جریان ادامه خواهد داشت همینطور
 در صلاحیت اختلاف نظر خواهد شد بدیوان
 کشور خواهد رفت از اینجا باصفهان از آنجا
 بکرمانشاه از آنجا با اهواز ولی بدانید که ملت
 ایران اینها را نمی پذیرد و شما اگر حقیقه
 قصدی ندارید برای نمک شناسی از این ملت
 که خون خودش را ریخت و شما را سرکار
 آورد بروید یک فکری بکنید ۴ تا ماده
 درست کنید همه این چیزها درست کنید
 مسببن که معلومند مجرمین که معلومند چرا
 بازی می کنید آقا متهم اگر بشوند فلان میکنند
 آنهایی که باید بشوند شنیده اند بنده در
 اینجا می که قرار دارم خیلی جریانات را
 میدانم این کعبه تحقیق چشم من را
 بجایی از جریانات باز کرد می دانم چه دست
 و پاهائی شد چه اقداماتی شد چه جور خواستند
 اشخاصی را تیر بکشند تمام اینها را میدانم
 ولی از لحاظ اینکه پشتیبان این دولت هستیم
 هنوز نمیتوانم بخودم اجازه بدهم که این
 مطالب را پشت این تریبون بگویم این
 آخرین دفعه ای است که پشت این تریبون
 بنده تمام حجت می کنم میدانید که بنده
 اول تمام حجت میکنم بعد میگویم این
 آخرین دفعه ای است که بنده اینجا تمام حجت
 می کنم و خیلی متأسف هستم باز قوی که
 عصر سی ام تیر مردم درام و مانع قسم از
 اینکه مردم بزنند خودشان را تمام خودشان
 را بگیرند کسانی که در طهران بودند نمیتوانند
 کسانی هم که در طهران بودند نمیتوانند
 کسی را بکشند بعد سی ام تیر در این

اگر من این قول را نداده بودم که این قضیه تعقیب خواهد شد و اگر من مردم را آرام نکرده بودم آن شب انقلاب می شد (خلغالی - مربوط بیک فرد نیست کلی است) صحبت فرد نیست مردم که آمدند جلوی حزب زحمتکشان من بهشان قول دادم (اخگر - همه قول دادیم) آقایان هم قول دادند صحیح است ولی بنده مهلت ۴ ماه را از مردم خواستم.

(در این موقع یکی از تماشاچیان

با صدای بلند گریه کرد

وتوی سرش زد)

دکتر بقائی (خطاب به تماشاچی) - شما هیچ چیز نگویید چون شمارا بعنوان ماده ۲ امنیت اجتماعی میکینند این پیرمرد کسی است که جوانش را از دست داده است آنوقت برای او در جریان است ایفاد میگردد بحویل میدهند اینهارا مردم نمیتوانند بشنوند شما باید جواب این موضوع را بدهید که باداشتن تمام اختیارات لازمه و باداشتن یک مجلسی که هر قانونی که بیاورید فوری تصویب می کند و بدستتان میدهد چه کرده اید شما باید یک طرحی می آوردید که این تعقیب فوری بشود. آقای دکتر ملک اسمعیلی باین بلاغت والکائنس که شما بخرج دادید شما میدانید که این جواب ؟ جواب ملت ایران نیست این جوابها از حیث قانون صحیح است ولی همین جواب آن بارفروش است به آن بدبخت دهاتی باین جوابها خودتان می دانید وایمان دارید که با این طرز و رویه ای که پیش گرفته شده بکنفر از اینها محکوم نخواهد شد من سؤال میکنم همین فاطمی که آدم را توی صندوق بیخ کشته است در جنگ بوده که او را کشته رفته سر صندوق را باز کرده زده کشته آیا شما می توانید بگوئید شما فکر می کنید با این تعصبات این فاطمی بیش از دو سال حبس می شود نمی توانید بگوئید وجداناً میدانید که ممکن نیست این محکوم باعدام شود یک عده ای فرار کرده اند و در رفته اند ولی من می گویم آقایان وزراء ملت ایران از همه شما خواهد پرسید و همه شما خواهد گفت که من کشته دادم من تمام اختیارات را بشما دادم مجلسی که انتخاب کرده بودم هر قانونی که آوردید تصویب کرد چرا یک مقرراتی نیاوردید که تسریع شود در اینکار

چرا بعد از اینکه چهار ماه طول دادید حالا تازه باین وضعی که ایشان نشان دادند این طرحی که گفتند این جریانها بیست سال دیگر طول خواهد کشید می اختلاف صلاحیت می احاله مامی دانیم داد گستری این چیزها را دارد ولی این قربانیان سی ام تیرا مردمی که کشته شده اند ملت فراموش نخواهد کرد و انتقام آنها را خواهد کشید اگر در این جریان شما وظیفه خودتان را انجام دادید ما ممنونتان خواهیم بود اگر انجام ندادید شماها تمامتان در ردیف قوام السلطنه و سرهنگ قربانی و ستوان فاطمی خواهید بود و قوام را مجلس شورای ملی مفسدنی الارض رأی داده و مجرم شناخته است اینها حرف است صحبت می کنید که میبرند می گیرند فلان می کنند ضمناً من یک شهادتی هم باید بدهم عرض کنم موقعی که ما رفته بودیم در لاهه یک سند از اسنادی که می بایستی در آنجا مطرح شود از این سند یک ترجمه فرانسه لازم بود ترجمه ای که از طرف مقامات رسمی فرانسه گواهی شده باشد بنده از طرف جناب آقای دکتر مصدق مأموریت پیدا کردم که بروم پاریس و این سند را تهیه کنم و بر گردم بلاهه وقتی رفتم پاریس یک جریانی پیش آمد که بنده لازم بود از ایشان سؤال کنم برای این سؤال ساعت ۷ بعد از ظهر که هوا هم خیلی خوب بود با یکی از دوستان عزیزم رفتم سفارت ایران در پاریس که با استفاده از تلفن سفارت ایران از آنجا تلفن کنم در آن ساعت که رفتم آنجا دیدم که یکی از اطاقهای سفارت روشن است تحقیق کردم گفتند که این جوانی است به اسم عزالدین کاظمی پسر جناب آقای کاظمی من خیلی خوشوقت شدم که یک جوانی در پاریس ساعت ۷ موقع تفریح مشغول انجام وظیفه است مشغول خدمت است و از آنجا کاغذی بجناب آقای کاظمی نوشتم و بایشان تبریک گفتم از داشتن همچو پسری باینجهت خیلی از این که دوست عزیزم جناب آقای وکیل پور راجع با آقای عزالدین کاظمی گفتند متأثر شدم ولی آنچه که راجع بالقای جیره بندی بود بنده خودم یکی از معترضین باین کار بودم و یک مقاله ای هم در روزنامه نوشتم و از آقای کاظمی خواسته بودم که کسانی که از این الفاء سوء استفاده کرده اند تعقیب کنند و موقعی که در بیمارستان بودم از

ایشان خواستم که این موضوع را تعقیب کنند با تأیید قسمت اول راجع بجیره بندی خواستم راجع بیک جوانی که خودم دیدم چه جور انجام وظیفه می کند شهادت بدهم (احسن)

وکیل پور - خیلی متشکرم
نایب رئیس - آقای معاون وزارت داد گستری

معاون وزارت داد گستری - عرض می شود یکی از پرسوهرای عالی مقامی که شاید خود آقای دکتر بقائی بشناسند با اسم کارل موریس که یکی از اطبای بسیار بزرگ است که می گوید مردانی که در حین کلام برافروخته می شوند این برافروختگی حاکی از احساسات پاک و عواطف رقیب است و واقعاً باین اشخاص می شود اطمینان کرد و بعرف های آنها اهمیت بیشت از گفته های سایرین قائل شد (عده برای مذاکره کافی نبود)

نایب رئیس - تأمل کنید تا اکثریت حاصل شود

بعضی از نمایندگان - تنفس بدهید (با ورود چند نفر اکثریت شد)

معاون وزارت داد گستری - بنده عرض کردم با این احساسات خوب و پاک بنده توقع داشتم که کلمات مزخرفات و مسخره بازی را اقلاً از نظر اینکه بنده عضو این مملکت فرد این مملکت و کاری در این مملکت دستم است بیان نفرمایند چون وکیل احترام دارد مقامات احترام دارند بنده آنچه از جریان کار عرض کردم بموجب قانونی که در دست ماست اما آقایان مثل اینکه یک موضوع را فراموش کرده اند که قانون یعنی اراده مردم نمایندگان ملت کاری ندارند جز گفتن اراده مردم قانون یعنی اراده مردم، آنروزی که در اسارت و آن مردم جمع میشدند در مهدانی همان حرفی که می زدند قانون میشد جمعیت زیاد شد گفتند آقا دو میلیون و ۳ میلیون رانمشود توی میدان جمع کردند نماینده بفرستید نماینده محترم انتصاب شدند نمایندگان وقتی اراده کردند مردم اراده کرده اند هیچ مانعی ندارد آقایان هر طرز رسبیدگی که تصویب فرمائید اجرا میشود جناب آقای نادعلی کریمی روزاول تشریف آوردند و این پیشنهاد را کردند که ما طرحی تهیه کرده ایم طرز رسیدگی خاص قانون خاص که تمام این مسخره بازی ها که می فرمائید کنار

می گذاشتیم درست است اختیار بجناب آقای دکتر مصدق داده شده ولی نمایندگان ملت حضور دارند و این حق از آنها سلب نشده است که قانون بنویسند و ما را مأمور اجرا بکنند و بنده هم با تمام قوا میکوشیدم همان طور که قانون حاضر را اجرا کردم قانونی که تصویب میکردند با کمال اطاعت مثل یک قوه مجریه در خدمت ملت و از خدمت آقایان نمایندگان اجرا میکردم کی جلوی آقایان را گرفته بود امروز این کار را بکنید بنده با کمال منت اگر در اجرای قانون یعنی اراده مردم ایران که آقایان نمایندگان هستند قصوری کردم از بنده بپرسید سؤال کنید چهارماه است چه کردید؟ کی شما گفت قانون نگذارند پس آقایان همین قانون موجود را قبول داشتید بمجالس سابق احترام گذاشتید بعقیده مردم آنوقت و نمایندگان آنوقت گفتید داد گستری با همین قوانین اینکار را بکن و ساکت بودید حالا هم وقت نگذشته همین مسخره بازی را می شود متوقف کرد یک آیین دادرسی خاص با سه ماده آقایان تصویب فرمایند به بنده بدهند بوزیر داد گستری بدهند بنده اجرا خواهم کرد اگر نتیجه نکرقتید البته حق دارید از بنده سؤال بکنید ولی متأسفانه باید تصدیق کنید که با قوانین حاضر ما چاره ای جز این نداشتیم که این قوانین را باید اجرا کنیم و اگر نمی کردیم باید مورد بازخواست آقایان واقع می شدیم (احسن)

(۱۳- معرفی آقای شهشانی)
بمعاونت وزارت کشور
بوسیله آقای وزیر کشور
نایب رئیس - آقای وزیر کشور
وزیر کشور - بنده با اجازه آقایان نمایندگان محترم جناب آقای شهشانی را بسمت معاونت وزارت کشور معرفی میکنم (مبارک است)

(۱۴- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)
نایب رئیس - با اجازه آقایان نمایندگان محترم جلسه را ختم میکنم جلسه آینده روز ۵ شنبه ساعت ۹ صبح دستور بقیه لایحه ملی شدن تلفن و بودجه وزارت فرهنگ (بکساعت وچهل دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی
محمد ذوالفقاری